



BAZAR Publications

ماهنامه اقتصادی، علمی، اجتماعی و فرهنگی

شماره ۴۲۹، خرداد و تیر ۱۴۰۵، سال ۳۶

36ième - Année No. 429 Juin 2026

سیمین ماهری
مشاور املاک
مسکونی، تجاری

Simin Maheri
smaheri@sutton.com

514.451.4663

ایران در آتش بحران؛

آیا زمان عبور فرا رسیده است؟

جنگ، فروپاشی اقتصادی، خشم عمومی و شکاف در حاکمیت، جمهوری اسلامی را در یکی از دشوارترین مقاطع تاریخ خود قرار داده است؛ نقطه‌ای که بسیاری از ایرانیان دیگر مسئله اصلاح را مطرح نمی‌کنند، بلکه از آینده‌ای پس از جمهوری اسلامی سخن می‌گویند.

صفحه ۴

bisti
+1(514) 806 0020
بیستی

Address
3981 Boulevard Saint-Laurent, Montréal,
QC H2W 1Y4

Montréal Toronto
+1 (514) 2843030 +1 (647) 5922011

تیم شکور
Équipe Shakour

مشاوره تخصصی املاک
مسکونی تجاری سرمایه‌گذاری

514-730-3909
www.shakourrealty.com

Équipe & courtois
prémière
L'Équipe
2018

صرافی کیهان
پلی مطمئن میان ایران و جهان

اولین و تنها صرافی معتبر
در شمال شهر مونتreal

برای اطلاع از رقابتی ترین نرخ ها
به کانال تلگرام ما بپیوندید
<https://t.me/arzkeyhan>

CONTACT US 438-883-8902

مشاور املاک

- خرید و فروش
- املاک مسکونی، تجاری
- تهیه و تمديد
- وام‌های مسکونی و تجاری
- مشاوره در امور سرمایه‌گذاری

با بیش از ۴۰ سال کار در کانادا
و ۲۳ سال سابقه مشاور امور املاک

514 827 6364 | 514 364 3315

فیروز هممیان
Firouz Hemmatiyan
Certified Real Estate Broker
fhemmatiyan@sutton.com

متین تیره دست
مشاور امور مالی، فارغ التحصیل
دانشگاه صنعتی شریف و ETS

Financial Advisor
At Industrial Alliance

Matin TيرهDast

بیمه عمر، بیمه مسافرتی
بیمه وام مسکن
بیمه از کار افتادگی
حسابهای پس انداز و سرمایه گذاری
برنامه های باز نشستگی
حساب سرمایه گذاری کودکان

514.690.6181
www.ia.ca

coromark 438.889.9000
www.coromark.com office@coromark.com

خدمات چاپ دیجیتال
کارت ویزیت، کاتالوگ، فلایر، بنر، ساین، استند، ...
هدایا و اقلام تبلیغاتی
تیشرت، کلاه، خودکار، لیوان، تقویم، جاکلیدی، ...
تبلیغات محیطی
تابلو، رول آپ بنر، ساین روی تیشته و خودرو، ...

مشاورین املاک مسکونی و تجاری

مشاوره هفت روز هفته
به صورت حضوری و تلفنی

نگین خاکسار 514 746 7569
نادر خاکسار 514 969 2492

مهدی انصاری
کارشناس ارشد مهندسی عمران
خرید، فروش، اجاره و تهیه وام

514-979-4551
mahdi.ansari@remax-quebec.com

مشاور املاک
مهدی انصاری

RE/MAX 3000

514 588 0609
mahdi.ansari@remax-quebec.com

مریم خالقی
Maryam Khaleghi
Real Estate Broker
514.983.5415
mkhaleghi@profusion.global

مشاورین املاک مسکونی و تجاری
در خدمت هموطنان گرامی

1 Westmount Square suite 711, Westmount, Quebec H3Z 2P9

حمید صدیق کاغذچی
Hamid Sedigh Kaghazchi B.Sc.
Real Estate Broker
514.928.5415
realestate.kaghazchi@gmail.com

COTE DES NEIGE: Choice of \$399,000 or \$395,000. Westbury Montreal - Phase 1 & 2! 1 bdrm condos available on the 4th and 8th floors, the 4th fl. unit features a private terrace. Open concept living-room/dining-room. Access to rooftop terrace with lounge area, BBQs, gym.

Nun's Island: \$6,500/month. 1,413 sq ft. Rare corner unit in the prestigious EVOLO X tower, offering spectacular, unobstructed views of downtown, the river, and the Samuel-De Champlain Bridge. 3 bdms, 2 baths, garage, pool. **For rent**

Cote St-Luc: Large fully furnished 3 1/2 bachelor apartment with private entrance, ideal for newcomers. Open-concept living room and kitchen with granite countertops, closed bedroom, fully bathroom, and separate laundry room. **For rent**

GRIFFINTWON: \$439,000. Exalto one of the most popular projects in heart of Griffintown. Nice condo of 1 bdrm, 1 bath. High concrete ceilings, wood floors, Open kitchen, quartz countertops, garage.



RESTAURANT GILANEH • MONTREAL •

رستوران گیلانه مونترال

تنها رستوران تخصصی غذاهای اصیل ایرانی و گیلانی
در قلب وست ایلند مونترال،

جایی که عطر برنج شمال، دود کباب‌های اصیل
و طعم بی‌نظیر خورش‌های گیلانی در هم می‌آمیزد،
تجربه‌ای متفاوت از غذاهای ایرانی را برای شما خلق کرده است.



- کیفیت بالا
- مواد اولیه تازه
- طعمی که
- فراموش نمی‌کنید

5146840808

- در گیلانه،
- ما فقط غذا سرو نمی‌کنیم
- ما شما را
- به سفری به شمال ایران می‌بریم؛
- از میرزا قاسمی دودی تا فسنجان اصیل، از کباب‌های حرفه‌ای
- تا غذاهای خاص گیلانی که کمتر جایی پیدا می‌شود.

آدرس اینستاگرام: gilanehresto

ساعت کاری: ۱۱ صبح تا ۱۱ شب

آدرس: وست ایلند، بلوار Sources

کلینیک دندانپزشکی



دکتر رامین میرموجی

Dr. Ramin Mirmooji
General dental practitioner

Dr. Samer Abboud



www.msmiline.com

info@msmiline.com

معالجه لثه، روکشهای چینی، سفید کردن دندان
درمان بیماریهای ریشه دندان، دندانهای مصنوعی
اورتودنسی، کاشت دندان، ایمپلنت
دندان اطفال، جراحی دندان عقل



استفاده از پیشرفته ترین سیستمهای
ضد عفونی و استریلایسیون



دندانپزشکی بدون درد یا سدیشن،
درمان خروپف و آپنه خواب



با بازدید از سایت ما
شانس خود را
برای یک
سفر عالی
به کوبا ببازماید

وست آیلند

514 675 3332

قبول کلیه
بیمه های مدیکال

عضو بیمه های دانشجویی
دانشگاه کبک

4935 Boulevard St-Charles, Suite 104, Pierrefonds, QC H9H 3E4

کلینیک زیبایی دکتر کاملیا امامیان



- بوتاکس
- فیلر پی آر اف (ای زی ژل)
- فیلر هیالورونیک اسید
- فیلرهای بیواستیمولاتور

جوان سازی پوست :	درمان ریزش مو و تقویت رشد مو	سایر خدمات
هیدروفیشیال	مزوتراپی	لیزر موهای زائد صورت و بدن
مزوتراپی	اگزوزوم	آنالیزور صورت (دستگاه تحلیل چهره)
اگزوزوم	پی آر پی	جوان سازی دست و گردن
پی آر پی	پی آر پی + اگزوزوم	برداشتن خال و زوائد پوستی
پی آر پی + اگزوزوم	هیرفیلر	کربوکسی تراپی
میکرونیدینگ		ترمیم اسکارهای صورت و بدن
میکرودرم ابرژن		واکس مارک ها
		رفع غبغب و چربی های موضعی بدن

- لیزر موهای زائد
- هیدروفیشیال
- پی آر پی
- آنالیز پوست
- بوتاکس
- ایزی ژل

Cliniquekamelia@gmail.com

Cliniquekamelia.ca

(514) 677-5875

Cliniquekamelia



WWW.CLINIQUEKAMELIA.CA

EMMA LINDSAY



با مدیریت ایرانی

انواع پیتزا در سایزهای مختلف



Burgers & Hot-Dogs

با هر خرید، یک نان بربری رایگان دریافت می کنید

514 343-0343

4701E Boul. Saint-Jean
Dollard-des-Ormeaux, QC
H9H 2A7

Mojgan Rajabi

Senior Financial
Security Adviser

514.296.7306

bimeh.ca@gmail.com

[bimeh.canada](https://www.facebook.com/bimeh.canada)

[bimeh.canada](https://www.instagram.com/bimeh.canada)



مزگان رجبی

مشاور و مدرس بیمه

طرف قرارداد با بزرگترین کمپانی های کانادا

- ☑ بیمه عمر (Life Insurance)
- ☑ بیمه وام مسکن (Mortgage Insurance)
- ☑ انواع بیمه های مسافرتی (Travel Insurance)
- (دانشجویی، ویزیتوری، سوپرویزا)
- ☑ حساب پس انداز بازنشستگی (FHSA-RRSP)
- ☑ حساب تحصیلی فرزندان (RESP)
- ☑ حساب معاف از مالیات (TFSA)
- ☑ بیمه از کار افتادگی (Disability Insurance)
- ☑ بیمه بیماری های خاص (Critical Illnesses)
- ☑ بیمه سلامت تکمیلی (دندان، چشم، فیزیوتراپی)

تدریس و آماده سازی برای لایسنس بیمه

بیمه، همیشه ضامن آرامش است

تهیه ماهنامه

لیست مراکز پخش

ماهنامه بازار

مونترال

رستوران کباب سرا

فروشگاه سن لوران

فروشگاه بازار

در دو شعبه

فروشگاه البرز

سوپر مارکت پی ای

وست آیلند

سوپر ایرانی لیشام

رستوران حافظ

رستوران گریل سلکت

سامی فروت

ادونیس

لاشین

اتو رایدر

ریور سود

فروشگاه آریا

ادونیس

کوه نور

توضیحات تحریریه

نحوه و زمان

ارسال مطالب شما

خوانندگان محترم نشریه

می‌توانند مطالب و

آگهی‌های خود را حداکثر

تا پانزدهم هر ماه، به

همراه اسم و عکس خود

به ایمیل نشریه که در فرم

اشتراک آمده است، ا

رسال کنند. مطالبی که

بعد از این تاریخ به هیأت

تحریریه برسد، در شماره

آتی به چاپ خواهد رسید.

مطالب ارسالی خود را به

صورت تایپ شده و در

فرمت یک فایل ورد ارسال

نموده و عکس های

پیوستی نیز کیفیت و سایز

مناسب چاپ داشته

باشند.

توجه:

آنچه توسط نویسندگان

و همکاران در این نشریه

مطرح می‌شود، با وجود

اینکه عیناً در ماهنامه به

چاپ می‌رسد، الزاماً

بیانگر دیدگاه این نشریه

نبوده و این ماهنامه هیچ

گونه مسئولیتی را در

قبال مطالب ارسالی

نویسندگان، به عهده

نمی‌گیرد.

۵۱۴۰۵۳۸۰۰۶۲۸

با ما در ارتباط باشید

ایران در آتش بحران؛

آیا زمان عبور فرا رسیده است؟



جنگ، فشار اقتصادی و شکاف عمیق میان حکومت و جامعه، ایران را وارد یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر کرده است. در میان بحران‌های داخلی و تنش‌های منطقه‌ای، بسیاری از ایرانیان امروز بیش از هر زمان دیگری درباره آینده‌ای متفاوت برای کشور فکر می‌کنند

فکر می‌کنند؛ آینده‌ای که در آن دیگر نمی‌خواهند میان جنگ، تحریم، سرکوب و فقر گرفتار باشند. بسیاری از ایرانیان امروز به دنبال کشوری عادی هستند؛ کشوری که در آن سیاست خارجی بر اساس منافع ملی تعریف شود، نه ایدئولوژی، و حکومت به جای کنترل جامعه، در خدمت رفاه و امنیت مردم باشد.

در نهایت، شاید آنچه امروز در ایران در حال شکل‌گیری است، فقط یک بحران سیاسی نباشد؛ بلکه پایان تدریجی دوره‌ای تاریخی باشد. دوره‌ای که با وعده عدالت و استقلال آغاز شد، اما برای بسیاری از مردم با خستگی، ناامیدی و انزوا ادامه پیدا کرد.

آینده ایران هنوز قطعی نیست و هیچ‌کس نمی‌تواند با اطمینان بگوید تحولات پیش‌رو به کدام سمت خواهد رفت.

اما یک چیز روشن است: جامعه ایران تغییر کرده و بازگرداندن آن به سکوت گذشته دیگر آسان نخواهد بود.

جمهوری اسلامی اکنون با نسلی روبه‌روست که نه تجربه انقلاب ۵۷ را دارد و نه تعلق عاطفی به شعارهای ایدئولوژیک حکومت. نسل جدید بیشتر از هر چیز درباره کیفیت زندگی، آزادی فردی، آینده شغلی، ارتباط با جهان و حق انتخاب صحبت می‌کند. این نسل با اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و جهان بیرون ارتباط دارد و روایت رسمی حکومت را به‌سادگی نمی‌پذیرد.

از سوی دیگر، بحران‌های منطقه‌ای نیز فشار مضاعفی بر حکومت وارد کرده‌اند.

اقتصاد ایران توان تحمل یک درگیری بلندمدت را ندارد و هر شوک جدید می‌تواند وضعیت معیشتی مردم را بحرانی‌تر کند. حکومت شاید هنوز ابزار سرکوب را در اختیار داشته باشد، اما مشروعیت اجتماعی چیزی نیست که با زور حفظ شود.

شاید مهم‌ترین مسئله امروز ایران این باشد که مردم بیش از هر زمان دیگری درباره آینده

اعتبار بین‌المللی دوران پیش از جمهوری اسلامی در ذهن دارند.

رضا پهلوی در سال‌های اخیر تلاش کرده خود را نه صرفاً به‌عنوان وارث یک خاندان سیاسی، بلکه به‌عنوان چهره‌ای برای دوران گذار معرفی کند. او بارها بر سکولاریسم، انتخابات آزاد، جدایی دین از حکومت و بازسازی روابط ایران با جهان تأکید کرده است. همین موضوع باعث شده بخشی از جامعه، مخصوصاً نسل جوان و طبقه متوسط شهری، او را به‌عنوان یکی از گزینه‌های جدی آینده ایران ببینند.

البته واقعیت این است که آینده ایران فقط به یک فرد یا جریان سیاسی وابسته نیست. جامعه ایران امروز پیچیده‌تر و متنوع‌تر از آن است که بتوان آینده‌را صرفاً در قالب بازگشت به گذشته تعریف کرد.

اما آنچه روشن به نظر می‌رسد، این است که بخش بزرگی از جامعه دیگر ادامه وضعیت فعلی را غیرقابل تحمل می‌داند.

جنگ، فروپاشی اقتصادی، خشم عمومی و شکاف در حاکمیت، جمهوری اسلامی را در یکی از دشوارترین مقاطع تاریخ خود قرار داده است؛ نقطه‌ای که بسیاری از ایرانیان دیگر مسئله اصلاح را مطرح نمی‌کنند، بلکه از آینده‌ای پس از جمهوری اسلامی سخن می‌گویند.

در روزهایی که منطقه در التهاب جنگ و ناامنی فرو رفته، ایران نیز وارد یکی از حساس‌ترین و پرتنش‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر خود شده است. اما آنچه امروز در ایران جریان دارد، فقط یک بحران نظامی یا سیاسی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از بحران‌های همزمان است که سال‌ها زیر پوست جامعه انباشته شده بود و اکنون همگی با شدت بیشتری خود را نشان می‌دهند. جنگ تنها جرقه‌ای بود که شکاف‌های عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را آشکارتر کرد.

سال‌هاست جمهوری اسلامی تلاش می‌کند خود را به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای و شکست‌ناپذیر معرفی کند؛ حکومتی که مدام از «اقتدار» سخن می‌گوید و رسانه‌های رسمی‌اش تصویری از ثبات و کنترل کامل ارائه می‌دهند. اما واقعیت زندگی مردم چیز دیگری است. تورم سنگین، سقوط ارزش پول ملی، ناامیدی نسل جوان، فرار گسترده نخبگان، بحران آب، فساد ساختاری و سرکوب مداوم اجتماعی، جامعه‌ای خسته و فرسوده ساخته است؛ جامعه‌ای که دیگر مانند گذشته به وعده‌ها و شعارها باور ندارد.

در چنین شرایطی، جنگ و تنش‌های خارجی نه تنها باعث اتحاد عمومی نشده، بلکه برای بخشی از جامعه به یادآور این حقیقت تبدیل شده که جمهوری اسلامی کشور را به نقطه‌ای رسانده که هر بحران منطقه‌ای می‌تواند مستقیماً زندگی روزمره مردم را تهدید کند. بسیاری از ایرانیان احساس می‌کنند هزینه سیاست‌هایی‌را می‌پردازند که هیچ‌گاه در انتخاب یا تصمیم‌گیری درباره آنها نقشی نداشته‌اند.

در سال‌های گذشته، حکومت میلیاردها دلار صرف پروژه‌های منطقه‌ای، گروه‌های نیابتی و رقابت‌های ایدئولوژیک کرد؛ در حالی که زیرساخت‌های داخلی کشور روز بروز فرسوده‌تر شد. امروز نتیجه آن سیاست‌ها را می‌توان در اقتصاد بحران‌زده، کمبود سرمایه‌گذاری، نارضایتی عمومی و انزوای بین‌المللی ایران دید. جمهوری اسلامی سال‌ها از «مقاومت» سخن گفت، اما برای بخش بزرگی از مردم، این مقاومت به معنای کوچک‌تر شدن سفره‌ها، محدودتر شدن آزادی‌ها و تاریک‌تر شدن آینده بوده است.

در این میان، نکته‌ای که بیش از گذشته به چشم می‌آید، تغییر فضای روانی جامعه است. اگر در گذشته بخشی از جامعه هنوز امیدی به اصلاحات تدریجی داشت، امروز بسیاری از مردم دیگر مسئله‌را در تغییر دولت یا جناح سیاسی نمی‌بینند، بلکه درباره اصل ساختار صحبت می‌کنند. این تغییر نگاه، یکی از مهم‌ترین تحولات سال‌های اخیر ایران است.

در چنین فضایی، نام رضا پهلوی بیش از گذشته در فضای سیاسی و اجتماعی مطرح شده است. حتی بسیاری از کسانی که لزوماً سلطنت‌طلب نیستند، او را به‌عنوان نمادی از گذار، ثبات و بازگشت ایران به جامعه جهانی می‌بینند.

دلیل این مسئله فقط نوستالژی گذشته نیست؛ بلکه مقایسه‌ای است میان وضعیت امروز ایران و تصویری که مردم از ثبات، توسعه و

فرم اشتراک ماهنامه بازار

با تکمیل و ارسال یک کپی از این فرم به آدرس پستی یا پست الکترونیکی انتشارات بازار می‌توانید از اطلاعات و آگاهی مورد نیاز در باره چگونگی دریافت ماهنامه ی بازار اطلاع یافته و یا شرایط درج آگهی های بازرگانی خود را، در این ماهنامه دریافت نمایید.

۵۱۴۰۵۳۸۰۰۶۲۸

با ما در ارتباط باشید

درخواست ماهنامه درخواست یلویجز بازار درخواست لیست قیمت

توضیحات:

نام و نام خانوادگی

نام شرکت:

آدرس:

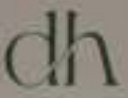
تلفن و یا همراه:

فکس:

آدرس ایمیل:

182 Ave Brunet Dorval QC H9S 3G3

www.bazar-publications.ca bazarpublications@gmail.com



DENTUROLOGIE HADI

دندانسازی هادی کیفیت را با ما تجربه کنید



AFKHAM HADI d.d.



برای مشاوره رایگان با ما تماس بگیرید

514.737.6363

WWW.DENTUROLOGIEHADI.COM

5165 QUEEN MARY, SUITE 401
MONTREAL, QUEBEC, H3W 1X7



Mehrnaz
Kashani

Open 7 Days

انواع کوپ‌های تخصصی زنانه و مردانه
جدیدترین مدل‌های شنیون، برآشینیگ
گریم و میکاپ عروس
انواع رنگ مو: هایلایت، مووی لایت، آمبره، سامبره، بالیاز
بافت و اکستنشن، صافی و ترمیم عو یا مواد طبیعی
خدمات ناخن: کاشت و ترمیم و شلک، مانیکور و پدیکور
آرایش دائم صورت، میکروبلندینگ، ترمیم ابرو، پلک
کاشت مژه، لیفت مژه، لیفت ابرو
اصلاح و ابرو، اپیلاسیون، وکس صورت، فیشیال

MEN | WOMEN | KIDS

5702 sherbrooke west
Montreal (QC) H4A1W8
514-209-7304

Hairdresser montreal mehnaz

همه روزه ۷ صبح تا ۵ عصر | یکشنبه تا ۳ عصر



قابل توجه ساکنین محترم وست آیلند مونترال
سوپر ایرانی لیشام با افتخار در خدمت شماست!



لیشام یعنی کیفیت بالا، قیمت منصفانه، طعم واقعی و اصیل

ساعات کاری: از ۹ صبح تا ۸ عصر | یکشنبه ها: از ۹ صبح تا ۶ عصر

4701 Boul. Saint-Jean, Unite J Dollard-Des Ormeaux, H9H 2A7

514-620-1505

همراه با نمایندگی DHL جهت انجام مرسوله پستی شما
Ria Money Transfer

و صرافی وسترن یونیون جهت واریز شهریه دانشگاه حتی از ایران و یا امور دیگر
منتظر دیدار شما هستیم!

کلینیک دندانپزشکی لاشین

دکتر راضیه رضوی
جراح دندانپزشک

Dr. Razieh Razavynia (Dr. Razi)

تیم حرفه ای متشکل از
دندانپزشکان متخصص و جراح

www.dentistelachine.com

Clinique Dentaire Lachine

عرضه کننده خدمات دندانپزشکی و دندانسازی
برای تمام افراد خانواده و در محیطی آرام بخش

استفاده از پیشرفته ترین سیستم های ضد عفونی و استریلایزاسیون



دندانپزشک خانواده
درمان ریشه دندان
درمان لثه
پر کردن دندان
روکش دندان

ایمپلانت کاشتن دندان، کشیدن دندان و...
دندان مصنوعی دست تمام، پارسیل

Tel: (514) 300 8877

1675 Rue Notre-Dame Lachine, QC H8S 2E5

Pharmacie Golnasim Riahi

داروخانه دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا
برای رفاه و سلامت شما در شرایط کرونا
www.riahipharma.com
Tel: (514) 519-3060



ارسال رایگان
در بک و اونتاریو
A Free and Unlimited Free Ship

4901 Rue Jean-Talbot O. Montreal, H4P 1W7
514 519 3060 438 890 3695
www.riahipharma.com info@riahipharma.com

نوشتن نسخه
توسط دکتر داروساز یا پزشک یا پرستار شما

واکسناسیون
گرونی، آنفولانزا و غیره

تست های پزشکی
در داروخانه یا منزل شما

مشاوره درمانی
لفظی یا حضوری

دریافت نسخه
از طریق وب سایت تلفن همراه و فکس

دسترسی آنلاین
به پرونده پزشکی، تجویز و بازاریابی دارو

انتقال پرونده
دارویی از دیگر داروخانه ها

گفت و گوی صمیمانه با لیدا صداقت کیش؛ طنین هویت در صدای «آکادمی قاصدک»

مقدمه گزارش: در حاشیه نمایشگاه کتاب «تهران بدون سانسور»، فرصتی دست داد تا با مدیر مؤسسه فرهنگی-هنری

قاصدک، خانم لیدا صداقت کیش، هنرمندی که صدایش پلی است میان نسل ها، به گفتگو بنشینیم.

بخش اول:
کشف صدای درون

به واژه ها "جان" می دهم، کودک با تغییر لحن، اکت و خیز صدا و رنگ آمیزی کلمات، شخصیت ها را در ذهن خود نقاشی می کند، این جادوی صداست که باعث می شود یک قصه ی ساده، برای کودکی که هزاران کیلومتر

از ایران دور است، به یک تجربه ی زنده و ملموس تبدیل شود.

بخش سوم:
پاسداری از زبان مادری

در دنیای غربت، حفظ زبان فارسی برای والدین یک چالش است. از نگاه شما، موسیقی و آواز چه نقشی در تثبیت هویت فرهنگی کودکان ایفا

خانم صداقت کیش، بسیاری از مردم تصور می کنند آواز خواندن یک موهبت الهی است که فقط عده معدودی از آن برخوردارند. شما به عنوان مدرس صدا سازی، چقدر معتقدید که هر انسانی می تواند «صدای واقعی» خودش را پیدا کند؟

«بسیاری می پرسند: "آیا من هم می توانم آواز بخوانم؟" پاسخ من همیشه مثبت است. صدا، اثر انگشت روح ماست. درست است که تکنیک نقش دارد، اما صدا سازی یعنی برداشتن لایه های تنش و ترسی که روی صدای واقعی ما را گرفته است.

کار من این است که به هنرجو کمک کنم تا آن صدای منحصر به فردی که طبیعت به او هدیه داده را دوباره کشف کند؛ صدایی که نه تقلید است و نه نقاب، بلکه خود واقعی اوست.»

بخش دوم:

جادوی صدا در خدمت قصه تخصصی شما در دوبله و صدا سازی، چه رنگ و بویی به کارگاه های قصه خوانی برای کودکان می دهد؟ آیا تکنیک های صدا می تواند به درک بهتر داستان کمک کند؟

«وقتی از تکنیک های دوبله و صدا سازی در قصه گوئی استفاده می کنم، در واقع دارم



در روزگاری که فاصله از سرزمین مادری، زبان و هویت فرهنگی کودکان را کم رنگ می کند، هنوز کسانی هستند که با جادوی صدا و قصه، پلی میان نسل ها می سازند. خانم صداقت کیش، باور دارد صدا «اثر انگشت روح» هر انسان است؛ صدایی که می تواند راهی برای آرامش، کشف خویش و حفظ ریشه های فرهنگی باشد. او با بهره گیری از تکنیک های دوبله، آواز و قصه گوئی، به واژه ها جان می بخشد و برای کودکان فارسی زبان دور از وطن، فضایی سرشار از احساس، امنیت و خاطره می آفریند؛ جایی که قصه ها و لالایی های فارسی هنوز قلب کودکان را به ریشه هایشان پیوند می دهد.

می کند؟

«هر داستان در زبان فارسی برای من مثل یک دستگاه موسیقی؛ پر از ظرافت و گوشه است. وقتی برای بچه ها آواز می خوانم یا قصه می گویم، هدفم فقط آموزش کلمات نیست، بلکه می خواهم "احساس" نهفته در این زبان را به آن ها منتقل کنم.

موسیقی و ملودی، سریع ترین راه برای حک کردن هویت در ناخود آگاه کودک است. بچه ها شاید معنی همه ی کلمات را ندانند، اما امنیت و گرمای "لالایی" و "قصه" را با تمام وجود حس می کنند.»

بخش چهارم:

قصه گوئی در دنیای دیجیتال شما به صورت هفتگی قصه های نوستالژیک را با صدای خودتان در یوتیوب و تلگرام منتشر می کنید. انگیزه شما از این فعالیت مستمر و رایگان در فضای مجازی چیست؟

«هدف من ساختن یک آرشیو امن و در دسترس برای همه ی فارسی زبانان بود. وقتی پیامی از یک مادر در گوشه ای از دنیا دریافت می کنم که می گوید: "فرزندم با صدای شما به خواب می رود"، حس می کنم رسالت مرا انجام داده ام.

این قصه ها، ریسمان های نامرئی هستند که قلب فرزندان ما را به ریشه هایشان متصل نگه می دارند.»

بخش پنجم:

تنفس، آرامش و رهایی یکی از جذاب ترین بخش های آموزش های شما، ارتباط میان تنفس صحیح و آرامش است. آیا کلاس آواز می تواند نوعی

درمان برای اضطراب های زندگی مدرن باشد؟

«بزرگترین راز آواز، در "تنفس" نهفته است. ما در کلاس های صدا سازی، پیش از آنکه خواندن را تمرین کنیم، درست نفس کشیدن را یاد می گیریم. تنفس عمیق شکمی، سیستم عصبی را آرام می کند. من همیشه به هنرجویان می گویم: "هر نفسی که اجرا می کنید، یک تمرین برای رهایی از اضطراب است.

" در دنیای پرهیاهوی امروز، کلاس آواز به راهی برای من و شاگردانم، ساعتی برای مراقبه و بازگشت به سکون و صلح درونی است.

کسی که یاد می گیرد صدایش را مدیریت کند، یاد می گیرد بر هیجاناتش هم مسلط شود.»

سخن پایانی

برای والدینی که نگران قراموش شدن زبان مادری در فرزندان شان هستند، چه توصیه ای دارید؟

«نگران نباشید اگر فرزندان فارسی را با لهجه صحبت می کند؛ فقط اجازه دهید این زبان در خانه ی شما "زندگی" کند.

با آن ها فارسی بخندید، فارسی قصه بگویید و بگذارید موسیقی ایرانی در فضای خانه جاری باشد.

زبان، فراتر از کلمات، یک "حس" است که باید در قلب بماند.»

جهت اطلاع از

دوره های آموزشی

آکادمی قاصدک

و ارتباط با خانم

صداقت کیش با شماره زیر

تماس بگیرید

۴۳۸۸۳۶۳۰۳۵

Vinco Forex

صرافی پنج ستاره

تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و بالعکس با کمترین هزینه

New Location
4010 Saint Catherine O, Suite 210 Montreal, QC H3Z 1P2 | 514 585 2345 | 514 846 0221

LaPhotoshop

LA PHOTOSHOP
professional Photography Studio

در مکان جدید

خاطرات خود را با ما ثبت کنید

New Location
4010 Saint Catherine O, Suite 210 Montreal, QC H3Z 1P2 | 514 846 0221 | 514 585 2345 | Fax : 514 846 2168
WWW.laphotoshop.ca



Pharmacie
Chadi- Kabak Inc.
شادی کبک



اولین داروخانه
با مدیریت ایرانی
در مونتreal

Tel: 514.288.4864
514.288.9281
Fax: 514.288.4682

4084 Boul. St.Laurent
Montreal, QC H2W 1Y8
تحويل دارو در تمام نقاط مونتreal
به صورت رایگان



هومن بصیر
مشاور املاک
و مشاور وام مسکن
مونتreal و حومه



املاک
خرید | فروش | سرمایه گذاری
وام مسکن
پیش تأیید | خرید | ریفاینس

ملک مناسب،
با تأمین مالی هوشمند
همزمان با انتخاب ملک
وام مسکن متناسب با همان ملک
برای شما طراحی می شود
بدون واسطه، بدون سردرگمی

514 962-8830
hooman@bassir.com

مشاوره رایگان
حضور و آنلاین





Some of Our Services :

- Residential moving
- Commercial moving
- Storage services
- overseas and local packing
- Long distance moving all over Canada

با تخفیف ویژه برای هموطنان عزیز

- جابجایی آسان اسباب منزل
- جابجایی وسایل و تجهیزات شرکت ها و دفاتر کاری و اداری
- جابجایی بین شهری وسایل، اسباب و تجهیزات
- ۲۰۰ انبار در سایزهای مختلف برای نگهداری کوتاه مدت و بلند مدت وسایل مختلف
- جمع آوری و بسته بندی وسایل و اسباب، قبل از جابجایی

- Fast Move
- Safe Storage
- Best Services



- ✓ Local Moving
- ✓ Long Distance Moving
- ✓ 500 Storage Units
- ✓ 100% Secured & Insured
- ✓ 50 Years in business

Call Us for Your Next Move!

514.939.0099

Fax: (514) 939-9939
info@pannetonpanneton.com

8660 Rue Jeanne-Mance,
Montréal, QC H2P 2S6 Canada



استودیوی هنری
Infinity Colours

در محیطی شاد و گرم پذیرای هنرجویان عزیز
در دو سطح کودکان و بزرگسالان می باشد.



محل: Côte Saint-Luc
(جلسه اول رایگان)

شماره تماس: 5145826002
اینستاگرام: @Infinity_colours_Mtl



محضر دار
نازگل فلاح طوسی
Notaire - Notary Nazgol Fallah Toussi

تکمه محضر دار فارسی زبان در وست آیلند

املاک: خرید و فروش، اجاره، وام
تهیه وصیت نامه، دعوت نامه برای ویزا، وکالت نامه
ازدواج، عقد محضری، تأیید امضا و غیره...

6600, route Transcanadienne # 115
Pointe-Claire, Qc H9R 4S2
E-mail: Nazgol.fallah@notarius.net
Tél.: 514.697.0225 Fax: 514.697.6461

Reza Nazem
رضا ناظم

وکیل در امور:
تجاری، بازرگانی،
دعاوی حقوقی
ثبت شرکت های سهامی و خانوادگی



1010 de La Gauchetière O.# 950 Mtl., Qc., H3B 2N2
Tel: 514 392 0000 Fax: 1 855 821 7904

Bazaar

غذای گرم، شیرینی، خشکبار، گوشت تازه و انواع مواد غذایی ایرانی در شعب بازار

BazaarFood.ca

ارسال سریع محصولات گوشتی، غذای روز و مواد غذایی با کمترین هزینه ارسال در فروشگاه آنلاین بازار

Downtown Store: 1905 Saint-Catherine St W, H3H1M3

(514) 846 1617

Westmount Store: 4051 Saint-Catherine St W, H3Z3J8

(438) 771 8778

bazaar.epicerie

superbazaar

bazaariraniansuper

MENTHE AUTO SERVICE & SPA

Auto Repair And Detailing

تعمیرات و زیبایی خودرو

اتومبیل شما شایسته بهترین‌هاست. خدمات کامل از تعمیرات تا درخشش!

- تعمیرات کلیه خودروها با بهترین کیفیت قطعات و گارانتی
- فروش انواع برندهای تایر ریسرانی و تابستانی با قیمت‌های فوق العاده
- تعویض روغن موتور و فیلترها
- تست باتری و چک آپ رایگان
- بالرینی و مشاوره قبل از خرید خودرو
- پوشش ضد رنگ خودرو (Rust proof)
- تعویض شیشه اتومبیل، دولی کردن، بهبود شفافیت و آب‌گریزی (Aquapel)
- کارواش، صفرشویی، زبرشویی، موتورشوئی، دیتیلینگ، زیبایی و درخشندگی خودرو
- رفع بوی بد و ضد عفونی داخلی خودرو
- لریم رنگ خودرو، رفع خط و خش، پولیش، واکس بدنه و نانو سرامیک
- پوشش محافظ بدنه (PPF)
- درخشان سازی داخلی و بدنه قبل از فروش خودرو
- نصب روکش صندلی و واکس محافظ صندلیهای چرمی

دوشنبه تا شنبه از ساعت ۸ تا ۱۷

دسترسی آسان برای کلیه هموطنان عزیز ساکن جزیره مونترال

(514) 357-2507

<https://www.instagram.com/mentheautospa>

<https://www.facebook.com/mentheautospa>

www.mentheautospa.ca

6710 saint-jacques, local 109, montreal, H4B 1V8



طنین قصه‌های قاصدکی در قلب مونترال

گزارش حضور در نمایشگاه
کتاب «تهران بدون سانسور»

مؤسسه فرهنگی-هنری قاصدک در تاریخ ۲ می، با برگزاری کارگاه قصه‌خوانی در نمایشگاه کتاب تهران بدون سانسور، گامی ارزشمند در جهت پیوند کودکان با فرهنگ اصیل ایرانی برداشت.



مخاطبان روبرو شد و نشان داد که قصه‌گویی هنری، موثرترین ابزار برای انتقال هویت ملی-ایرانی به نسل نو است.

لازم به ذکر است که بانو لیدا قاصدک کیش با تکیه بر تخصص هنری خود، در راستای حفظ زبان مادری و بازگشت به

این کارگاه با اجرای بانو لیدا قاصدک کیش، مدرس صداسازی، آواز و دوبلاژ، و همچنین همراهی تیم هنری مجموعه ی قاصدک برگزار شد.

این رویداد نیز همچون سالیان قبل، با استقبال بی‌نظیر

عنوان کانال تلگرام قاصدک
جهت دانلود قصه ها :
ghasedakduCanada

جنگ جهانی سوم وسقوط پاریس

بخش سوم



نادر دولتشاهی

گردن در آب‌های سرد دریا ایستاده و منتظر معجزه‌ای باشند که شاید هرگز رخ ندهد. در لندن، چرچیل خود را برای اعلام خسبر تلخ نابودی کامل ارتش بریتانیا آماده کرده بود اما در این میان، یکی از معماهای بزرگ تاریخ رقم خورد و هیتلر به تانک‌هایش دستور توقف داد.

"هزمان گورینگ" که فرمانده نیروی هوایی آلمان و نفر دوم حزب نازی بود، با غروری بی‌حد به هیتلر اطمینان داده بود که خلبانان او به تنهایی می‌توانند ارتش محاصره‌شده را در سواحل دانکرک نابود کنند. هر چه بود این توقف کوتاه تانک‌ها فرصتی حیاتی شد برای آغاز عملیات دینامو - که نامش را از اتاق دینام ژنراتورهای برق در آلمان گرفته بود - یعنی همان جایی که نقشه‌ی این نجات غیرممکن طراحی شد. چرچیل فراخوانی اضطراری صادر کرد و از تمام شهروندانی که صاحب هر نوع شناوری بودند خواست تا به کمک سربازان بشتابند.

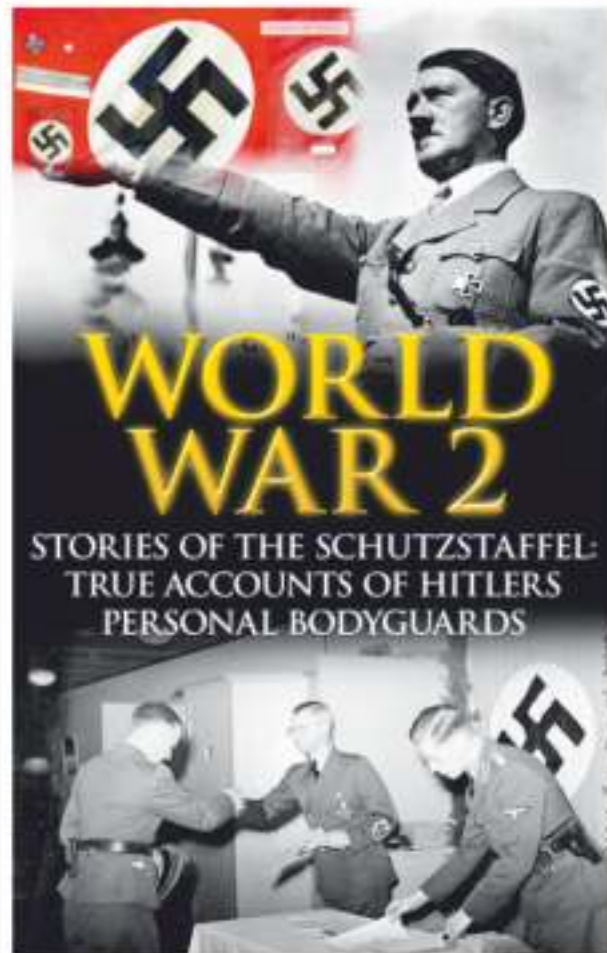
بیش از ۸۰۰ قایق خصوصی از کشتی‌های بزرگ تجاری گرفته تا قایق‌های کوچک ماهیگیری و قایق‌های تفریحی بادبانی را می‌توان به خطر ناک شدند. ملوانان غیرنظامی و پیرمردهایی که دیگر توان رزم نداشتند در کنار نوجوانانی که آرزوی قهرمانی در سر داشتند، قایق‌های خود را زیر بمباران شدید به ساحل کم‌عمق می‌زدند و سربازان را سوار می‌کردند تا به کشتی‌های بزرگتر برسند.

در پایان این عملیات نفس گیر ۹ روزه، در حالی که تمام دنیا انتظار نجات حداکثر ۴۰ هزار نفر را داشتند، ۳۳۸ هزار سرباز به شکلی معجزه‌آسا نجات یافتند و به سلامت به خانه بازگشتند. هرچند بریتانیا ارتش خود را در دانکرک نجات داد، اما قلب اروپا یعنی فرانسه دیگر تاب ایستادگی نداشت.

صخره‌های تند بود که فرماندهان متحدین آن را غیرقابل عبور برای وسایل نقلیه سنگین نامیده بودند. اما لشکر زرهی آلمان تحت رهبری ژنرال‌های جسوری چون رومل، با سرعتی باورنکردنی از دل این جنگل‌ها بیرون آمدند و مانند خنجر سیمی، خطوط تدارکاتی متحدین را قطع کردند. لشکر هفتم زرهی رومل به قدری سریع حرکت می‌کرد که حتی ستاد فرماندهی خود آلمان هم نمی‌دانست آن‌ها دقیقاً کجا هستند و به همین دلیل به آن‌ها لقب لشکر ارواح داده بودند.

آن‌ها در عرض چند روز، تمام ارتش فرانسه و بریتانیا را در بندر کوچک دانکرک محاصره کردند. دانکسبرک، بندر کوچک و استراتژیکی در شمالی‌ترین نقطه فرانسه و در ساحل دریای مانش است که تنها ده کیلومتر یا مرز بلژیک فاصله دارد. این شهر به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش، نزدیک‌ترین نقطه در خاک فرانسه به سواحل بریتانیا محسوب می‌شد و حالا برای صدها هزار سرباز محاصره‌شده، تنها راه گریز از چنگال آلمانی‌ها و رسیدن به خاک امن بریتانیا بود.

در این میان ۴۰۰ هزار سرباز در میان لشکر تانک‌های آلمانی و امواج سرد دریا به دام افتادند. در ساحل دانکرک فاجعه‌ای انسانی در جریان بود و اسکله‌های بندر توسط هواپیماهای آلمانی به کلی ویران شده بود. سربازان خسته مجبور بودند برای نجات یافتن، ساعت‌ها تا



فکرش را نمی‌کرد یعنی جنگل‌های کوهستانی آردن. این منطقه پوشیده از درختان انبوه و

محاسبات کلاسیک نظامی را در هم شکست. او به سراغ نقطه‌ای رفت که هیچ‌کس

پس از آنکه لهستان در زیر چکمه‌های سربازان آلمانی و ارتش سرخ شوروی از روی نقشه محو شد، سکوتی مرگبار بر اروپا حاکم گشت. این دوره که مورخان به آن جنگ مضحک می‌گویند، در واقع آرامش قبل از توفان بود. در حالی که فرانسه و بریتانیا رسماً در حالت جنگ بودند، اما ماه‌ها هیچ درگیری جدی رخ نداد. فرانسوی‌ها با غروری بی‌پایان به شاهکار مهندسی نظامی خود تکیه کرده بودند که با هزینه‌ای نجومی ساخته شده بود. این دژ عظیم در زیر زمین، مجهز به مدرن‌ترین امکانات زمان خود از تهویه مطبوع تا سیستم‌ها و بیمارستان بود و سربازان فرانسوی در رفاهی نسبی در دل زمین منتظر بودند تا آلمانی‌ها به این سد نفوذناپذیر حمله کنند و در خون خود غوطه‌ور شوند. آن‌ها تصور می‌کردند که جنگ جهانی دوم، تکرار خسته و فرسایشی جنگ اول خواهد بود، اما هیتلر نقشه‌ای دیگر در سر داشت.

در بهار ۱۹۴۰، هیتلر بار دیگر با یک قمار جنون‌آمیز، تمام



چاپ دوم شاهنامه پهلوی بهترین هدیه نوروزی

پس از استقلال فرزان همپیمان گرامی، چاپ دوم کتاب شاهنامه پهلوی منتشر می‌شود.

شاهنامه پهلوی: گرامه شاهان پهلوی، به ریخت تاریخ و تصویر: کتابی مستند، تاریخی و یادگاری ماندگار

بروهشی بی‌سابقه در ۳۷۴ صفحه، جلد سخت، کاغذ آغلا گلاسه با بیش از هزار و دویست تصویر رنگی، سیاه و سفید و اسناد تاریخی کهن و تکرارشدنی از الگوهای خانوادگی پهلوی و آرشو عکس و اسناد انتشارات مهر ایران: حماسه‌ای یادگار، گاهنامه‌ای غنی و پر از از کارها و عملکرد زمامداران چون گزنامه شاهان پهلوی، برانست‌هایی نوین از یک قرن تاریخ معاصر ایران و مسائل‌های سلطنت و زندگی رضاشاه، محمدرضا شاه و پانجمه ایران، عکس‌های شاهانه، تولد شاهزادگان، جشن‌های پادشاه، شکوه و عظمت، احطه‌های تاب و صحنه‌های فرزندگی شاهزادگان پهلوی، حکایتی مصور از زندگی فرزندان، نوه‌ها، نتیجه‌ها و نیرمهای رضاشاه در کتاب تاریخی «شاهنامه پهلوی». منصفه و داربوشی برپا پس از چهل سال تحقیق و جمع‌آوری غنی‌ترین کتاب تصویری و تحلیلی «شاهنامه پهلوی» را به ملت ایران تقدیم می‌کند. جهت تهیه کتاب تاریخی «شاهنامه پهلوی» لطفاً با انتشارات مهر ایران و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در سراسر جهان تماس بگیرید.

پیرمیا.com پیرمیا@pirmia.com Tel: (301) 279-6778 Fax: (301) 738-2174

بهای یک جلد کتاب شاهنامه پهلوی صد دلار آمریکایی و هزینه پست در داخل ایالات متحده آمریکا ده دلار، در سراسر دنیا پست و پنج دلار آمریکایی معامیه شده است. کتاب حکیم وزیر خرج رو پیرمیا هدیه داده می‌شود.

این کتاب‌ها را از طریق
راه‌های ارتباطی زیر
می‌توانید سفارش دهید

مونتال: نشریه بازار

514.538.0628

تورنتو: کتابفروشی پگاه

416.223.0850



کتاب «دختران ایران، سالار زنان جهان»

اثری تازه و ارزنده از منصوره پوریا، سرگشت زان ایرانی از آغاز تا به امروز. بهترین هدیه برای مادران، همسران و دختران. کتابی در ۲۲۴ صفحه، با بیش از ۱۴۰۰ عکس رنگی و سیاه و سفید از زندگی زنان دول‌سان، پشند و پشرو، سزنده و کزاقین، نکوینکا و کموتیر، زنان سیاستمدار، هنرمند، قهرمان، نایفه و برادر کاشف و مخترع، زنان برجسته استثنایی، قاضی و وکیل، بشردوست و مبارز، بانوانی که روند تاریخ را تغییر داده‌اند. به زبان فارسی منتشر شده است تا ماحضی معتبر در اختیار نسل جوان و زنده پیش رو قرار دهد. جهت تهیه کتاب تاریخی و تصویری «دختران ایران، سالار زنان جهان» تألیف منصوره پوریا با شماره تلفن ۳۰۱-۲۷۹-۶۷۷۸ در آمریکا و با وبسایت پوریا دات‌کام و یا ایمیل پوریا دات‌کام با ما تماس بگیرید.

www.pirmia.com Pirmia@pirmia.com Tel: 301-279-6778



Vendirect.ca
REAL ESTATE AGENTS



مشاور رسمی املاک در مونترال بزرگ

تجاری و مسکونی

کاظم پرتوتهرانی

514.971.7407

ktehrani63@gmail.com

خرید، فروش املاک مسکونی و تجاری را
به ما بسپارید

همراه تیم متخصص و حرفه ای

مشاوره رایگان برای

خرید املاک درآمدزا، کشاورزی و صنعتی

ارزیابی رایگان از ملک شما

با ۴۷ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۷ سال سابقه فعالیت در حوزه املاک

500-3055 Blvd. Saint-Martin O, Laval, H7T 0J3, Quebec





دکتر کاوه سعیدی

یادبودی از سفر شیراز

و در یاد سهراب و سیاکزار

بخش چهارم

کمی دیگر نشسستیم و پس از صرف چای و شیرینی، بلند شدیم و باتفاق سیروس سوار یک تاسی شده و یکراست به بیمارستان نمازی رسیدیم و وارد ساختمان آن شدیم. یک آقائی دردم منتظر ما بود و به سیروس گفت که بدنباش برویم و در همین موقع دو سه نفر دیگر هم بگروه ما اضافه شده بودند. آقای راهنما تمام قسمتهای مختلف طبقه اول را نشانمان داد و به سؤالاها هم پاسخ میگفت و بعد معذرت خواسته گفت که دیگر نمیشود از اطاقهای عمل و قسمت ماماى و بخشهای مختلف که در طبقات بالا هستند دیدن نمود. در همین موقع سیروس یکی از دوستان خودش را که انترن بیمارستان نمازی و دانشجوی ممتاز و رتبه اول تمام دوره پزشکی شیراز بود، در آنجا دید و مرا به وی معرفی کرد و سهراب و سیاکزار هم بر گشتند و به او معرفی شدند. خلاصه سیروس مسئله را پیش کشید و دکتر با نهایت خوشروئى قبول نمود که همه قسمتهای دیگر بیمارستان را نشانمان بدهد و باز دیدمان از فضای بیرونی بیمارستان شروع شد.



بهمراه سیاکزار، سهراب و سیروس در باغ بیمارستان نمازی شیراز - پنجم فروردین ۱۳۴۱

بیمارستان نمازی وسعت زیادی داشت بخصوص زمین آن که باغ بزرگی بود و قسمت جلوی آن بطرفشنگی چمنکاری و گلکاری شده بود و در پشت ساختمان، درختان میوه بود و سبزیکاری.



در کنار مجسمه شیری از مرمر سفید در باغ جلوی بیمارستان نمازی شیراز ۵- ۱- ۱۳۴۱



ساختمان خوابگاه پرستاران در طرف دست راست واقع شده بود و در طرف دست چپ، ویلاهای پزشکان آمریکائی و استخر بیمارستان قرار داشت. ساختمان بیمارستان جدید ساز بود و مدرن و مجهز و آنرا به سبک بیمارستانهای مدرن آمریکائی ساخته بودند. وارد طبقه دوم ساختمان شدیم که بخش های داخلی و کودکان را شامل بود و جناب دکتر از خانم هد نرس اجازه گرفت و همگی ما را انترنهای دانشکده پزشکی تهران معرفی کرد. اطاقهای یکنفری خیلی شیک و مجهز بودند با تختهای تا شوی مدرن و میز و صندلی و تلفن و رادیو و روشوئى و حمام و وسائل دیگر. اغلب اطاقها یکنفره بودند و تمیز و روشن با پنجره ای بزرگ و رو بیاغ.

نشستیم و چون سیاکزار در استرحت بود، ما دو باره از هتل خارج شدیم و در خیابان زند مدتی به گردش پرداختیم و بعد از آنجا وارد کافه رستوران حاجی بابا شدیم که از رستورانهای شیک شیراز بشمار میرفت؛ به طبقه بالائی رفتیم که میزهای قشنگ و لامپ های قدیمی آن واقعاً نمای جالبی داشت.

در پشت میزی نشسته یکی یک آبجوی بزرگ گرفتیم و سیگاری هم در آورده مدتی در آنجا بودیم و دو تائی با یکدیگر صحبت میکردیم. حساب دو تا آبجو ۹ تومن شده بود و یک تومنی هم انعام گذاشتیم و بعد از آنجا خارج شدیم و قدم زنان بطرف هتل میرفتیم. آبجو اثر گذارده بود و من سهراب گاهی الکی میخندیدیم. در نزدیکی های هتلمان بود که دو باره گروه دخترهای باغ خلیلی را دیدیم و من بی هوا سهراب را صدازدم و گفتم که این دخترها همانهایی هستند که از توی تاکسی برایمان دست تکان میدادند که یکهو یک پسر نرخر از گروه آنها آمد جلوی من و گفت چی فرمودید که مخلص جا خورد و ناچار جمله خود را تکرار کردم و یارو هم نگاه غضبناکی بمن کرد و بعد راهشو پیش کشید و رفت. حوالی ساعت ده و نیم بود که بهتل رسیدیم و دیگر حسابی خسته بودیم و خودمانرا برای خوابیدن آماده نمودیم. سیاکزار بیدار بود و حالش هم خیلی بهتر شده بود.

یکشنبه پنجم فروردین، در حدود ساعت هفت صبح همگی مان بیدار بودیم و سیاکزار حالش خوب خوب شده بود و ما پس از دست وروستن و ریش زدن و مسواک کردن وغیره، لباس پوشیدیم و تلفن کردیم که صبحانه را در اطاقمان بیاورند (نان و کره و عسل و چای و شیر گرم) و پس از صرف صبحانه، براه افتادیم و اولین کاری که کردیم این بود که برویم برای بازگشت بهتران، بلیط اتوبوس بگیریم

بشیراز آی و فیض روح قدسی

بجوی از مردم صاحب کمالش (حافظ)

به دو سه شرکت سرزدیم و سرانجام، از شرکت میهن تور، سه تا بلیط برای چهارشنبه گرفتیم، نفری پنجاه تومان که مناسب تر بود و یکشب را هم در اصفهان میماندیم و برای ما فرصتی بود که اصفهان را هم ببینیم. باری وقتی بلیط برگشت را گرفتیم و خیالمان از این نظراحت شد، سوار تاکسی شده و به سعیده رفتیم و برای بار دوم مشغول تماشا شدیم و همه جای آنرا دیدیم و عکسهائی هم گرفتیم و بعد در همان محوطه سعیده بجائی بنام حوض ماهی رفتیم که ورودیه هم داشت (نفری پنج ریال)، که از یک جا، از پله های بسیاری پائین میرفتیم و به محلی میرسیدیم که دورش را گنبد وار درست کرده بودند و در آن محوطه، قناتی جریان داشت که در آن ماهی های فراوانی دیده میشدند و جریان آب زلال دریک دالان تاریکی ادامه می یافت و میگفتند که این قنات از زمان سعدی تا کنون بر همین منوال بوده است. از بالای سقف روشنائی کافی می آمد و عده دیگری هم در آنجا آمده بودند و برای ماهی ها خورده نان در آب میریختند و هجوم آنى صدها ماهی واقعاً تماشائی بود.



با سهراب و سیاکزار در شیراز و زیارتی دیگر از مزار سعدی در پنجم فروردین ۱۳۴۱

باری چون فقط یک ربع به ساعت ده مانده بود، سوار تاکسی شدیم و به منزل دوست عزیز و همکلاسی من، سیروس رفتیم و در زدیم که برادرش دم در آمد و با تعارفات بسیار ما را بخانه برد و بعد خود سیروس هم آمد و ماچ و بوسه و احوالپرسی های بسیار و تبریکات نوروزی و من سیاکزار را هم معرفی کردم (سیروس قبلاً سهراب را دیده بود و میشناخت).

در سالن پذیرائی نشسستیم و برایمان چای آوردند و چندین نوع شیرینی، باقلاوا و گز هم در روی میز بود. در ضمن خوش و بش، من به سیروس گفتم که بعله ما به بیمارستان نمازی رفته بودیم و من با اینکه کارت انترنی خود را نشان داده بودم، راهنما ندادند که سیروس با اون لهجه قشنگ شیرازی گفت نه بابا... و. قرار شد که خودش ما را ببرد و فوری بلند شد و رفت به اینور آنور تلفن کرد و بعد آمد و گفت که میتوانیم همین حالا برویم.

عده زیادی به تماشای باغ آمده بودند که در میان آنان یک دسته دختر هم دیده میشدند بهمراه چند تا پسر که دخترها توجه ما را جلب کرده و یا اینکه ما توجه آنها را بخود جلب کرده بودیم چه آنکه نگاه های آتشینی بسوی ما میکردند و دو- سه تائی از آنها باندازه ای خوشگل بودند که حد نداشت و گمانم که حضوور آنها بر زیبایی باغ، چندین برابر می افزود.

ما پس از تماشای همه جای باغ و دیدن انواع و اقسام گل و گیاه های دیدنی، از باغ خارج شدیم و یک تومانی هم به دربان دادیم و بعد کمی پیاده رفتیم تا به سر خیابان رسیدیم و خواستیم سوار تاکسی بشویم که پیدا نمیشد.

در همین وقت، گروه دخترها که سوار دو تا تاکسی شده بودند، از کنار مار د شدند و شروع کردند به سوی ما دست تکان دادن و ما هم با دست تکان دادن، جواب آنها را میدادیم تا اینکه از نظر ما کاملاً دور شدند. بالاخره ما هم سوار یک تاکسی شده، در میدان شاه پیاده شدیم و در آنجا یک چندی به تماشای ساعت گل پرداختیم که بسیار زیبا بود و بعد قدم زنان بخیا بان زند آمدیم.



باتفاق سهراب و سیاکزار در باغ خلیلی شیراز در چهارم فروردین ماه ۱۳۴۱

سیاکزار میگفت که حال چندان خوبی ندارد و میخواست که به هتل رفته استرحت کند و سوار یک تاکسی شد و رفت. من و سهراب به قدم زدن ادامه دادیم و کمی بعد پیاده بطف هتل براه افتادیم و رسیدیم باطاقمان و دیدیم که سیاکزار در روی تخت دراز کشیده است و از سوء هضم شکایت دارد. یکی دو قرص مسکن که داشتم بهش دادم و تلفن کردم که برایش شیر بیاورند؛ در هر صورت، حال و حوصله بیرون آمدن را نداشت.

من و سهراب پس از نیم ساعتی استراحت، دست و روئى شستیم و لباسی عوض کرده برای شام از هتل خارج شدیم. یکی از کارکنان هتل بمن گفت که آقائی آمده بود و با من کار داشت و یک کارت هم برایم نوشت که فهمیدم سیروس بود و در کارت نوشته بود که بعله دیروز تلفن کردم نبودین و امروز هم آمدم نبودین و خلاصه بعد از احوالپرسی های خالصانه و تبریکات مکرمانه اضافه کرده بود که فردا ساعت ده صبح در خانه شان منتظر ماست.

من و سهراب، در خیابان زند به قدم زدن مشغول شدیم و کمی بعد از آنجا با تاکسی به حافظیه رفتیم. هوا ملایم بود و فرحبخش و مردم، دسته دسته از زن و مرد در حافظیه در آمد و شد بودند. در شبهنگام، حافظیه درست همان حالت سر پل تجریش را داشت و گردشگاه عمومی شیراز بشمار میرفت و گروه گروه از مردم با ماشینهایشان بد آنجا می آمدند و پیاده شده، گردش میکردند و بیستنی ـ فالوده و یا نان و کباب میخوردند و خیلی ها هم دسته دسته به آرامگاه حافظ میرفتند.

من و سهراب وارد رستوران مرغ طلائی شدیم که از رستورانهای خوب آنجا بود و در طبقه بالائی آن در جائی نشستیم و دستور ویمپی و دوغ آبلی دادیم. در میز کناری ما یک فا میل پنج نفری نشسته بودند و در میان آنها دختری بود آنقدر زیبا که حد نداشت، بلند و کشیده و براننده با صورتی لطیف و گل سرخی، موهای مشکی افشان تا شانه ها، چشمانی درشت و سیاه و لبانی دلفریب و مودون که تبسمی قشنگ بر آن نقش بسته بود. چهره اش آنقدر زیبا بود که هیچ نمیتوانستم از او چشم بردارم و چقدر دلم میخواست که نگاهش لحظه ای بمن می افتاد ولی دختر اصلاً متوجه ما نبود.

غذایمان را خوردیم و سیگاری هم کشیدیم و بعد از رستوران خارج شدیم. مدتی در خیابان قدم زدیم و در ضمن وارد یک داروخانه شده و من برای سیاکزار چند تا قرص معده (ضد اسید و ضد اسپاسم) گرفتم و بعد قدم زنان به هتل برگشتیم.

سیاکزار در روی تخت خوابیده بود و دوتا پتو هم رو سرش کشیده بود. بسته قرصهارا در کنار تختش نهادم، من و سهراب کمی در کنار تخت

مانند (با سراسنان و بال پرنده)رد میشد و در دیوار های سنگی اطراف آن نقش های بسیاری دیده میشدند که عکسهائی هم گرفتیم



پسر عموی سیروس، سیروس، سهراب و من درحال پائین آمدن از پله های کاخ آپادانا -تخت جمشید، ۶-۱-۴۱

در باره تخت جمشید من چیزی نمیتوانم بگویم و یا بنویسم چه آنقدرابهت، شکوه و بزرگی و در عین حال اندوه وتأثر دراین سنگهای شکل داده شده وجود داشته و دیده میشد که قلم از شرح آن عاجزمیماند.



در کنارنقش مشهور شیری که سرین گاوی را بدندان دارد، در دیوار پله های کاخ آپادانا ۶-۱-۱۳۴۱

بعد از دروازه ملل، بقایای کاخ بزرگ آپادانا بود که در دست چپ آن کاخ های صد ستون و سی ستون قرار داشتند و بقایای شبستتان شاهی بگونه زاویه درعقب واقع میشد.

باز دید ما از تخت جمشید یکساعت و نیم طول کشید و توانستیم که تقریباً همه قسمت های آنرا ببینیم وعکسهائی هم گرفتیم، حتی ازموزه آنجا هم دیدن کردیم. سیروس و دکتر قبلأ آنجارا دیده بودند و اطلاعاتی دراختیارما میگذاشتند ولی از نظرمن کافی نبود و لازم بود که اقلأ یکروز تمام و باراهنما از تخت جمشید دیدن میکردیم.

در تالار صد ستون هنوزستونهای سنگی بزرگی پا برجا بودند که دربالای آنها، نقش سر دو گاو نر بهم پیوسته نصب بود و در نظر من نشانه ای از آن بود که ایران همیشه پا برجاست.در یکی از دیوارهای سنگی درب ورودی کاخ، نقش بسیار زیبائی از داریوش بزرگ دیده میشد که چتری را بالای سروا گرفته بودند.



باسهراب، سیروس ودکتر در کنار دروازه ملل و یکی از ستونهای کاخ آپادانا ۶-۱-۴۱ ادامه در شماره بعد

که بعد از میدان شاه واقع شده بود و ساختمان آن نسبتأ جدید ساز بود و یک استخر و یک زمین تنیس هم در کنارش بود و ما توانستیم که وارد ساختمان شده، از بعضی جاهای آن دیدن نمائیم و یکی از چیزهای دیدنی آنجا اسکلت گول معروف شیراز، سیاخان بود که در یک ویتروینی آنرا به نمایش گذارده بودند. بعدأ ما مدتی درخیابانها قدم میزدیم تا اینکه شب شد و چون گرسنه بودیم، وارد یک کبابی شدیم و دستور کنجه کباب وجگر دادیم که با نان و سالاد و پیسی کولا صرف کردیم.

بعد از شام، قدم زنان به هتلمان برگشتیم و باطاقمان رفته دست و روئی شستیم و دوباره براه افتادیم و پیاده به میدان شاه رسیدیم که کمی از ساعت نه شب گذشته بود و خیابانها نسبتأ خلوت بودند؛ درمیدان روی نیمکتی نشستیم و به آمد و شد مردم وماشینها نگاه میکردیم وسیگار میکشیدیم و درهمین وقت دخترهای باغ خلیلی بهمراه فامیلشسان سر رسیدند و کمی دورترازما در روی نیمکتها نشستند. یک ربعی بعد ما بلند شده براه افتادیم وبه کنارشان رسیدیم که دخترها متوجه شدند و مارا شناختند و بهمدیگر نشان میدادند و نگاه های آنچنانی میکردند. درهر حال ما براه خود ادامه داده و به خیابان زندرسیده بودیم که سهراب و سیاکزار، عقب گرد نموده و بطرف میدان شاه برگشتند ولی من چون خسته بودم به هتل برگشتم و دراطاق مشغول استراحت شدم.

نیمساعتی بعد سهراب و سیاکزار خوشحال و سرحال آمدند و معلوم شد که توانسته بودند که با دخترها صحبتی هم بکنند و چنین استنباط میشد که ساعت شش بعد از ظهر فردا به حافظیه خواهند آمد. بهر حال مدتی صحبت کردیم و بعد آماده خواب شدیم.

چه نیکبخت کسانی که اهل شیرازند

که زیر بال همای بلند پروازند (سعدی)

دوشنبه ششسم فروردین ۱۳۴۱، امروز یک کمی دیرتر از معمول بیدار شده بودیم و پس از اینکه لباس پوشیدیم، ساعت درحدود هشت و نیم بود. سهراب و سیاکزار میخواستند که صبحانه را در رستوران بخورند و براه افتادند ولی من چون منتظر تلفن سیروس بودم دراطاق هتل ماندم ووزنگ زدم که صبحانه را برایم بیاورند (شیرگرم و نان و کره وعسلل و چای) و چون ساعت از ۹ صبح هم گذشته بود، خودم به سیروس تلفن کردم که بود و گفت که در ساعت دو بعد از ظهر میاد پیش ما.

سیاکزار و سهراب برگشتند و سیاکزار گفت که برویم رصد خانه شیراز را تماشا کنیم و سه تائی براه افتادیم و سوار یک تاکسی شدیم و به آنجا رفتیم که دربالای یک بلندی قرارداشت و لازم بود که قدری هم سر بالائی را پیاده برویم. رصد خانه شیراز در تپه ای در قسمت شمال شرقی شهر قرار داشت و از آن بالا دورنمای شهر بخوبی دیده میشد. نیم ساعتی در آنجا بودیم و از همه جای رصد خانه دیدن کردیم. عده دیگری هم در آنجا آمده بودند و مسئولین رصد خانه اطلاعات و توضیحات لازم را دراختیار تماشاچیان میگذاشتند. عکسی که دوربین رصد خانه از ماه مصنوعی آمریکا گرفته بود جالب بنظر میآمد. بعدأ قدم زنان از بالای تپه پائین آمدیم و چون باغ ارم در همان نزدیکی ها بود، مدتی پیاده روی کردیم تا بدانجارسیدیم و وارد باغ ارم شدیم که جمعیت زیادی برای تماشای باغ آمده بودند، یکبار دیگر بگردش پرداختیم وعکسهائی هم گرفتیم و حوالی ظهر بود که باغ ارم را ترک و سوار یک تاکسی شده و در چهارراه زند و داریوش پیاده شدیم و چون خیلی گرسنه بودیم به چلو کبابی رمضان اصفهانی رفتیم که باز خیلی شلوغ بود ولی زیاد طول نکشید که میزی بما دادند و دستورچلو کباب برگ دادیم که برگ تمام شده بود و ما به چلو کباب کوبیده راضی شدیم و دوعی هم گرفتیم که چسبید. وقتی که از چلوکبابی خارج میشدیم، سهراب یکی ازدوستان قدیمی اش را دید که در ارتش بود و درجه ستوانی داشت و کارش در شیراز بود؛ من و سیاکزار معرفی شدیم و مدتی ایستاده صحبت میکردیم؛ جوان خوبی بنظر می آمد و اهل حال بود و همه جا ی شیراز را بخوبی می شناخت.

سهراب یواشکی یک چیزهائی هم ازش پرسید و وی آدرس یک جائی را بنام خانه زاهد، در کاغذی نوشته و به سهراب داد. از او خدا حافظی کرده، کمی در خیابانهای اطراف گشت زدیم و بعد قدم زنان و صحبت کنان به هتلمان باز گشته به استراحت مشغول شدیم.

وقت آنست که مردم ره صحرا گیرند

خاصه اکنون که بهار آمد وفروردین است

(سعدی)

ساعت نزدیک دو بود که سیروس به دم اطاقمان آمد و گفت که پسرعمویش با ماشین در جلوی هتل منتظر ماست تا با هم همگی به تخت جمشید برویم. به سرعت آماده شدیم و براه افتادیم وجلوی درهتل، به آقای دکتر، پسرعموی سیروس معرفی شدیم ؛ کمی خوش و بش کردیم و سسیاکزار رفت و از مغازه ای دو حلقه فیلم و یک پاکت سیگار وینستون گرفت و بعد همگی سوار جیپ دکتر شدیم و حرکت کردیم. جیپ نو و خوبی بود وآقای دکتر با مهارت تمام آنرا میراند. در ساعت دو ونیم از دروازه قرآن گذشته و جاده اصفهان را در پیش گرفتیم. هوا آفتابی بود وملایم و مسیرمان کوه بود و جلگه. از دو آبادی زرقان و مرودشت رد شدیم و ساعت سه و نیم بعد از ظهر به خرابه های تخت جمشید رسیدیم و همگی پیاده شدیم.

عده زیادی در آنجا آمده بودند که در میان آنها چندین زن و مرد خارجی هم دیده میشدند که با دوربینهای عکاسی و فیلمبرداری مجهز بودند. در جائی یکی یک پیسی کولا نوشیدیم و بعد بلیط ورودیه گرفته و از پله های قصر هخامنشی (کاخ آپادانا) بالا رفتیم. پله های ورودی کاخ آپادانا پهن، کم ارتفاع و وسیع بودند و پسرعموی سیروس میگفت که در زمان هخامنشی اراهه های چهاراسبی با سرعت از این پله ها بالا رفته به دروازه ملل میرسیدند. درواز ملل از میان دو مجسمه سنگی بسیار بزرگ اسب

از تراس این طبقه هم دیدن کردیم و بعد به طبقه سوم رفتیم و دکتر با توضیحات کامل همه قسمت های مختلف آنرا نشانمان داد.

از قسمت ارتو پدی وسالن کچ گیری و شکسته بندی گرفته تا سالن بعد از عمل جراحی که مریض های عمل شده را در آنجا تحت مراقبت کامل قرار میدادند تا از بیهوشی در بیایند و بیدار بشوند. چندین اطاق جراحی در این طبقه وجود داشت که در یکی از آنها داشتند یک عمل جراحی میکردند و دکتر از یک خانم مسئؤل اجازه گرفت و مارا به سالنی برد که از پشت شیشه ای بزرگ دید داشت و میشد عمل جراحی را تماشا کرد که تماشائی هم بود.

داشتند یک کورتاژ میکردند زیر بیهوشی عمومی و غیر از متخصصص بیهوشی و دستیارش، یک جراح آمریکائی مشغول عمل بود با دو تا اسیستانش و پنج شش تا نرس که برای من عجیب می آمد چه این عمل جراحی را خود مخلص چهار بار در بیمارستان وزیری انجام داده بود بدون دنگ و فنگ. همه آنها لباس سبز رنگ جراحی بیر داشتند شامل بلوز و شلوار و روپوش ضد عفونی شده بهمراه ماسک و سر پوشی آبی رنگ.

از آنجا به طبقه بالائی رفتیم که جایگاه انترنها بود شامل چندین اطاق دونفره، یک سالن نشیمن و یک تراس بزرگ. دکتر اطاق خودش را هم نشانمان داد که خیلی خوب ومجهز بود. از آنجا به تراس طبقه چهارم رفتیم که دید خوبی داشت و مناظر اطراف بخوبی دیده میشدند. در آنموقع شانزده انترن در بخشهای مختلف بیمارستان نمازی مشغول کار بودند وبغیر از انترنهای کشیک، بقیه میبایستی که هم صبح و هم بعد از ظهر را در بیمارستان بمانند که برای من تازگی داشت.

بعدأ با آسانسور به زیر زمین رفتیم که خیلی بزرگ بود، قسمتی از آن شامل آشپزخانه، داروخانه، سالن غذاخوری و فروشگاه بود و در قسمت دیگر، در مانگاه بود و چاپخانه و سالن اتوپسی و سردخانه جهت نگهداری اجساد وغیره.

از آشپزخانه بطور کامل دیدن نمودیم و یکی از کارکنان آنجا با کمال میل همه ابزار و وسائل آنجارا نشانمان داده و توضیح میداد. از ماشینهای مختلف رنده کنی، پوست کنی و گوشت چرخ کنی، ظرف شوئی گرفته تا یخچالها، دیگهای برقی بزرگ و اجاقهای بزرگ برقی که همه آنها دیدنی بودند و دیدنی تر از همه این بود که کارت غذای مریض ها بطور خود کار به آشپزخانه میرسید و غذاهای مختلف تهیه و خانم نرسی آنرا کنترل میکرد و بعد سینی غذا بطور اتوماتیک به بخش های مختلف فرستاده میشد که برایم تازگی داشت. باری از آنجا به فروشگاه بیمارستان رفتیم و یکی یک پیسی کولا خوردیم و بعد به طبقه اول باز گشته و از ساختمان خارج شدیم.

در جلوی بیمارستان چند عکسی گرفتیم و صحبت میکردیم و سیروس قول داد که در بعد از ظهر بسراغ ما آمده تا با هم به تخت جمشید برویم و بعد همگی سوار یک تاکسی شدیم و در خیابان زند، من و سهراب و سیاکزار، پس از تشکر بسیار از سیروس و دوستش، خدا حافظی کرده پیاده شدیم.

ساعت کمی از یک بعد از ظهر گذشته بود و همگی ما سخت گرسنه بودیم و لهذا خودمان را به چلو کبابی رمضان اصفهانی رساندیم که غذاها تمام شده بود؛ بعدأ به یک چلو کبابی دیگر رفتیم که اصلأ جا نبود و خلاصه مدتی راه رفتیم تا رستوران دیگری پیدا کردیم که فقط باقالا پلو داشت؛ وارد شدیم و من و سیاکزار باقالا پلو خوردیم که خیلی هم خوب بود و چسبید ولی سهراب آنرا نخواست و بعد که از رستوران خارج شدیم، در یک اغذیه فروشی، یک ساندویچ با یک پیسی کولا گرفته مشغول خوردن شد.

بعدأ در همان نزدیکی، از یک میوه فروشی یک کیلو نارنگی خریدیم و قدم زنان به هتل رسیدیم و در اطاقمان به استراحت پرداختیم و منتظر تلفن سیروس بودیم که پنج دقیقه مانده به ساعت سه تلفن کرد و معذرت خواست چون یک گرفتاری برایش پیش آمده بود و قرار شد که فردا صبح دوباره به ما زنگ بزند.

باری ما لباس پوشیده، از هتل خارج شدیم و بخیابان زند رفته و به قدم زدن و دید زدن مشغول شدیم. هوا ملایم بود و فرح بخش و بوی بهار واقعأ حس می شد و من در درون خود، یکنوع راحتی و آرامش احساس مینمودم

چمن خوش است وهوا دلکش است ومی بیخش

کنون بجز دل خوش، هیچ در نمی باید (حافظ)

شیراز شهر گل و زیبائی است، شهری است که برای زندگی مناسب میباشد. زندهای شیرازی بسیار زیبا هستند بخصوص چشمهای آنها که بزرگ و بسی دوستداشتنی است و نگاه هایشان که بسیار قشنگ و نافذ و دلرباست.

در شیراز ساختمانهای بلند و چندین طبقه کم دیده میشدود ولی بطور کلی خیلی چیزها شبیه تهرانست منتهی در اینجا سر و صدا و هیاهو خیلی کمتر میباشد، گدا و فقیر هم کمتر وجود دارد ولی زیبائی بیشتر، بد اخلاقی و دعوا کمتر، خوشروئی زیادتتر، مهربانی و خوش خلقی هم بیشتر دیده میشود.

مغازه های شیراز جور واجور و از همه نوع مغازه در اینجا دیده میشوند. تابلوهای نئون و چراغ دار در شیراز کمتر دیده میشود و اصولأ خیابانهی شیراز، مغازه کم دارند و بسیاری از خیابانهای وسط شهر بدون مغازه میباشند.

در شیراز هتلهای فراوانی دیدم از جمله هتل های چهار ستاره ای مثل هتل پالاس، پارک هتل، هتل سعدی و غیره ... در شیراز چندین سینما وجود دارد (مترو، سعدی، ایران، پارس و...) آب شیراز زیاد گوارا نیست ولی هوای مطبوع و ملایمی دارد و بهر حال من که شخصأ از شهر شیراز خیلی خوشم آمده بود.

حوالی ساعت پنج بود که تفرج کنان به دانشکده پزشکی شیراز رسیدیم

ایران خسته از جمهوری اسلامی؛

مردم چه می‌خواهند و چرا؟

ایران است. بسیاری از مردم، حتی آن‌هایی که الزاماً طرفدار بازگشت سلطنت نیستند، اورا شخصیتی می‌بینند که توانسته نوعی اعتماد نسبی و تصویر ثبات‌را نمایندگی کند.

شاهزاده پهلوی در سال‌های اخیر تلاش کرده خودرا نه به‌عنوان «پادشاه آینده»، بلکه به‌عنوان چهره‌ای برای دوران گذار معرفی کند؛ کسی که بر رفراندوم، سکولاریسم، جدایی دین از حکومت و بازگشت ایران به جامعه جهانی تأکید دارد. همین مسئله باعث شده بخشی از جامعه، به‌ویژه نسل جوان و طبقه متوسط شهری، اورا گزینه‌ای کم‌هزینه‌تر و قابل‌اعتمادتر نسبت به بسیاری از جریان‌های پراکنده اپوزیسیون بدانند.

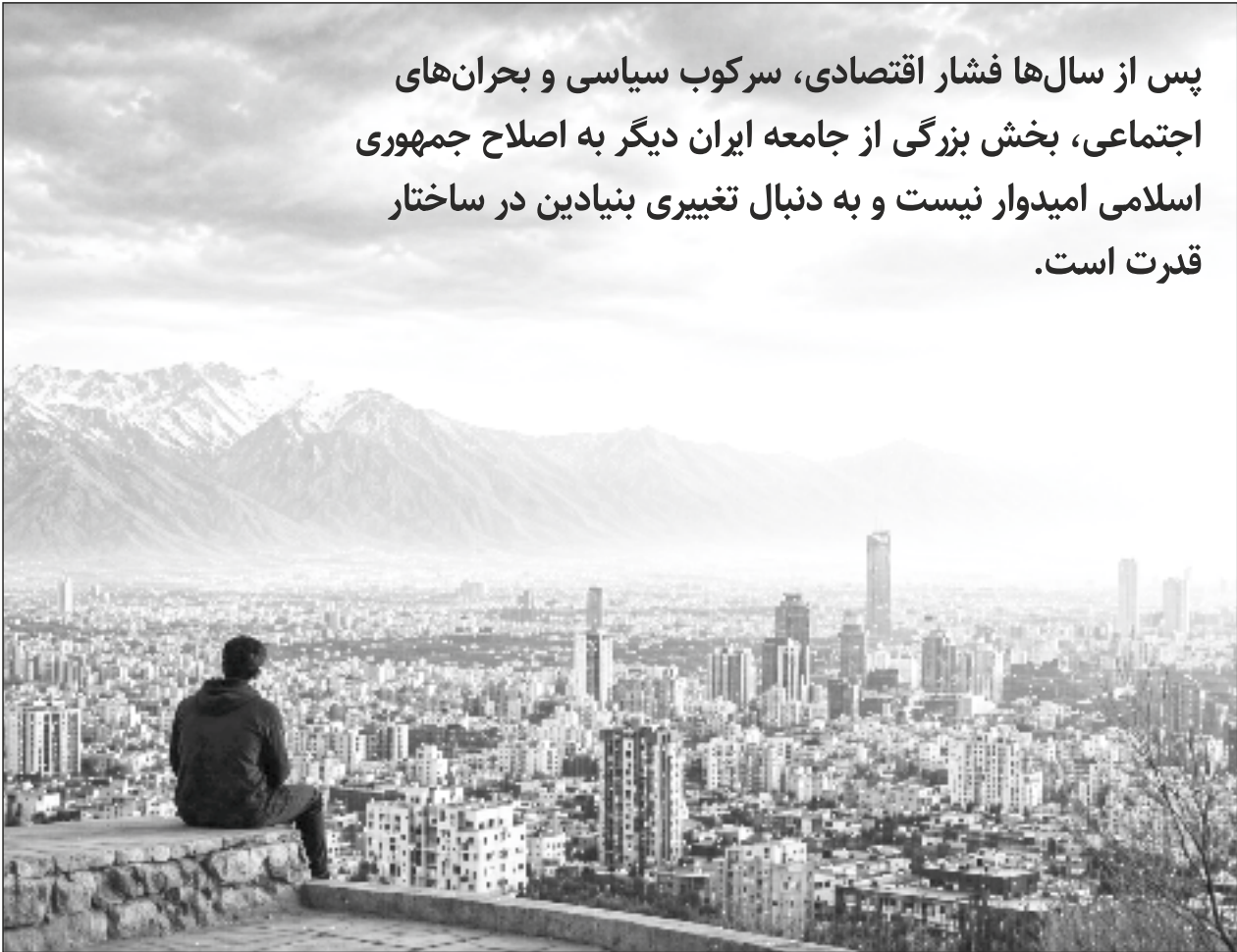
یکی دیگر از عوامل مهم تغییر فضای اجتماعی ایران، شکسته شدن ترس عمومی است.

نسلی که در اعتراضات اخیر به خیابان آمد، نسلی بود که دیگر مانند نسل‌های پیشین، هراس مطلق از سـاخـتار امنیتی نداشت.

همین مسئله باعث شد اعتراضات، رادیکال‌تر و مستقیم‌تر از گذشته شوند. شعارها دیگر صرفاً علیه دولت یا

وضعیت اقتصادی نبود؛ بلکه مستقیماً رأس نظام‌را هدف قرار می‌داد. اما مسئله مهم‌تر این است که حتی سرکوب شدید نیز نتوانسته نارضایتی‌را از بین ببرد. بسیاری از تحلیلگران معتقدند جمهوری اسلامی امروز وارد مرحله‌ای شده که مشـروعیت اجتماعی‌اش به‌شدت آسیب دیده است. حکومت هنوز ابزار قدرت و ساختار امنیتی‌را در اختیار دارد، اما بخش بزرگی از سرمایه اجتماعی خودرا از دست داده است. آنچه امروز در خیابان‌های ایران، در شبکه‌های اجتماعی و حتی در گفت‌وگوهای روزمره دیده می‌شود، فقط خشم نیست؛ نوعی عطش برای بازگشت به زندگی عادی است. بسیاری از مردم ایران دیگر نمی‌خواهند کشورشان میدان جنگ‌های نیابتی، تنش‌های ایدئولوژیک و دشمنی دائمی با جهان باشد. آن‌ها خواهان کشوری هستند که در آن، اقتصاد، آزادی فردی، امنیت اجتماعی و آینده نسل جوان، اولویت اصلی حکومت باشد.

پس از سال‌ها فشار اقتصادی، سرکوب سیاسی و بحران‌های اجتماعی، بخش بزرگی از جامعه ایران دیگر به اصلاح جمهوری اسلامی امیدوار نیست و به دنبال تغییری بنیادین در ساختار قدرت است.



● **برای بخشی از جامعه به نماد Reza Pahlavi در میان اپوزیسیون پراکنده ایران، شاهزاده ثبات، گذار سیاسی و امید به آینده‌ای سکولار و عادی تبدیل شده است.**

● **بحران امروز ایران فقط اقتصادی یا سیاسی نیست؛ بلکه بحران رابطه میان حکومتی ایدئولوژیک و مردمی است که آزادی، رفاه و بازگشت به زندگی عادی را طلب می‌کنند.**

شده است.

در کنار بحران سیاسی و اقتصادی، وضعیت زنان نیز به یکی از نمادهای اصلی نارضایتی عمومی تبدیل شده است.

برای بسیاری از زنان ایرانی، مسئله فقط حجاب اجباری نیست؛ بلکه سال‌ها محدودیت، تبعیض قانونی و کنترل اجتماعی است. نسل جدید زنان ایران، نسلی است که دیگر حاضر نیست نقش تعیین‌شده حکومت‌را بپذیرد.

حضور گسترده زنان در اعتراضات اخیر، نشان داد که مسئله آزادی زنان، امروز به قلب مطالبات اجتماعی ایران تبدیل شده است.

وضعیت کودکان، دانش‌آموزان و دانشجویان نیز تصویر تلخی از آینده کشور ارائه می‌دهد.

بسیاری از خانواده‌ها نگران آینده نسلی هستند که با ناامیدی، مهاجرت اجباری، فشارهای امنیتی و بحران آموزش روبه‌روست. دانشگاه‌هایی که زمانی مرکز تولید فکر و امید بودند، امروز زیر سایه سرکوب و فضای امنیتی قرار گرفته‌اند. محیط زیست ایران نیز در سال‌های اخیر به‌شدت آسیب دیده و بسیاری معتقدند سوءمدیریت و فساد، کشوررا به سمت بحرانی عمیق سوق داده است.

در این فضای بی‌اعتمادی گسترده به حکومت، نام شاهزاده Reza Pahlavi بیش از هر چهره مخالف دیگری مطرح شده است.

دلیل این مسئله فقط سابقه خانوادگی او نیست؛ بلکه خلأ رهبری منسجم در اپوزیسیون

ایران امروز فقط درگیر یک بحران اقتصادی یا یک تنش سیاسی نیست؛ کشور وارد مرحله‌ای شده که بخش بزرگی از جامعه، دیگر مسئله‌اش «اصلاح» جمهوری اسلامی نیست، بلکه عبور از آن است. این تغییر ذهنیت، مهم‌ترین تحول اجتماعی سال‌های اخیر ایران به شمار می‌رود.

اگر در دهه‌های گذشته بسیاری از مردم هنوز امیدوار بودند ساختار حاکم قابل اصلاح باشد، امروز برای میلیون‌ها ایرانی، مسئله اصلی پایان دادن به سیستمی است که آن‌را مسئول مستقیم فقر، سرکوب، فساد و انزوای بین‌المللی کشور می‌دانند.

اعتراضات گسترده ماه‌های اخیر، به‌ویژه وقایع خونین ۱۸ و ۱۹ دی، نقطه عطفی در این تغییر بود. سرکوب گسترده معترضان، قطع اینترنت، شلیک مستقیم به مردم و روایت‌هایی که از کشتار خیابانی و حتی حمله به مجروحان در

بیمارستان‌ها منتشر شد، شکاف میان حکومت و بخش بزرگی از جامعه‌را عمیق‌تر کرد.

بسیاری از خانواده‌های ایرانی، بعد از آن روزها دیگر جمهوری اسلامی را صرفاً یک حکومت ناکارآمد نمی‌بینند؛ بلکه آن‌را ساختاری می‌دانند که برای حفظ قدرت، حاضر است علیه مردم خودش از شدیدترین خشونت‌ها استفاده کند.

نکته مهم اینجاست که اعتراضات جدید، برخلاف بسیاری از جنبش‌های قبلی، فقط متعلق به یک طبقه یا قشر خاص نبود. از دانشجو تا بازاری، از طبقه متوسط تا اقشار فقیر، از شهرهای بزرگ تا مناطق محروم، همه در یک نقطه مشترک بودند: خستگی از وضع موجود.

تورم سنگین، سقوط ارزش پول ملی، فساد سیستماتیک، فشارهای اجتماعی، محدودیت‌های فرهنگی و احساس بن‌بست سیاسی، نسلی‌را شکل داده که دیگر آینده‌ای برای خود در چارچوب جمهوری اسلامی نمی‌بیند.

از نگاه بسیاری از مخالفان، جمهوری اسلامی با صرف منابع کشور در پروژه‌های منطقه‌ای و سیاست‌های ایدئولوژیک، ایران را وارد چرخه‌ای از انزوای تحریم و فرسایش داخلی کرده است.

اما این اعتراض‌ها فقط اقتصادی هم نبود. مسئله مهم‌تر، احساس تقصیر و بی‌قدرتی بود. بسیاری از مردم ایران معتقدند حکومت در دهه‌های اخیر، منابع کشوررا صرف پروژه‌های منطقه‌ای، گروه‌های نیابتی و تنش‌های ایدئولوژیک کرده، در حالی که خود مردم با بحران معیشت، بیکاری و فروپاشی کیفیت زندگی روبه‌رو شده‌اند. برای بخش بزرگی از جامعه، این سؤال شکل گرفته که چرا ایران باید هزینه بی‌ثباتی منطقه‌را بدهد، در حالی که شهروندانش خود درگیر بحران‌های عمیق داخلی هستند.

در این میان، نقش جمهوری اسلامی در منطقه نیز به یکی از اصلی‌ترین محورهای انتقاد تبدیل شده است. از نگاه منتقدان حکومت، تهران طی سال‌های گذشته با حمایت از گروه‌های مسلح در لبنان، عراق، سوریه، یمن و غزه، نه تنها منابع مالی عظیمی‌را خرج پروژه‌های ایدئولوژیک کرده، بلکه ایران‌را وارد چرخه‌ای دائمی از تنش با جهان کرده است.

بسیاری از مخالفان معتقدند سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی، به‌جای افزایش امنیت ملی، باعث انزوای بیشتر ایران، تحریم‌های گسترده‌تر و تبدیل شدن کشور به میدان تقابل قدرت‌های جهانی

دعوتنامه برای بستگان

تکمیل فرمهای اداره مهاجرت

امور پناهندگی و تکمیل

ترجمه مدارك

کریم گوادری

A.R.Goadri (Karim)

(514) 452-1957

kgoadri@hotmail.com

مترجم فارسی – انگلیسی با بیش از ۲۰ سال تجربه

در امور مهاجرت و پناهندگی

تنگه هرمز؛ گلوگاه جهان و میدان نبرد تازه قدرت‌ها



در جهان امروز، شاید هیچ آبراهی به اندازه تنگه هرمز قادر نباشد هم‌زمان بازار نفت، امنیت جهانی، سیاست آمریکا، اقتصاد چین و راهبرد نظامی اسرائیل را تحت تأثیر قرار دهد. این تنگه باریک میان ایران و عمان، تنها یک مسیر جغرافیایی نیست؛ بلکه شریان حیاتی اقتصاد انرژی جهان است. هر تهدید علیه آن، بلافاصله در قیمت نفت، بازار سهام، هزینه حمل‌ونقل، تورم جهانی و حتی سیاست داخلی قدرت‌های بزرگ بازتاب پیدا می‌کند.

در ماه‌های اخیر، هم‌زمان با تشدید تنش‌های مستقیم میان ایران، آمریکا و اسرائیل، تنگه هرمز بار دیگر به مرکز ثقل بحران جهانی تبدیل شده است. بازارهای جهانی اکنون بیش از آنکه به میزان واقعی تولید نفت نگاه کنند، به «ریسک بسته شدن هرمز» واکنش نشان می‌دهند. این تغییر، نشان می‌دهد که در اقتصاد امروز، ترس از اختلال، گاهی از خود اختلال مهم‌تر است.

حدود یک‌پنجم نفت جهان و بخش عظیمی از صادرات گاز مایع خلیج فارس از این مسیر عبور می‌کند. به همین دلیل، هرگونه ناامنی در هرمز، مستقیماً بر قیمت جهانی انرژی اثر می‌گذارد. اهمیت هرمز فقط در حجم نفت عبوری نیست؛ بلکه در «نبود جایگزین واقعی» برای آن است. عربستان، امارات و دیگر صادرکنندگان خلیج فارس، هر چند خطوط لوله جایگزین ساخته‌اند، اما هنوز بخش بزرگی از صادراتشان وابسته به عبور نفتکش‌ها از این تنگه است.

ایران طی دهه‌های گذشته بارها تهدید کرده که در صورت جنگ یا فشار حداکثری، می‌تواند هرمز را ناامن کند. تا چند سال پیش بسیاری این تهدید را بیشتر یک ابزار تبلیغاتی می‌دانستند، اما بحران‌های اخیر نشان دادند که حتی اختلال محدود در عبور کشتی‌ها، برای ایجاد شوک اقتصادی جهانی کافی است.

در هفته‌های اخیر، با تشدید درگیری‌های منطقه‌ای و افزایش حضور نظامی آمریکا، قیمت نفت بارها جهش پیدا کرده و بازارها به‌شدت نوسانی شده‌اند. معامله‌گران بازار انرژی امروز بیش از هر زمان دیگری اخبار نظامی خاورمیانه را دنبال می‌کنند، زیرا یک حمله محدود یا حتی یک تهدید لفظی می‌تواند میلیاردها دلار جابه‌جایی در بازار جهانی ایجاد کند.

جنگی که فقط نظامی نیست

تقابل ایران با آمریکا و اسرائیل، صرفاً یک جنگ موشکی یا امنیتی نیست؛ بلکه نبردی اقتصادی بر سر «کنترل هزینه انرژی جهان» است. ایران به‌خوبی می‌داند که توان رقابت مستقیم نظامی با آمریکا را ندارد، اما می‌تواند از موقعیت جغرافیایی خود به‌عنوان یک اهرم ژئوپلیتیکی استفاده کند.

در واقع، قدرت واقعی ایران در هرمز، نه در بستن کامل آن، بلکه در

◆ بازار جهانی نفت

امروز بیش از آنکه به

میزان تولید وابسته باشد،

از سایه جنگ و ناامنی

در تنگه هرمز تأثیر می‌گیرد؛

شریانی که نبض

اقتصاد جهان را در دست دارد.

◆ بحران هرمز

تنها یک مناقشه منطقه‌ای نیست؛

این تنگه باریک اکنون به

میدان نبردی تبدیل شده که

نتیجه آن می‌تواند

بر زندگی میلیاردها انسان

اثر بگذارد.

ایجاد «نااطمینانی دائمی» است. حتی احتمال حمله به نفتکش‌ها، مین‌گذاری محدود، توقیف کشتی‌ها یا درگیری‌های پراکنده دریایی، کافی است تا شرکت‌های بیمه هزینه‌ها را افزایش دهند و بازار نفت واکنش نشان دهد.

همین مسئله باعث شده که اقتصاد جهانی عملاً گروگان سطح تنش در خلیج فارس باشد. امروز بازار نفت بیش از آنکه به ذخایر واقعی نگاه کند، به سخنان سیاستمداران، مانور ناوهای آمریکایی و اخبار مربوط به ایران واکنش نشان می‌دهد.

آمریکا؛ میان امنیت و بحران اقتصادی

برای آمریکا، بحران هرمز یک تناقض پیچیده ایجاد کرده است. از یک سو، واشنگتن نمی‌تواند اجازه دهد ایران بر مهم‌ترین شریان انرژی جهان تسلط روانی پیدا کند. از سوی دیگر، هرگونه جنگ گسترده با ایران، به جهش قیمت نفت و افزایش تورم در داخل آمریکا منجر می‌شود؛ مسئله‌ای که برای هر رئیس‌جمهوری یک کابوس سیاسی است.

دولت آمریکا تلاش کرده با افزایش حضور دریایی و ایجاد کاروان‌های حفاظتی برای نفتکش‌ها، مسیر هرمز را باز نگه دارد. اما بازار هنوز به پایداری این وضعیت اعتماد کامل ندارد. سرمایه‌گذاران می‌دانند که خاورمیانه منطقه‌ای است که در آن، یک اشتباه محاسباتی کوچک می‌تواند به بحرانی بین‌المللی تبدیل شود.

واقعیت این است که آمریکا در خلیج فارس با یک معادله دشوار روبه‌رو شده:

اگر عقب‌نشینی کند، ایران دست بالارا پیدا می‌کند؛

اگر بیش از حد فشار بیاورد، اقتصاد جهانی وارد شوک انرژی می‌شود. به همین دلیل، واشنگتن فعلاً تلاش می‌کند بحران را «مدیریت» کند، نه اینکه الزاماً آن را به پیروزی کامل نظامی تبدیل کند.

اسرائیل و نگاه امنیتی به هرمز

برای اسرائیل، مسئله هرمز تنها نفت نیست. تل‌آویو معتقد است که درآمد نفتی ایران، مستقیماً به تقویت نفوذ منطقه‌ای تهران منجر می‌شود. به همین دلیل، اسرائیل در سال‌های اخیر تلاش کرده فشار بر صادرات انرژی ایران را به بخشی از راهبرد مهار تهران تبدیل کند.

اما تناقض اصلی اینجاست: هرچه تنش بیشتر می‌شود، قیمت جهانی نفت بالاتر می‌رود و همین افزایش قیمت، بخشی از کاهش صادرات ایران را جبران می‌کند. حتی فروش محدود نفت ایران در شرایط قیمت‌های بالا، می‌تواند در آمد قابل توجهی برای تهران ایجاد کند.

از سوی دیگر، اسرائیل نگران آن است که هرگونه جنگ مستقیم و

طولانی، کل منطقه را وارد یک بحران غیرقابل کنترل کند. در چنین شرایطی، نه تنها بازار انرژی، بلکه تجارت جهانی، حمل‌ونقل دریایی و حتی بازار فناوری نیز آسیب خواهد دید.

چین؛ بازیگر خاموش بحران

اگر آمریکا و اسرائیل ضلع نظامی بحران باشند، چین ضلع اقتصادی آن است. پکن بزرگ‌ترین واردکننده انرژی جهان است و هرگونه اختلال در هرمز، مستقیماً رشد اقتصادی چین را تهدید می‌کند.

چین برخلاف غرب، تمایلی به درگیری مستقیم ندارد و بیشتر تلاش می‌کند توازن را حفظ کند. اما در عمل، ادامه خرید نفت ایران باعث شده تهران بتواند بخشی از فشار تحریم‌ها را تحمل کند. پکن به‌خوبی می‌داند که بی‌ثباتی طولانی‌مدت در خلیج فارس، می‌تواند کارخانه‌های آسیاپا را بحران انرژی روبه‌رو کند. به همین دلیل، چین در ظاهر سیاستی آرام و دیپلماتیک دارد، اما در پشت صحنه، به‌شدت نگران آینده هرمز است.

آیا ایران واقعاً می‌تواند هرمز را ببندد؟

پاسخ فنی این سؤال پیچیده‌تر از شعارهای سیاسی است.

ایران احتمالاً نمی‌تواند برای مدت طولانی تنگه را کاملاً ببندد، زیرا آمریکا و متحدانش توان بازگشایی مسیر را دارند. اما ایران نیازی هم به انسداد کامل ندارد. تجربه نشان داده که حتی اختلال محدود، حملات پراکنده یا افزایش ریسک امنیتی، برای ایجاد شوک در بازار کافی است.

امروز جنگ مدرن فقط به معنای اشغال سرزمین نیست؛ بلکه گاهی بالا بردن هزینه بیمه نفتکش‌ها، مؤثرتر از شلیک موشک عمل می‌کند.

در صورت تشدید بحران، قیمت نفت می‌تواند وارد محدوده‌ای شود که اقتصادهای بزرگ جهان را با موج تازه‌ای از تورم و رکود روبه‌رو کند. بسیاری از کشورها هنوز از پیامدهای اقتصادی جنگ اوکراین عبور نکرده‌اند و بحران جدید انرژی می‌تواند وضعیت را پیچیده‌تر کند.

هرمز؛ قلب آسیب‌پذیر جهانی‌سازی

جهانی‌سازی اقتصاد باعث شد کشورها بیش از هر زمان دیگری به انرژی ارزان و حمل‌ونقل امن وابسته شوند. اما همین وابستگی، اکنون به نقطه ضعف جهان تبدیل شده است. تنگه هرمز نشان می‌دهد که چگونه یک مسیر دریایی باریک می‌تواند سرنوشت اقتصاد سیاره را تحت تأثیر قرار دهد.

شرکت‌های بزرگ کشتیرانی، بانک‌ها و بازارهای بورس، امروز هر حرکت نظامی در خلیج فارس را با دقت دنبال می‌کنند. حتی شایعه یک درگیری می‌تواند قیمت نفت را بالا ببرد و میلیاردها دلار سرمایه را جابه‌جا کند. این یعنی جهان وارد دوره‌ای شده که «امنیت انرژی» دیگر فقط یک مسئله اقتصادی نیست؛ بلکه بخشی از امنیت ملی کشورهاست.

نفت؛ سلاح خاموش قرن بیست‌ویکم

در قرن گذشته، قدرت کشورها بیش‌تر با تعداد تانک‌ها و موشک‌هایشان سنجیده می‌شد، اما امروز انرژی نیز به همان اندازه اهمیت دارد. نفت هنوز موتور اصلی اقتصاد جهانی است و هر کشوری که بتواند بر مسیرهای انتقال آن اثر بگذارد، در معادلات جهانی نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت.

ایران دقیقاً از همین نقطه قدرت استفاده می‌کند. شاید تهران از نظر اقتصادی و نظامی با محدودیت‌های فراوانی روبه‌رو باشد، اما موقعیت جغرافیایی‌اش باعث شده همچنان یکی از بازیگران غیرقابل‌حذف خاورمیانه باقی بماند.

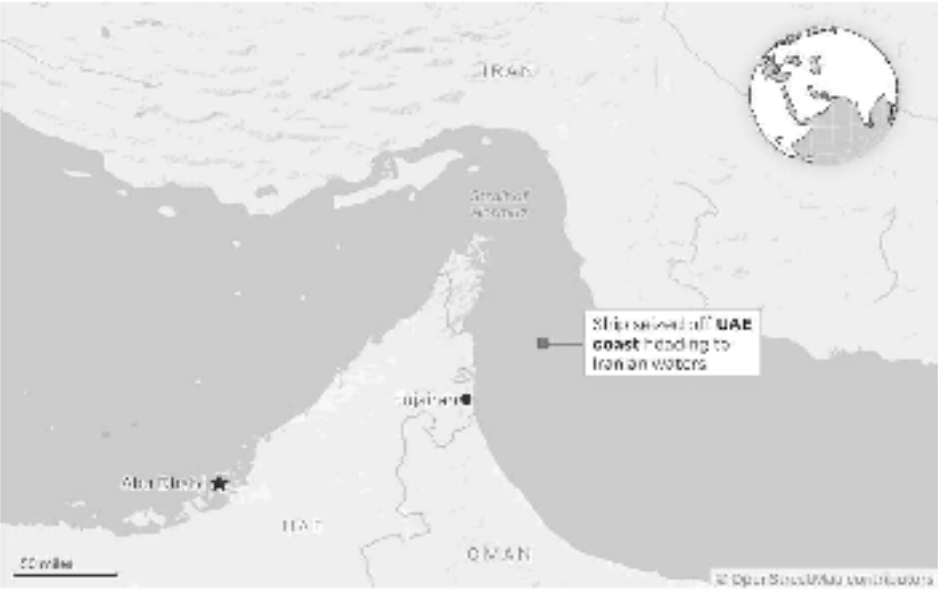
در واقع، هرمز برای ایران فقط یک تنگه نیست؛ بلکه نوعی «بیمه ژئوپلیتیکی» است. تازمانی که جهان به نفت خلیج فارس وابسته باشد، نام ایران نیز در مرکز معادلات انرژی باقی خواهد ماند.

آینده؛ صلح شکننده یا بحران دائمی؟

نشانه‌ها نشان می‌دهد جهان وارد دوره‌ای شده که در آن، تنگه هرمز به یک «اهرم دائمی فشار» تبدیل خواهد شد. حتی اگر آتش‌بس‌های موقت شکل بگیرد، بی‌اعتمادی میان ایران، آمریکا و اسرائیل باقی می‌ماند.

بازارهای جهانی نیز دیگر مانند گذشته به ثبات خاورمیانه اعتماد ندارند. همین بی‌اعتمادی، باعث شده نفت وارد عصر جدیدی از «قیمت‌گذاری ژئوپلیتیکی» شود؛ عصری که در آن، اخبار نظامی و سیاسی گاهی از عرضه و تقاضای واقعی مهم‌ترند.

شاید مهم‌ترین حقیقت بحران امروز این باشد که جهان هنوز نتوانسته وابستگی خود را به هرمز کاهش دهد. تازمانی که این وابستگی ادامه داشته باشد، تنگه هرمز همچنان یکی از حساس‌ترین نقاط جهان باقی خواهد ماند؛ جایی که آینده اقتصاد جهانی، هر روز از میان آب‌های آن عبور می‌کند.



افول پترودلار

آلکسی کالمیکوف

هزینه‌هایشان در آمد داشته‌اند، دیگر پادشاهی‌های نفتی خاورمیانه نبوده‌اند، بلکه چین و اقتصادهای پیشرفته آسیایی مانند کره جنوبی، ژاپن، تایوان و سنگاپور بوده‌اند.

اکنون این کشورها هستند که دلاری‌های دلاری می‌خرند، نه شیوخ عرب. کنار گذاشتن این روند برای آنها آسان نیست، چون باید الگوی اقتصاد صادرات‌محور خود را تغییر دهند؛ تغییری پرهزینه که می‌تواند پیامدهای اجتماعی داشته باشد. افزون بر این، دلار برای این کشورها فقط وسیله‌ای برای حفظ ثروت نیست، بلکه مبنایی برای مدیریت نرخ ارز و مداخله در بازار ارز است. بدون این ابزارها، حفظ ثبات اقتصاد کلان بسیار دشوارتر خواهد شد. برد ستسر محاسبه کرده است که مازاد منابع مالی (مازاد حساب جاری) کشورهای صادرکننده نفت و گاز در خلیج فارس و نروژ، که بزرگ‌ترین تامین‌کننده اتحادیه اروپا به شمار می‌رود، در سال گذشته حدود ۲۰۰ میلیارد دلار بوده است. این رقم در مقایسه با مازاد ۱۵۰۰ هزار میلیارد دلاری چین و دیگر کشورهای جنوب‌شرق آسیا که به‌جای نفت، کالا به غرب صادر می‌کنند، ناچیز است. از این رو، حتی اگر جنگ ایران برای سال‌های طولانی منابع مالی اضافی کشورهای نفت‌خیز خلیج فارس را از بین ببرد، چون به دلیل مسدود شدن تنگه هرمز قادر نخواهند بود از افزایش قیمت‌ها بهره ببرند، دلار دو پایه اصلی جایگاه ویژه خود را از دست نخواهد داد. پایه نخست، نبود گزینه‌ای هم‌سنگ برای سرمایه‌گذاری در این مقیاس است. چین، از طریق بانک‌های دولتی، و کشورهای دیگر همچنان برای ذخایر خود دلاری‌های دلاری می‌خرند. حتی کشورهایی که زیر تحریم‌اند و در ظاهر سلطه آمریکا را محکوم می‌کنند، در عمل بیش از آنکه با دلار بجنگند، به دنبال رفع تحریم‌ها و بازگشت به اقتصاد جهانی‌اند.

شرکت‌های آمریکایی همچنان سود و بازدهی بیشتری نسبت به رقبای اروپایی یا ژاپنی خود برای سهام‌داران ایجاد می‌کنند. از این رو، سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌هایی مانند آمازون، گوگل و اپل بازده بالاتری دارد. همچنین سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه دولتی آمریکا سودآورتر است، چون نرخ بهره در این کشور بالاتر از اروپا و به‌مراتب بالاتر از ژاپن است. در عین حال،



نقدشوندگی و عمق بازار مالی آمریکا با دیگر کشورهای توسعه‌یافته قابل مقایسه نیست؛ کشورهایی که در آنها سرمایه‌گذاران می‌توانند بدون محدودیت سرمایه‌گذاری کرده و هر زمان که بخواهند سرمایه خود را خارج کنند. چین در این دسته قرار نمی‌گیرد. در نتیجه، هم کسانی که قصد حفظ دلاری‌های خود را دارند و هم کسانی که به دنبال افزایش آن هستند، سرمایه‌های خود را به دلار نگهداری می‌کنند. حتی دونالد ترامپ نیز نتوانسته این خریداران ارز آمریکا را از بازار دور کند.

رابین بروکس می‌گوید: «با وجود تمام آشفتگی‌های سال گذشته ریاست‌جمهوری ترامپ، میزان سرمایه‌گذاری خارجی در دلار به بالاترین سطح خود از ابتدای قرن رسیده است. بنابراین، سلب جایگاه ارز ذخیره از دلار کار ساده‌ای نخواهد بود. این موضوع تعجب‌آور نیست؛ چنین جایگاهی طی دهه‌ها شکل گرفته و از بین بردن آن در کوتاه‌مدت ممکن نیست.» اما او معتقد است به‌محض پایان جنگ با ایران، روند کاهش ارزش دلار از سر گرفته خواهد شد. نخست به این دلیل که خریداران سنتی دلار، یعنی صادرکنندگان نفت خلیج فارس و واردکنندگان نفت در آسیا، منابع مالی کمتری خواهند داشت. گروه نخست باید برای بازسازی و تقویت توان نظامی هزینه کند و گروه دوم ناچار است هزینه انرژی گران‌تر، پر کردن دوباره ذخایر و اصلاح ساختار اقتصاد برای کاهش وابستگی به واردات سوخت‌های فسیلی را بپردازد. دوم آنکه ترامپ همچنان به تضعیف پایه‌های سلطه ارزی آمریکا در جهان ادامه می‌دهد؛ از جمله استقلال بانک مرکزی، نظام قضایی و مجموعه سازوکارهای نظارتی که آزادی فعالیت اقتصادی و جریان سرمایه را در ایالات متحده تضمین می‌کنند.

اما پل کروگمن تأکید می‌کند که کنار گذاشتن دلار به‌عنوان ابزار اصلی پرداخت در تجارت جهانی، به همان اندازه دشوار است که جایگزین کردن زبان چینی به‌جای انگلیسی در ارتباطات بین‌المللی. او می‌نویسد: «با توجه به رفتار کنونی آمریکا، شاید این کشور شایسته حفظ جایگاه صادرکننده اصلی‌ترین ارز جهان نباشد.

اما اقتصاد و اخلاق دو مقوله متفاوت هستند.» او می‌افزاید: «برخی معتقدند دلار به‌زودی سقوط خواهد کرد و همه استفاده از آن را متوقف خواهند کرد. اما حتی اگر آمریکا دچار بحران جدی شود، تحقق چنین سناریویی بسیار دشوار خواهد بود. همه از دلار استفاده می‌کنند، چون دیگران هم از آن استفاده می‌کنند.»



کشورها و مناطقی بیرون کشیدند که بیش از همه در معرض پیامدهای جنگ قرار دارند، از جمله آسیا، خاورمیانه و تا حدی اروپا. آنها این سرمایه‌ها را به دلاری‌های دلاری تبدیل کردند، زیرا این دلاری‌ها نقدشوندگی و بازدهی بالاتری دارند. مهم‌تر از آن، اقتصاد آمریکا بارها نشان داده است که در مقایسه با دیگر اقتصادها، سریع‌تر از بحران‌های دشوار بیرون می‌آید. افزون بر این، آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت و گاز جهان، در برابر بحران کنونی انرژی نیز از بسیاری کشورها آسیب‌پذیری کمتری دارد. پل کروگمن، اقتصاددان آمریکایی و برنده جایزه نوبل، این پرسش را مطرح می‌کند: «منتقدان ترامپ می‌گویند افول دلار می‌تواند یکی از پیامدهای ناگوار بی‌مسئولیتی آمریکا و سوءاستفاده از قدرت باشد. اما آیا واقعا دلار با تهدیدی اجتناب‌ناپذیر برای از دست دادن جایگاه ویژه خود روبه‌رو است؟ و آیا از دست دادن این جایگاه به ایالات متحده ضرر به خواهد زد؟» او می‌افزاید: «به نظر من پاسخ هر دو پرسش یکی است؛ نه.»

حتی اگر ایران، روسیه و حتی عربستان سعودی نفت خود را به یوان بفروشند، جایگاه دلار متزلزل نخواهد شد. در مقیاس بازار جهانی نفت، تحویل‌های واقعی فیزیکی تنها چند درصد از کل معاملات را تشکیل می‌دهد. بخش عمده معاملات مربوط به قراردادهای مالی برای تحویل نفت اصطلاحا مجازی است که این معاملات در آمریکا و با دلار انجام می‌شود. یکی از دلایل سلطه دلار در بازار نفت این است که پس از نخستین بحران نفتی دهه ۱۹۷۰، که ابتدا در پی جنگ کشورهای عربی با اسرائیل و سپس انقلاب اسلامی ایران رخ داد، آمریکا و عربستان سعودی توافق کردند قیمت نفت را بر اساس دلار تعیین کنند. از آن زمان این روند ادامه یافته است. اما به گفته برد ستسر، دلیل اصلی برتری دلار در مبادلات و ذخایر ارزی به این موضوع محدود نمی‌شود. او می‌نویسد: «آمریکا در دهه ۱۹۳۰ بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان بود و در سال‌های جنگ جهانی دوم به بریتانیا نفت می‌داد. به‌طور کلی، صنعت نفت در آمریکا شکل گرفت و نفت همواره با دلار معامله شده است.» پس از بحران نفتی دهه ۱۹۷۰، درآمدهای نفتی هنگفتی روانه کشورهای خلیج فارس شد. این کشورها در آن زمان هنوز اقتصادهای چندان توسعه‌یافته‌ای نداشتند و نمی‌توانستند همه این درآمدهای اضافی را در داخل هزینه کنند. بنابراین شروع به انباشت ذخایر و سرمایه‌گذاری در خارج کردند. سودآورترین و امن‌ترین راه برای افزایش این درآمدها، اعطای وام به آمریکا و سپرده‌گذاری در بانک‌های آمریکایی بود. اما از آنجا که آمریکا از اسرائیل حمایت می‌کرد، برای شیوخ عرب دشوار بود به‌طور علنی به این کشور وام دهند. در نتیجه، این کار به‌صورت غیرمستقیم انجام شد. به این ترتیب، مراکز مالی جهانی در لندن، زوریخ و بعدها در هنگ‌کنگ و دبی شکل گرفتند.

اما آن سیل عظیم پترودلارها مدت‌هاست متوقف شده است. بسیاری از کشورهای خلیج فارس به افزایش هزینه‌ها روی آورده و در حال آماده‌سازی اقتصاد خود برای دوران پس از نفت هستند. در نتیجه، عربستان سعودی از یک صادرکننده سرمایه به یک بدهکار تبدیل شده است؛ این کشور دیگر پس‌انداز نمی‌کند و اکنون با اتکا به پدهی زندگی می‌کند. در نتیجه، جریان ورود پترودلارها به آمریکا کاهش یافته، اما دلار همچنان در موقعیت قدرتمندی قرار دارد. چرا؟ نخست، آمریکا دیگر به واردات نفت نیاز ندارد. در ابتدای قرن حاضر، این کشور بزرگ‌ترین واردکننده نفت در جهان بود و عربستان سعودی بزرگ‌ترین صادرکننده. اما اکنون آمریکا، به لطف انقلاب فناوری و نظام سرمایه‌داری، دو برابر عربستان نفت تولید می‌کند و دیگر برای خرید نفت از خاورمیانه به دلار نیاز ندارد.

دوم، در منطقه خلیج فارس کشورهای دیگری نیز وجود دارند که بیش از میزان هزینه خود در آمد دارند، از جمله امارات متحده عربی. این کشورهای دلار صندوق‌های ثروت ملی هستند که برای نسل‌های آینده و شرایط بحرانی ذخیره شده‌اند. عربستان سعودی نیز با وجود کمبود منابع، صندوق مشابهی دارد. این سرمایه‌ها برای کسب سود به کار گرفته می‌شوند و به دلایل یادشده، سرمایه‌گذاری در آمریکا همچنان سودآورترین گزینه است. و سوم، و مهم‌تر از همه، پترودلارها مدت‌هاست دیگر نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد جهانی ندارند. در ۲۰ تا ۳۰ سال گذشته، کشورهایایی که از صادرات بیش از میزان

حمله آمریکا به ایران بار دیگر بحث‌ها درباره افول قریب‌الوقوع دلار به‌عنوان ارز ذخیره و مبادلاتی جهان را زنده کرده است. ایران تنگه هرمز را مسدود کرده و از نفتکش‌ها با یوان چین و استیبل‌کوین‌ها عوارض دریافت کرده است. تهدید علیه مهم‌ترین ارز جهان تا چه حد جدی است و آیا در پی جنگ ایران، «پترو یوان» (یوان نفتی) جایگزین «پترودلار» (دلار نفتی) خواهد شد؟ قیمت نفت از دیرباز بر پایه دلار تعیین شده و اکنون نیز حدود ۸۵ درصد نفت و فرآورده‌های نفتی جهان با ارز آمریکا معامله می‌شود. این سهم در دهه‌های اخیر، با وجود تلاش روسیه، چین، ایران و دیگر کشورهای برای پایان دادن به سلطه دلار در مبادلات، تغییری نکرده است.

در مورد ذخایر ارزی نیز وضعیت مشابهی برقرار است. جهان معمولا



دلاری‌های خود را به دلار نگهداری می‌کند. سهم دلار در ذخایر بین‌المللی حدود ۶۰ درصد است، در حالی که یورو ۲۰ درصد را به خود اختصاص داده و مابقی مربوط به ارزهای دیگر کشورهای توسعه‌یافته غربی مانند بریتانیا، ژاپن، کانادا و استرالیا است. تنها حدود ۲ درصد از این ذخایر به یوان چین نگهداری می‌شود. این وضعیت تا حد زیادی به این دلیل است که آمریکا بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین اقتصاد جهان به شمار می‌رود. این کشور بازار مالی عظیمی دارد، حاکمیت قانون در آن برقرار است، جریان سرمایه آزاد است، بانک مرکزی مستقلی دارد و شرکت‌هایش از سودآورترین و نوآورترین بنگاه‌های اقتصادی در غرب هستند. اما با بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید برای دومین دوره در سال گذشته، برخی از این مزیت‌ها با تهدید مواجه شده و جایگاه دلار متزلزل شده است. در سال گذشته ارزش دلار ۸ درصد کاهش یافت. هم‌زمان، در سطح جهانی از راهبرد مالی تازه‌ای با عنوان «فروش آمریکا» سخن به میان آمد. برخی تحلیلگران این افت را نشانه روی‌گردانی سرمایه‌گذاران از دلاری‌های دلاری دانستند؛ روندی که به جنگ تجاری ترامپ با جهان، فشار بر متحدان و آمادگی او برای به‌کارگیری قدرت مالی و نظامی آمریکا برای اعمال فشار سیاسی و اقتصادی بر دیگر کشورها نسبت داده می‌شود. کاهش ارزش دلار در آغاز سال ۲۰۲۶ نیز ادامه یافت تا زمان حمله به ایران. اما به‌محض آنکه ترامپ با بی‌ثبات کردن مهم‌ترین منطقه تولید نفت و گاز جهان، اقتصاد جهانی را در آستانه بحران قرار داد، روند نزولی دلار متوقف شد و ارزش آن دوباره افزایش یافت.

برد ستسر، تحلیلگر ارزی آمریکایی، می‌گوید: «جهان به دلایل مختلف بخش عمده ثروت خود را در دلاری‌های دلاری آمریکا نگه می‌دارد. پرسش اصلی این است که اگر ما سیاست‌های دیوانه‌واری در پیش بگیریم، آیا این روند ادامه خواهد یافت؟» او می‌افزاید: «تا اینجا پاسخ این پرسش مثبت بوده است.» به گفته رابین بروکس از موسسه بروکینگز در آمریکا، افزایش ۲ درصدی ارزش دلار پس از حمله به ایران نشان می‌دهد که جایگاه این ارز به‌عنوان ذخیره جهانی، دست‌کم در حال حاضر، با تهدید جدی روبه‌رو نیست. او می‌نویسد: «ورود سرمایه خارجی به بازار سهام و اوراق قرضه آمریکا به بالاترین سطح در ۲۵ سال گذشته رسیده است. افزایش اخیر ارزش دلار نیز نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران همچنان در دوره‌های بحران، دلاری‌های دلاری را گزینه‌ای مطمئن برای حفظ سرمایه می‌دانند.»

مانند بحران‌های گذشته، با آغاز بمباران ایران، سرمایه‌گذاران پول خود را از

خروج امارات متحده عربی از اوپک

فیصل اسلام



اینکه امارات متحده عربی خروج ناگهانی خود از اوپک، سازمان کشورهای صادرکننده نفت، را اعلام کرده، موضوعی بسیار مهم است. اماراتی‌ها حتی پیش از آنکه در سال ۱۹۷۱ به یک کشور مستقل تبدیل شوند، عضو این سازمان بودند. اوپک سازمانی متشکل از عمدتاً صادرکنندگان نفت در خلیج فارس است که طی دهه‌های مستعمراتی با کاهش افزایش تولید و تعیین سهمیه برای اعضای خود، قیمت نفت خام را کنترل می‌کرد. این سازمان نقش حیاتی در بحران‌های نفتی دهه ۱۹۷۰ ایفا کرد؛ بحران‌هایی که به نوبه خود سیاست‌های انرژی جهان را دگرگون ساختند. در حالی که تولید اوپک عمدتاً در اختیار عربستان سعودی است، امارات متحده عربی دومین ظرفیت مازاد تولید را در اختیار داشت.

به بیان دیگر، این کشور پس از عربستان بیشترین توان افزایش سریع تولید را داشت، بازگویی که می‌توانست با افزایش تولید، به کاهش فشار بر قیمت‌ها کمک کند، در واقع،

دقیقاً همین مسئله بود که باعث شد امارات متحده عربی در بلندمدت در موقعیت خود بازنگری کند. به طور ساده، امارات می‌خواست از ظرفیت قابل توجهی که برای آن سرمایه‌گذاری کرده بود، استفاده کند. سهمیه‌های اوپک تولید این کشور را به ۳ میلیون بشکه در روز محدود می‌کرد، در نتیجه، هزینه‌های ناشی از عضویت در اوپک، از نظر درآمد‌های از دست‌رفته، به طور نامتناسبی بر دوش امارات قرار می‌گرفت.

با این حال، زمان‌بندی این اقدام نشان‌دهنده پیامدهایی از جنگ ایران است. فضای پرتنش در خلیج فارس بر روابط امارات با ایران تأثیر گذاشته و ممکن است بر رابطه از پیش پرتنش آن با عربستان سعودی نیز اثرگذار باشد. برای اوپک، این یک ضربه قابل توجه در زمانی است که پرسش‌های مهمی درباره انسجام بلندمدت این سازمان مطرح شده است، موضوع فقط این نیست که امارات متحده عربی، اگر بتواند نفت خود را چه از راه دریا و چه از طریق خط لوله به طور کامل دوباره وارد بازار کند، احتمالاً



تولیدش را به پنج میلیون بشکه در روز خواهد رساند، عربستان سعودی ممکن است در واکنش، وارد جنگ قیمتی نفت شود؛ جنگی که اقتصاد متنوع‌تر امارات احتمالاً توان تحمل آن را دارد، اما دیگر اعضای فقیرتر اوپک شاید نتوانند از پس آن برآیند.

مقام‌های ارشد امارات متحده عربی از احداث خط لوله‌های جدیدی از میدان‌های نفتی ابوظبی سخن می‌گویند؛ خط لوله‌هایی که با دور زدن تنگه هرمز، نفت را به بندر کمتر مورد استفاده فجیره منتقل می‌کنند. در حال حاضر یک خط لوله به طور گسترده مورد استفاده قرار دارد، اما برای پاسخگویی به افزایش تولید و ایجاد تغییراتی پایدار در جریان و هزینه‌های حمل‌ونقل نفتکش‌ها در خلیج فارس، ظرفیت بیشتری مورد نیاز خواهد بود.

در شرایط کنونی، البته، و در بحبوحه انسداد دوگانه تردد دریایی در تنگه هرمز، این موضوع رویداد اصلی در بازارهای نفت به شمار نمی‌رود؛ بازاری که بر قیمت نفت، گاز، بنزین، پلاستیک و مواد غذایی تأثیر می‌گذارد. در حالی که جهان به طور قابل‌درستی بر قیمت ۱۱۰ دلاری هر بشکه نفت تمرکز کرده است، این وضعیت در عین حال دلیلی است برای نادیده نگرفتن این احتمال که قیمت‌ها ممکن است در مقطعی از سال آینده به حدود ۵۰ دلار نزدیک شوند، برای مثال، اگر بحران تنگه هرمز به موقع و پیش از انتخابات

جهان در آستانه عصر پسا نفت؟

افزایش تنش‌ها در خلیج فارس، تغییرات در ساختار اوپک و رقابت فزاینده قدرت‌های اقتصادی جهان، باز دیگر آینده بازار انرژی را به یکی از مهم‌ترین موضوعات بین‌المللی تبدیل کرده است.

در حالی که دهه‌ها نفت مهم‌ترین ابزار قدرت سیاسی و اقتصادی در جهان محسوب می‌شد، امروز نشانه‌هایی دیده می‌شود که از ورود تدریجی جهان به مرحله‌ای تازه حکایت دارد؛ مرحله‌ای که در آن انرژی‌های جایگزین، خودروهای برقی و فناوری‌های نوین می‌توانند نقش نفت را به تدریج کمرنگ‌تر کنند.

در سال‌های اخیر، بسیاری از کشورها سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر انجام داده‌اند، چین، اتحادیه اروپا و ایالات متحده میلیارد‌ها دلار صرف توسعه خودروهای برقی، انرژی خورشیدی، باتری‌های صنعتی و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی کرده‌اند. حتی شرکت‌های بزرگ نفتی جهان نیز بخش‌هایی از سرمایه‌گذاری‌های خود را به سمت انرژی پاک سوق داده‌اند؛ زیرا می‌دانند بازار آینده تنها به نفت وابسته نخواهد بود.

با این حال، جهان هنوز فاصله زیادی تا خداحافظی کامل با نفت دارد.

صنایع سنگین، حمل‌ونقل هوایی، کشتیرانی، تولید پلاستیک و بسیاری از زیرساخت‌های اقتصادی جهان همچنان به نفت و گاز وابسته‌اند. همین مسئله باعث شده هرگونه تنش در خاورمیانه یا اختلال در تنگه هرمز، بلافاصله روی قیمت انرژی و اقتصاد جهانی اثر بگذارد. در این میان، کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز به خوبی متوجه تغییرات آینده شده‌اند.

عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر سال‌هاست تلاش می‌کنند اقتصاد خود را از وابستگی کامل به نفت خارج کنند.

سرمایه‌گذاری در گردشگری، فناوری، بانکداری، هوش مصنوعی و پروژه‌های عظیم شهری، بخشی از تلاش این کشورها برای آماده شدن برای دوران پس از نفت است. امارات متحده عربی یکی از نمونه‌های برجسته این تغییر رویکرد به شمار می‌رود.

دبی و ابوظبی طی دو دهه گذشته تلاش کرده‌اند خود را به مراکز مالی، تجاری و گردشگری منطقه تبدیل کنند؛ اقدامی که باعث شده اقتصاد این کشور در مقایسه با بسیاری از تولیدکنندگان نفت، انعطاف‌پذیری بیشتری پیدا کند.



کارشناسان معتقدند جهان در حال ورود به دوره‌ای است که در آن «امنیت انرژی» دیگر فقط به معنای دسترسی به نفت نخواهد بود، بلکه دسترسی به فناوری، برق، باتری، منابع معدنی کمیاب و زیرساخت‌های هوشمند نیز اهمیت پیدا خواهد کرد. رقابت آینده شاید کمتر بر سر چاه‌های نفت و بیشتر بر سر فناوری‌های انرژی باشد.

در عین حال، بازار جهانی نفت هنوز می‌تواند غافلگیرکننده باشد. همان‌طور که جنگ‌ها و بحران‌های سیاسی می‌توانند قیمت‌ها را به سرعت افزایش دهند، رکود اقتصادی، گسترش خودروهای برقی یا افزایش تولید نیز ممکن است قیمت نفت را به شکل ناگهانی کاهش دهند.

به همین دلیل بسیاری از تحلیلگران معتقدند دوران جدید انرژی، دوره‌ای پر نوسان و غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود. شاید مهم‌ترین تحول سال‌های آینده این باشد که نفت به تدریج از یک ابزار انحصاری قدرت سیاسی، به یکی از چندین منبع انرژی جهان تبدیل شود.

تغییری که اگرچه به سرعت رخ نخواهد داد، اما نشانه‌های آن از هم‌اکنون در سیاست، اقتصاد و حتی تصمیم‌های استراتژیک کشورهای نفت‌خیز دیده می‌شود.

میان دوره‌ای ایالات متحده در اواخر امسال برطرف شود. اوپک نسبت به دهه ۱۹۷۰ اهمیت کمتری در بازار جهانی نفت دارد؛ سهم ۸۵ درصدی آن از تجارت بین‌المللی نفت در آن زمان، امروز به حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است. همچنین نفت دیگر به اندازه دهه ۱۹۷۰ برای اقتصاد جهانی حیاتی نیست. اوپک همچنان از اهرم‌هایی برخوردار است، اما انحصار ندارد؛ به بیان دیگر، نمی‌تواند جهان را به گروگان بگیرد. به یاد دارم که شیخ یحیی، وزیر پیشین نفت عربستان سعودی و چهره شاخص اوپک، به من گفت: «عصر حجر به این دلیل پایان نیافت که جهان از سنگ خالی شد؛ عصر نفت نیز به این دلیل پایان نخواهد یافت که جهان از نفت تهی شود.» این سخن به جهانی اشاره دارد که در آن هیدروکربن‌ها به تدریج با سایر منابع انرژی جایگزین می‌شوند، یکی از برداشته‌ها از اقدام امارات این است که نشانه‌ای از همین جهان با وابستگی کمتر به نفت باشد. نشانه‌های دیگری نیز در آشوب کنونی دیده می‌شود: سرمایه‌گذاری‌های چین در برقی‌سازی به کاهش ضربه اقتصادی ناشی از افزایش قیمت نفت و گاز کمک کرده است.

بر اساس برخی برآوردها، برقی‌سازی خودروها، کامیون‌ها و قطارهای چین، تقاضای نفت در دومین اقتصاد بزرگ جهان را روزانه حدود یک میلیون بشکه کاهش داده است. با شتاب گرفتن این روند در سراسر جهان، تقاضای جهانی نفت ممکن است به مرحله ثبات یا اشباع برسد. در چنین نگاهی، منطقی است که پیش از سقوط شدید تقاضا، تا حد امکان سریع از ذخایر نفتی درآمد کسب شود. امارات از توان مالی قابل توجه و اقتصادی تا حدی متنوع از جمله در حوزه خدمات مالی و گردشگری برخوردار است. بسیاری از مسائل به این بستگی دارد که در صورت وزمانی که درگیری‌ها در خلیج فارس پایان یابد، وضعیت جدید چگونه شکل خواهد گرفت.

خروج امارات از اوپک می‌تواند به ایجاد یک اثر دومینویی منجر شود و اکنون فشار قابل توجهی بر عربستان سعودی وارد خواهد شد. زمانی که نفتکش‌ها دوباره از تنگه عبور کنند، یا اگر امارات تلاش‌های خود برای احداث خطوط لوله جدید را دوچندان کند، نفت این کشور بیش از هر زمان دیگری و بدون محدودیت‌های ناشی از تعهدات اوپک به بازار سرازیر خواهد شد. این اقدام تأثیر چندانی بر محاصره کنونی نخواهد داشت؛ اما می‌تواند پس از آن، همه چیز را تغییر دهد.



جهان پس از بحران؛

آیا بشریت در آستانه یک رنسانس تازه است؟

بی‌سابقه گرما، کمبود آب، سیل و نابودی منابع طبیعی نشان می‌دهد مدل اقتصادی فعلی جهان نیازمند بازنگری جدی است. کارشناسان معتقدند ادامه مصرف‌گرایی افسارگسیخته و وابستگی به سوخت‌های فسیلی، جهان را با بحران‌های عمیق‌تری روبه‌رو خواهد کرد. در چنین شرایطی، بسیاری از اندیشمندان از ضرورت شکل‌گیری نوعی «رنسانس جدید» سخن می‌گویند؛ رنسانسی که این بار نه فقط بر پایه هنر و علم، بلکه بر پایه مسئولیت‌پذیری جهانی، احترام به انسان، حفاظت از محیط زیست و بازسازی اعتماد عمومی شکل بگیرد. شاید مهم‌ترین پرسش عصر حاضر این باشد که آیا جهان پس

هوش مصنوعی، جنگ‌های فرسایشی، بحران اقلیمی، فروپاشی اعتماد عمومی و شکاف‌های اقتصادی، جهان امروز را وارد دوره‌ای پر تنش و بی‌سابقه کرده‌اند. بسیاری از تحلیلگران معتقدند بشر در ست مانند دوران پس از طاعون سیاه و آغاز رنسانس اروپا، اکنون نیز در نقطه‌ای تاریخی ایستاده؛ نقطه‌ای که می‌تواند یا آغاز سقوط تدریجی جوامع باشد یا شروع نظمی تازه برای بازسازی جهان.

در سال‌های اخیر، جهان با بحران‌هایی روبه‌رو شده که هر کدام به‌تنهایی می‌توانستند نظم بین‌المللی را متزلزل کنند. همه‌گیری کرونا، جنگ اوکراین، بحران غزه، رقابت فزاینده آمریکا و چین، رشد

افراط‌گرایی سیاسی، مهاجرت گسترده، تورم جهانی و تغییرات اقلیمی، همگی نشان دادند که ساختارهای فعلی جهان تا چه اندازه آسیب‌پذیر شده‌اند.

همزمان، ظهور سریع هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین نیز جهان را وارد مرحله‌ای تازه کرده است. اگرچه این فناوری‌ها فرصت‌های بزرگی برای پیشرفت ایجاد کرده‌اند، اما نگرانی‌هایی جدی درباره آینده مشاغل، حریم خصوصی، امنیت اطلاعات و حتی هویت انسانی به وجود آورده‌اند. امروز دیگر مسئله فقط پیشرفت فناوری

نیست؛ بلکه این پرسش مطرح است که آیا جوامع انسانی توانایی مدیریت این سرعت تغییر را دارند یا نه. بسیاری از کشورها پس از تجربه کرونا دریافته‌اند که وابستگی شدید به زنجیره‌های جهانی، ضعف نظام‌های درمانی و شکاف طبقاتی می‌تواند در زمان بحران به تهدیدی جدی تبدیل شود. با این حال، به نظر می‌رسد جهان هنوز درس‌های آن دوران را به‌طور کامل نیاموخته است. رقابت‌های سیاسی و اقتصادی همچنان بر همکاری‌های جهانی سایه انداخته و بسیاری از دولت‌ها بیش از آینده، درگیر منافع کوتاه‌مدت خود هستند. از سوی دیگر، بحران اقلیمی دیگر یک هشدار آینده‌نگرانه نیست؛ بلکه به واقعیتی روزمره تبدیل شده است. آتش‌سوزی‌های گسترده، موج‌های



از این همه بحران، راهی متفاوت را انتخاب خواهد کرد یا دوباره به همان الگوهای قدیمی باز می‌گردد؟ تاریخ نشان داده که بزرگ‌ترین تغییرات بشر اغلب پس از سخت‌ترین بحران‌ها رخ داده‌اند. اکنون نیز جهان در نقطه‌ای ایستاده که تصمیم‌های امروز می‌توانند آینده نسل‌های بعد را شکل دهند. شاید بشریت بیش از هر زمان دیگری نیاز دارد یاد بگیرد توسعه واقعی فقط در رشد اقتصاد و فناوری خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در توانایی انسان برای حفظ کرامت، عدالت، همبستگی و احترام به زمین معنا پیدا می‌کند. اگر چنین تغییری رخ دهد، شاید بتوان گفت جهان در آستانه رنسانسی تازه قرار گرفته است.

محبت؛

ساده‌ترین نیرویی که جهان را قابل تحمل می‌کند

در دنیایی که انسان‌ها هر روز بیشتر درگیر سرعت، اضطراب و خستگی می‌شوند، محبت شاید ساده‌ترین اما ضروری‌ترین چیزی باشد که زندگی را قابل تحمل‌تر می‌کند.

محبت همیشه در اتفاقاتی بزرگ خلاصه نمی‌شود؛ گاهی در یک لیختد، یک احوالپرسی ساده یا چند دقیقه توجه واقعی پنهان شده است. بسیاری از آدم‌ها شاید موفقیت و امکانات زیادی داشته باشند، اما بدون محبت احساس تنهایی می‌کنند.

محبت فقط یک احساس نیست؛ نوعی رفتار و نگاه به زندگی است.

گاهی یک جمله مهربانانه می‌تواند روز سخت کسی را تغییر دهد؛ درست همان‌طور که بی‌توجهی یا خشونت کلامی می‌تواند زخمی عمیق بر جای بگذارد. روان‌شناسان معتقدند انسان‌ها از کودکی تا بزرگسالی به احساس دوست داشتنه شدن و دیده شدن نیاز دارند.

یکی از مشکلات زندگی مدرن این است که بسیاری از آدم‌ها فرصت ابراز محبت را از دست داده‌اند.

مشغله، استرس و فضای مجازی باعث شده بعضی روابط سردتر از گذشته شوند. گاهی اعضای یک خانواده ساعت‌ها کنار هم هستند، اما گفت‌وگوی واقعی یا توجه عاطفی میانشان وجود ندارد.

محبت فقط به روابط عاشقانه محدود نمی‌شود. مهربانی با خانواده، دوستان، سالمندان، کودکان و حتی حیوانات، همگی شکل‌هایی از محبت هستند. تحقیقات نشان داده افرادی که رفتارهای محبت‌آمیز بیشتری دارند، معمولاً آرامش روانی بیشتری هم تجربه می‌کنند.

در نهایت، شاید جهان امروز بیش از هر زمان دیگری به محبت نیاز داشته باشد.

در میان این همه اضطراب و فاصله‌های انسانی، مهربانی هنوز می‌تواند یادآوری کند که انسان بودن فقط در موفقیت خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در توانایی دوست داشتن، همدلی و مراقبت از یکدیگر معنا پیدا می‌کند.

شور و دین

این ماه برای شما پر از فرصت‌های جدید و تغییرات مثبت خواهد بود. اگر حس می‌کنید که در یک مسیر یکنواخت قرار گرفته‌اید، حالا زمان خوبی برای تغییر است. در روابط شخصی، ممکن است نیاز داشته باشید که مرزهای خود را مشخص کنید و از انرژی‌های منفی دوری کنید. در مسائل مالی، بهتر است پس‌انداز بیشتری داشته باشید و تصمیمات هوشمندانه‌تری بگیرید. یک پیشنهاد کاری یا تحصیلی ممکن است برای شما ایجاد شود.

اردیبهشت

این ماه ممکن است احساس کنید که تغییرات زیادی در حال رخ دادن است. اگر مدتی است به یک تصمیم مهم فکر می‌کنید، حالا زمان خوبی برای عملی کردن آن است. در مسائل احساسی، ممکن است دچار تردید شوید، اما بهتر است به ندای قلب خود گوش دهید. یک فرصت شغلی یا مالی ممکن است برایتان پیش بیاید که نیاز به بررسی دقیق دارد. روابط خانوادگی شما قوی‌تر می‌شود و از حمایت عزیزان خود بهره‌مند خواهید شد.

خرداد

این ماه فرصتی برای بازنگری در گذشته و برنامه‌ریزی برای آینده خواهد بود. ممکن است احساس کنید که نیاز به تغییر در زندگی دارید، اما باید با صبر و دقت عمل کنید. در مسائل عاطفی، ممکن است روابط شما عمیق‌تر شود و لحظات خوبی را تجربه کنید. از بحث‌های بیهوده پرهیز کنید و انرژی خود را روی اهداف مهم‌تر متمرکز کنید. در مسائل کاری، احتمال دارد یک مسئولیت جدید به شما سپرده شود که باعث پیشرفتتان خواهد شد.

مهر

این ماه ممکن است با چالش‌هایی روبه‌رو شوید، اما این چالش‌ها به شما درسی مهم خواهند آموخت. از تغییرات نترسید و اجازه دهید مسیر جدیدی در زندگی‌تان باز شود. یک فرد خاص ممکن است وارد زندگی‌تان شود و شما را از نظر فکری و احساسی تحت تأثیر قرار دهد. در مسائل کاری، سخت‌کوشی شما نتیجه خواهد داد و ممکن است پاداش خوبی دریافت کنید. مراقب سلامت خود باشید و از فشارهای عصبی دوری کنید.

مرداد

این ماه برای شما پر از آرامش و اتفاقات مثبت خواهد بود. اگر به دنبال حل یک مشکل قدیمی هستید، حالا بهترین زمان برای آن است. در مسائل کاری، ممکن است فرصت‌های جدیدی برای رشد و پیشرفت به دست آید. در روابط اجتماعی، مراقب باشید که با افراد منفی‌باف معاشرت نکنید. اگر درگیر یک رابطه عاطفی هستید، صداقت و گفتگو می‌تواند همه‌چیز را بهتر کند. استرسی خود را مدیریت کنید.

شهریور

یک تغییر مهم در زندگی شما در حال رخ دادن است. پس آماده پذیرش آن باشید. اگر در گذشته دچار تردید بودید، حالا وقت آن رسیده که تصمیمات قاطع‌تری بگیرید. یک رابطه عاطفی ممکن است وارد مرحله جدیدی شود. در مسائل مالی، از تصمیمات عجولانه خودداری کنید. آرامش و تعادل را در زندگی خود حفظ کنید. یک خبر خوشحال‌کننده در انتظار شماست که می‌تواند مسیرتان را تغییر دهد.

تیم شکور

Équipe Shakour

GRUPE IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC



مشاوره تخصصی املاک
مسکونی • تجاری • سرمایه گذاری

514-730-3909

www.shakourrealty.com



مرکز اسلامی ایران



مرکز اسلامی ایرانیان

کلیه امور مذهبی فرهنگی و خدمات اجتماعی

محضر رسمی ازدواج کانادایی

Civil marriage

و شرعی

شیخ صالح سیبویه

514.366.1509

514.247.1732

Iranian Islamic Center - Montreal

Email: iraniansmontreal@gmail.com

Facebook: www.facebook.com/iraniansmontreal

Address: 210 St. Jacques, Lachine, QC H8R 1E2

آذر



ایان



مهر



آشford



بهمن



دی



فایل ها و پوشه ها را مدیریت کنیم تا سردرگم نشویم

رایگان و کارآمد برای یافتن فایل های تکراری بر اساس نام و محتوای آن هاست.

یکی از دلایلی که معمولاً باعث ایجاد فایل های تکراری می شود، کپی کردن یک فایل در چند پوشه و مسیر مختلف است.

پیشنهاد می کنیم تا حد ممکن از این کار پرهیز کنید و اگر هدف شما این است که راحت تر به یک فایل دسترسی پیدا کنید، می توانید از روش ایجاد میانبر استفاده کنید. به عنوان مثال، با کلیک راست کردن بر روی فضایی خالی از دستکاپ و انتخاب گزینه New و سپس Shortcut، می توانید یک فایل میانبر ایجاد کرده و آن را به فایل مورد نظر خود نسبت دهید تا از این به بعد با کلیک روی این میانبر، فایل اصلی را با سرعت بیشتر و راحت تر باز کنید.

۷. از برنامه های یادداشت برداری استفاده کنید

اگر جزو آن دسته از کاربرانی هستید که عادت دارند، افکاری که به ذهنشان می رسد در گوشه ای یادداشت کنند، بهتر است از فایل های متنی معمولی برای این کار استفاده نکنید.

در عوض، می توانید از برنامه های ویژه ای که به همین منظور طراحی شده اند، مانند OneNote و Evernote بهره بگیرید. کاری که این برنامه ها می کنند دقیقاً مانند اسـتیکرهای کاغذی است که روی مانیتور یا یخچال می چسبانید؛ ایده ها و یادداشت های لحظه ای شما را همواره جلوی چشـمـتان نگه می دارند تا در موقع مناسب از آن ها استفاده کنید.

به علاوه، بیشـتر برنامه های یادداشت برداری ویندوز، قابلیت ذخیره آنلاین یادداشت ها را هم دارند و به این ترتیب در دستگاه های مختلف نیز می توانید به آن ها دسترسی داشته باشید.

۸. در صورت نیاز فایل های قدیمی را بایگانی کنید

برخی از کاربران عادت دارند یک پوشه با عنوان “بایگانی” یا “Archive” ایجاد کرده و تمام فایل های قدیمی خود را داخل آن بریزند. با اینکه بایگانی کردن فایل های قدیمی ایده خوبی است اما دقت داشته باشید که فایل های بایگانی شده هم باید به دقت سازماندهی شوند، چرا که جزو فایل های زائد نیستند و ممکن است روزی به آن ها نیاز داشته باشید. بنابراین باید به فکر پیدا کردنشان هم باشید.

از آنجا که فایل های بایگانی شده به ندرت مورد استفاده قرار می گیرند، می توانید یک درایو دیگر مخصوص را به آن ها اختصاص داده و یا حتی از هاردهای اکسترنال ارزان قیمت و کندتر برای ذخیره اینگونه فایل ها استفاده کنید.

چرا که سرعت دسترسی در مورد این فایل ها اهمیت چندانی ندارد. اما باز هم تکرار می کنیم که تمام موارد و نکات مدیریتی، در مورد فایل های بایگانی شده هم باید رعایت شود تا از سردرگمی های آتی جلوگیری شود.



سعی کنید از یک شیوه نامگذاری مناسب و ثابت برای پوشه ها و فایل ها استفاده کنید. در واقع، نامگذاری پوشه ها باید به گونه ای باشد که بدون نیاز به باز کردن آن ها بتوانید سریعاً به محتوای آن ها پی برده و دقیقاً بدانید برای پیدا کردن یک فایل باید وارد کدام پوشه بشوید.

۹. همواره طبق برنامه عمل کنید

سعی کنید تمام مواردی را که ذکر کردیم، از همان لحظه ای که یک فایل را ایجاد و یا آن را ذخیره می کنید، رعایت کنید. برخی اوقات کاربران به دلیل عجله کردن یا هر دلیل دیگری، فایل ها را با یک نام تصادفی و بر روی صفحه دسکتاپ ذخیره می کنند، به امید اینکه بعداً آن ها را مرتب خواهند کرد. اگر این عادت را در خود اصلاح نکنید، ناگهان با حجم زیادی از فایل های مبهم و نامشخص روبرو خواهید شد که هیچ ایده ای نسبت به محتوای آن ها ندارید.

بنابراین، در همان لحظه ای که قصد ذخیره کردن، دانلود یا ایجاد یک فایل جدید را دارید، کمی وقت گذاشته و یک نام مناسب و یک محل درست برای ذخیره آن تعیین کنید. با این کار رایانه شما همواره مرتب و منظم خواهد بود و می توانید کارهایتان را با سرعت و دقت بیشتری انجام دهید.



دقیقاً بدانید برای پیدا کردن یک فایل باید وارد کدام پوشه بشوید.

به یاد داشته باشید که در File Explorer ویندوز، به غیر از نام پوشه یا فایل، اطلاعات دیگری مانند تاریخ ایجاد و ویرایش، نوع فایل، سازنده فایل و ... هم نمایش داده می شوند. بنابراین، نیازی نیست به همه این ها در نام پوشه و فایل اشاره کنید.

مثلاً ذکر تاریخ در نام پوشه ضرورتی ندارد و خود ویندوز این اطلاعات را برای هر نوع فایل یا پوشه ای درج و ذخیره می کند.

برای نمایش این گونه اطلاعات در File Explorer، ابتدا با مراجعه به سربرگ View نوع نمایش محتوا را بر روی Details قرار داده و سپس با کلیک بر روی Add columns هر ستونی را که دوست دارید در صفحه نشان داده شود، مشخص کنید.

برخی نکات عمومی:

اگر ترتیب فایل ها یا پوشه های داخل یک پوشه، برایتان مهم است سعی کنید در ابتدای نام آن ها شماره گذاری کنید. هنگام شماره گذاری هم بهتر است از تعداد ارقام مناسب استفاده کنید. به عنوان مثال اگر تعداد فایل ها بیشتر از ۹۹۹ تا نخواهد بود، می توانید شماره گذاری را به صورت ۰۰۱، ۰۰۲ و ... انجام دهید.

به املای صحیح نام فایل ها و پوشه ها حتماً دقت کنید تا در آینده هنگام استفاده از ابزارهای جستجو به مشکل برخوردید. سعی کنید از عبارات مخفف استفاده نکنید. این نوع کلمات و عبارات ممکن است در ابتدا برایتان مفهوم و مشخص باشند، اما با گذشت زمان احتمالاً آن ها را فراموش خواهید کرد.

۴. دسترسی سریع تر به فایل ها و پوشه ها

درست است که با دسته بندی فایل ها و پوشه ها می توانید به سرعت آنچه را که می خواهید در رایانه خود پیدا کنید، اما همیشه لازم نیست این کار را به صورت دستی انجام دهید. موتور جستجوی داخلی ویندوز به شما این امکان را می دهد تا تنها با تایپ کردن نام یک فایل یا پوشه به سرعت به آن دسترسی پیدا کنید.

البته برنامه های شخص ثالث زیادی هم برای این منظور طراحی شده اند که امکانات بیشتر و پیشرفته تری هم دارند. به عنوان مثال می توان به برنامه Everything اشاره کرد که یکی از بهترین ها در این زمینه است.

۵. از فضاهای ابری غافل نشوید

اگر بر روی یک فایل ورد، اکسل یا هر نوع فایل دیگری با چند نفر به صورت مشترک کار می کنید، یا از طریق چند دستگاه مختلف مانند رایانه، لپ تاپ، گوشی یا تبلت به آن ها دسترسی دارید، در این صورت حتماً استفاده از فضاهای ابری را مدنظر داشته باشید.

در اینگونه موارد اگر از فضاهای ابری استفاده نکرده و بخواهید به صورت سنتی کارهایتان را پیش ببرید، مدام مجبور خواهید بود یک فایل را برای همکارانتان بفرستید یا از آن ها تحویل بگیرید، یا این فایل ها را از دستگاهی به دستگاه دیگر منتقل کنید.

فضای ابری:

در حال حاضر سرویس های ابری خوبی به صورت رایگان به ارائه خدمات می پردازند و تنها با ثبت نام در آن ها می توانید به چندین گیگابایت فضای دسترسی داشته باشید. سرویس هایی مانند OneDrive یا Google Drive حتی به File Explorer ویندوز هم اضافه می شوند و به این ترتیب تبادل بین رایانه و فضای ابری را بسیار ساده می کنند.

۶. فایل های تکراری را حذف کرده و از میانبر استفاده کنید

وجود فایل های تکراری در هارد دیسک رایانه نه تنها باعث اتلاف فضا می شود، بلکه می تواند دردرساز هم باشد. در واقع، وجود چند کپی مختلف از یک فایل می تواند شما را گمراه کند و در مواقع نیاز تشخیص ندهید که کدام فایل، کامل تر بوده و مناسب کارتان خواهد بود. فایل های تکراری ممکن است به صورت کاملاً تصادفی و ناخواسته ایجاد شده باشند و شما حتی از این موضوع خبر نداشته باشید. بهترین راه برای پیدا کردن اینگونه فایل ها، استفاده از برنامه هایی است که به طور ویژه برای این منظور طراحی شده اند.

به عنوان نمونه می توان به dupeGuru اشاره کرد که یک برنامه

با افزایش سرعت اینترنت و تولید انبوه محتوا، حجم دانلود کاربران هم نسبت به دهه های قبل به شکل قابل ملاحظه ای افزایش پیدا کرده است. این دسترسی گسترده به اطلاعات و فایل های مختلف با اینکه یک موهبت بزرگ به شمار می آید اما اگر نتوانیم به شکل دست آن ها را مدیریت کنیم ممکن است باعث سردرگمی و حتی ایجاد اضطراب و استرس شود.

حتماً برای شما هم پیش آمده که به دنبال یک فایل به خصوص در رایانه خود باشید اما از بین انبوه فایل ها و پوشه هایی که در طی سال ها و ماه ها ذخیره کرده اید، نتوانید آنچه را که می خواهید بیابید! تنه راه چاره به جلوگیری از این آشفتگی و سردرگمی، مدیریت صحیح و کارآمد فایل ها و پوشه ها در رایانه، گوشی هوشمند، هارد دیسک اکسترنال، یا هر ابزار ذخیره سازی دیگری است.

اگر دوست دارید یک رایانه تمیز و مرتب داشته باشید و هر زمان که به فایلی نیاز داشتید به سرعت بتوانید آن را پیدا کنید، در ادامه حتماً با دیجی رو همراه بوده و با مهم ترین نکاتی که لازم است رعایت کنید، آشنا شوید.

۱. از شر فایل های اضافی خلاص شوید!

اولین گامی که در راستای مدیریت فایل ها در رایانه خود باید انجام دهید، حذف آیتم های زائدی است که به مرور زمان در هارد دیسک کامپیوتر ذخیره کرده اید.

تمام پارتیشن های هارد رایانه را به دقت بررسی کرده و تمام فایل ها و پوشه های اضافی را حذف کنید. چرا که مدیریت اینگونه فایل ها هیچ ضرورتی ندارد و جز تلف کردن وقت هیچ ثمره دیگری نخواهد داشت.

۲. فایل ها را دسته بندی کنید

پوشه های اصلی ترین و بهترین روش سازماندهی و دسته بندی فایل ها در یک رایانه هستند. سیستم عامل ویندوز به صورت پیش فرض پوشه هایی مانند Documents یا Pictures را برای دسته بندی فایل ها در خود دارد، اما نیازی نیست به این پوشه ها محدود باشید. پس بهتر است دست به کار شده و تمام فایل های خود را بر اساس کارکرد و موارد استفاده شان، در پوشه های مختلف دسته بندی کنید.

برای ایجاد یک پوشه جدید کافیست در فضای خالی دسکتاپ، پارتیشن یا حتی یک پوشه دیگر، راست کلیک کرده و از منوی ظاهر شده، New و سپس Folder را انتخاب کنید.

حتی می توانید قبل از شروع به دسته بندی فایل ها، نمای کلی کار را روی کاغذ برای خود ترسیم کنید. به عنوان مثال به این سؤال فکر کنید: عکس ها را بر چه اساسی دسته بندی خواهید کرد؟ (مثلاً نوع وقایع، افراد داخل عکس، محل عکس برداری و یا مواردی از این



اولین گامی که در راستای مدیریت فایل ها در رایانه خود باید انجام دهید، حذف آیتم های زائدی است که به مرور زمان در هارد دیسک کامپیوتر ذخیره کرده اید. تمام پارتیشن های هارد رایانه را به دقت بررسی کرده و تمام فایل ها و پوشه های اضافی را حذف کنید. چرا که مدیریت اینگونه فایل ها هیچ ضرورتی ندارد و جز تلف کردن وقت هیچ ثمره دیگری نخواهد داشت.

۳. از یک شیوه نامگذاری ثابت استفاده کنید

سعی کنید از یک شیوه نامگذاری مناسب و ثابت برای پوشه ها و فایل ها استفاده کنید. در واقع، نامگذاری پوشه ها باید به گونه ای باشد که بدون نیاز به باز کردن آن ها بتوانید سریعاً به محتوای آن ها پی برده و

دهید. کارمندانی که در بطن کار تولید هستند یا با مشتری تعامل مستقیم دارند، می‌دانند انجام چه کاری بیش از حد طول می‌کشد، چه موادی گران هستند و چه مسائلی باعث بروز مشکل می‌شوند. بنابراین با آنها صحبت کنید تا از همه جزئیات شرکت‌تان اطلاع داشته باشید.

فرضیات را نقض کنید. خیلی از کارآفرینان بزرگ با نقض کردن فرضیات به ایده‌های بزرگ دست می‌یابند. مثلا این فرضیه قدیمی که برای دریافت پول، باید حتما وارد شعبه‌های بانک شویم و به متصدی باجه مراجعه کنیم، با ورود دستگاه‌های ATM نقض شد.

دونا کلی، استادیار کارآفرینی

دانشکده بایسون:

در برابر تغییرات ناگهانی

آماده باشید

کارآفرینان باید دو چیز را بدانند. اول اینکه اولین (یا دومین یا سومین) ایده آنها معمولاً فرصت اصلی کار آنها نیست. در حقیقت، ایده اولیه ممکن است از بین برود. بنابراین آنها باید بدانند چرا آن ایده از بین رفته و تلاش کنند مسیر را تغییر دهند. نکته دومی که کارآفرینان بزرگ باید بدانند این است که حتی اگر ایده اولیه آنها با مشکلاتی مواجه شد، هنوز هم فرصت خوبی در درون آن نهفته است. آنها باید با افراد مختلف صحبت کنند و آن را تغییر و پیشرفت دهند. در نهایت، ممکن است ایده آنها شکست بخورد؛ اتفاقی که برای بسیاری از کارآفرینان موفق رخ داده است. اما آنها از این شکست ناامید نشده‌اند و در موقعیت بهتری قرار گرفتند تا ایده‌های بعدی را بهتر شکل دهند.

سaras سازاسواتی، استاد

مدیریت کسب‌وکار دانشکده

کسب‌وکار دانشگاه ویرجینیا:

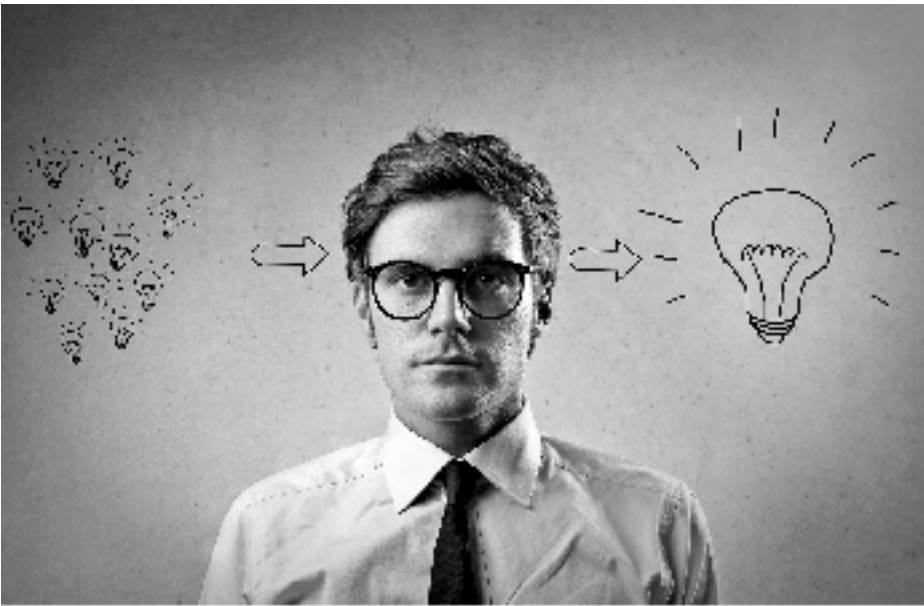
نمی‌توانید به مغزتان حمله کنید



من نمی‌دانم که ایده‌های بزرگ چگونه شکل می‌گیرند. فکر می‌کنم هیچ کس دیگری هم نداند. حتی نمی‌دانم ایده‌های خودم چطور شکل می‌گیرند. به نظر من، مغز انسان کار خودش را می‌کند و ایده‌ای را بیرون می‌دهد.

در حالی که منتظرید مغزتان کار خارق‌العاده‌ای انجام دهد، کار خودتان را انجام دهید. با افراد مختلف دیدار کنید، بحث و گفت‌وگو داشته باشید، الگوهای اولیه بسازید یا حداقل مشکلات دیگران را جمع‌آوری کنید.

هدف همه این کارها این است که عمل کردن، جنبه خلاقانه‌ای دارد که آن را از فکر کردن مجزا می‌کند. بنابراین، همیشه نیازی نیست، اول فکر کنید.



ایده‌های خیلی بزرگ چگونه به فکر و ذهن کارآفرینان می‌رسد

می‌بخشند. چنین افرادی وقتی در مورد امور جهان و چگونگی توسعه وضعیت موجود فکر می‌کنند، مرتب از خودشان می‌پرسند «چه می‌شد اگر...» نکته مهم دیگر این است که از سریع شکست خوردن نهراسید. از آنجایی که این روزها تحولات بازار بسیار سریع‌تر اتفاق می‌افتد، آزمایش کردن ایده‌ها بدون ترس از عواقب هولناک شکست، آسان‌تر شده است. در آخر، سعی کنید خیلی سریع تغییر موضع بدهید. بیشتر شرکت‌های موفق دنیا به نحوی فعالیت می‌کنند که با نحوه فعالیت آنها در روزهای شروع کارشان بسیار متفاوت است. یک کارآفرین موفق می‌داند چه

تولید پوشاک به نام بونوبوس. در آخر، با صرف تنها ۹ ماه زمان و ۱۵ هزار دلار سرمایه، توانستم بازخورد مناسب بازار را دریافت کنم. ویکتور هوانگ، از موسسین و مدیر عامل شرکت ۲T

به فضا‌های مرموز سرک بکشید

کارآفرینانی که می‌خواهند ذهن خود را به چالش بکشند، باید به دنبال مسائل غیرعادی باشند. بنابراین مسائل عجیب را ببینید و بشنوید. من از مشاهده اسناد مبهم و گوش دادن به یادکست‌های غیرعادی لذت می‌برم. یافتن ایده‌های جالبی که فقط نیازمند کمی تکاپوی بیشتر شما هستند، هیجان‌انگیز است. وارد فضا‌های عجیب و جالب شوید. من همیشه به مناطق دورافتاده حومه شهر، فروشگاه‌های بزرگ و انجمن‌های دانشگاهی می‌روم. وقتی بدون داشتن هدف خاصی در محیطی قدم می‌زنید، مسائل به شیوه تازه‌ای به چشم شما می‌آیند. همچنین با افراد عجیب گفت‌وگو کنید. شروع مکالمه با افرادی که با شما فرق دارند، کار بسیار تاثیرگذاری است. من هنوز مکالماتی را که سال‌ها پیش با افراد غریبه داشتم و تاثیر این مکالمات را به یاد می‌آورم.

کوین کولران، از شرکای سرمایه‌گذاری شرکت جنرال کاتالیست پارتنرز:

بزرگ فکر کنید

وقتی کل‌آفرینی یک ایده یا فرصت کسب‌وکار را انتخاب می‌کند، باید چندین فاکتور را مدنظر قرار دهد: اول اینکه باراه‌اندازی یک کسب‌وکار فرصت‌های زیادی برای پول درآوردن به وجود می‌آید که در کنار آن، کالاهای خدمات موجود هم رشد می‌کنند. اما هیجان واقعی وقتی به وجود می‌آید که تصمیم قطعی می‌گیرید یک ایده بزرگ را که کمی هم جنون‌آمیز به نظر می‌رسد، دنبال کنید. مساله بعدی این است که باید دنیا را به مکانی ایده‌آل تبدیل کنید. بهترین کارآفرینان افرادی هستند که با کسب‌وکار خود، زندگی بسیاری از مردم دنیا را تسهیل می‌کنند و بهبود

بگذارید ناخودآگاه شما کارها را انجام دهد

وقتی ذهن شما از وظایف تکراری و خسته‌کننده پر شده، می‌تواند ناخودآگاه شما را به لحظه کشف ایده جدید سوق دهد. این اتفاق برای من رخ داد. مدل کسب‌وکار شرکت کلیرفیت که به شرکت‌ها روش‌های ساده‌ای برای جذب نیرو و پیش‌بینی تناسب شغلی ارائه می‌کند، در حالی به ذهن من خطور کرد که با سرعت ۱۲۰ کیلومتر در ساعت در حال رانندگی بودم و اصلاً به کار فکر نمی‌کردم. ضمیر ناخودآگاه در نهانگاه ما عمل می‌کند و به صورت نامحسوس بر نتیجه بسیاری از تفکرات ما اثر می‌گذارد. بنابراین، در اوج درگیری‌های شغلی لحظه‌ای به خودتان استراحت بدهید و از هوای تازه استفاده کنید، چون در این صورت ذهن شما بهتر می‌تواند مشکلات را حل کند و راه‌حلهایی به ذهن شما می‌رسد که قبلاً به آنها فکر نکرده بودید.

برایان اسپالی، موسس و مدیر عامل شرکت ترانک کلاب:

به مشکلات عملی خود بپردازید

هر زمان از خدمات یک شرکت یا تجربه خود به عنوان مشتری ناراضی هستید، یا احتیاج به محصولی دارید که هیچ شرکتی آن را ارائه نمی‌کند و در هیچ کجا نمی‌توانید آن را بیابید، این نکات را یادداشت کنید. بعد از خودتان بپرسید، آیا خودم می‌توانم این مشکل را حل کنم؟ چقدر وقت و سرمایه نیاز دارم تا ایده خودم را آزمایش کنم؟ همان‌طور که اندی راشلف، استاد دانشمندی در دانشگاه استنفورد را تشویق کرد «مطمئن شوید می‌توانید سریع و ارزان شکست بخورید.» زمانی که در دانشکده کسب‌وکار بودم، ایده‌های بزرگ زیادی داشتم. یکی از آنها تاسیس یک شرکت داخلی خدمات هوایی بود که میلیون‌ها دلار سرمایه و چند سال زمان نیاز داشت. من تصمیم گرفتم فرصت دیگری را دنبال کنم که کم‌هزینه‌تر باشد و زودتر نتیجه بدهد؛ یعنی شرکت

داشتن ایده‌های بزرگ کارآفرینی نیازمند یک فرمول جادویی نیست اما این به این معنی نیست که هیچ فرمولی برای آن وجود ندارد. در قلب هر کسب‌وکار موفق یک ایده بزرگ وجود دارد. برخی از آنها به قدری ساده هستند که تعجب می‌کنیم چرا قبلاً به فکر کسی نرسیده است. برخی از آنها هم به قدری تحول‌گرا هستند که تعجب می‌کنیم چگونه به فکر کسی رسیده است.

اما این ایده‌های بزرگ یک حکم ثابت را اجرا نمی‌کنند و باعث می‌شوند بسیاری از کارآفرینان بالقوه این سوال رایج را از خود بپرسند: این ایده چگونه به ذهن کسی رسیده و ما چطور می‌توانیم همین ایده‌های جادویی را پیاده کنیم؟

برای پاسخ به اینگونه سوالات، سراغ کارشناسان مختلف رفته‌ایم و نظرات مختلف آنها را در این مورد جمع‌آوری کردیم. این کارشناسان شامل مشاوران، سرمایه‌گذاران و اساتید حوزه کسب‌وکار هستند که داستان‌های موفقیت بی‌شماری را شنیده‌اند یا داستان‌های موفقیت خود را ثبت کرده‌اند. آنها از هر منبعی، از معماهای روزانه گرفته تا احساسات موثر و ذهن ناخودآگاه خود الهام گرفته‌اند.

دیوید کوهن، موسس و مدیر عامل

شرکت تک‌استارز:

مسائلی که شما را ناراحت می‌کند جدی بگیرید

ایده اولیه راه‌اندازی یک کسب‌وکار معمولاً با مشکلی شروع می‌شود که باید آن را حل کرد. این ایده‌ها در زمانه‌ای که در جای مطلوبی نشسته‌اید و قهوه می‌نوشید و در مورد زندگی تفکر می‌کنید ظهور نمی‌کنند، بلکه خودشان را زمانی نشان خواهند داد که به سختی در حال کار کردن روی مساله خاصی هستید.

به عنوان مثال، ایده تشکیل یکی از شرکت‌هایم به نام ایرفیدر، زمانی شکل گرفت که به اخباری در مورد موسیقی مورد علاقه‌ام نیاز داشتم و نمی‌توانستم این اخبار را پیدا کنم.

بنابراین در این شرکت سرویسی را ایجاد کردم که موسیقی‌های موجود در کامپیوتر شما را چک می‌کند و سپس اخبار مربوط به آن را از طریق اینترنت در اختیار شما قرار می‌دهد.



ویوک وازوا، معاون انجمن علمی و نوآوری دانشگاه سینگولاریتی:

هیچ‌گاه برای کارآفرینی دیر نیست

دانش‌تانه‌های موفقیت‌مک زوکربرگ در فیس‌بوک، پائول آلن و بیل گیتس در مایکروسافت، استیو ووزنیاک و استیو جابز در اپل، باعث می‌شوند برخی افراد فکر کنند که داشتن ایده‌های بزرگ فقط مختص افراد جوان است. اما کارآفرینان عرصه تکنولوژی که به سرعت به شهرت و ثروت رسیدند، در ابتدا خارج از این حوزه بوده‌اند. یک کارآفرین به‌طور معمول فردی میانسال و حرفه‌ای است که نیازهای بازار را می‌داند و شرکتی را با پس‌انداز خودش تاسیس می‌کند. تحقیقی که تیم شرکت من در سال ۲۰۰۹ انجام داد، مشخص

بن‌الدوین، از موسسین و مدیر عامل شرکت کلیرفیت:

لوی که در خارج از هنگ کنگ و چین چندان شناخته شده نیست، با تاکید بر ارزش‌ها، معتقد است که پیشرفت‌های تکنولوژی باعث شده برخی ارزش‌ها از بین بروند، بنابراین او می‌خواهد اصول ساده و بنیادی‌را به جامعه خود یادآوری کند؛ اینکه چگونه افراد با هم نجنگند، چگونه دست افتاده‌ها را بگیرند و به دنیا کمک کنند.

«من نمی‌خواهم فقط حرف زده باشم، بلکه کاری را که واقعا لازم است، انجام می‌دهم.»

کسب‌وکار سرگرمی شد که مراکز تفریحی و خرید و نمایشگاه‌را در کلاس جهانی در برمی‌گیرد.

به این ترتیب امپراتوری لوی به تدریج بزرگ‌تر شد و امروز شرکت‌های تابعه آن عبارتند از: هلدینگ بین‌المللی کی. وا، گروه سرگرمی گلکسی، شرکت بین‌المللی هتل‌های استنفورد، و شرکت مواد ساختمانی کی. وا. امروز، مجموعه کی. وا به یک شرکت چند ملیتی توسعه یافته که حوزه‌های املاک، سرگرمی، ساخت‌وساز و هتلداری را در برمی‌گیرد و حدود ۲۰۰ شرکت تابعه با بیش از ۳۳ هزار نیروی کار در هنگ‌کنگ، چین، ماکائو، آمریکای شمالی و جنوب شرق آسیا دارد.

خودش مرتب می‌گوید: «خوش‌شانس بودم» و فرصت‌هایی که شناسایی می‌کردم، به نتیجه می‌رسید.

لوی می‌گوید حدود ۶۰ سال پیش، زمانی که وارد بازار کار شد تا برای گذران زندگی پول در بیاورد، با این واقعیت روبه‌رو شد که «فرصت تحصیل به‌دلیل کمبود امکانات، نبود مدرسه کافی و نبود همه چیز، برای عده بسیار کمی وجود دارد.» بنابراین، وقتی پولدار شد، کمک کرد در چین مدارس بیشتری تأسیس شود؛ آنقدر که دیگر تعداد آنها از دستش خارج شده است. سپس، تأسیس دانشگاه‌را در کارهای خیریه خود گنجانده و به جیانگمن، شهری که در ۴ سالگی آن‌را ترک کرده بود برگشت تا یک دانشگاه محلی در آنجا تأسیس کند. لوی می‌گوید: «هر وقت و هر جا که فکر می‌کنم نیاز باشد و درست باشد، درگیر کارهای انسان‌دوستانه می‌شوم و ثروتم‌را می‌بخشم.»

لوی که در خارج از هنگ کنگ و چین چندان شناخته شده نیست، با تاکید بر ارزش‌ها، معتقد است که پیشرفت‌های تکنولوژی باعث شده برخی ارزش‌ها از بین بروند، بنابراین او می‌خواهد اصول ساده و بنیادی‌را به جامعه خود یادآوری کند؛ اینکه چگونه افراد با هم نجنگند، چگونه دست افتاده‌ها را بگیرند و به دنیا کمک کنند. «من نمی‌خواهم فقط حرف زده باشم، بلکه، کاری‌را که واقعا لازم است، انجام می‌دهم.»

جملات، حتی تا امروز در قلب من حک شده‌اند.»

لوی چه وو در کلاس ششم، مجبور شد مدرسه‌را ترک کند. وقتی نوجوان بود، زندگی خودرا با فروختن بادام‌زمینی به مردمی که صف بسته بودند تا از آشوب هنگ‌کنگ فرار کنند، می‌گذراند. در طول ۴۴ ماه اشغال ژاپن، او با این کار، گرسنه نماند و حتی توانست اندکی پول پس‌انداز کند.

وقتی جنگ تمام شد، لوی با عمویش به یک شرکت تجارت لوازم یدکسی خودرورفت و به‌عنوان انباردار مشغول به‌کار شد. در زمانی که شهر هنگ‌کنگ برای مسطح‌سازی و احیای اراضی هنوز به نیروی کار

لوی چه وو در کلاس ششم، مجبور شد مدرسه‌را ترک کند. وقتی نوجوان بود، زندگی خودرا با فروختن بادام‌زمینی به مردمی که صف بسته بودند تا از آشوب هنگ‌کنگ فرار کنند، می‌گذراند. در طول ۴۴ ماه اشغال ژاپن، او با این کار، گرسنه نماند و حتی توانست اندکی پول پس‌انداز کند.

وقتی جنگ تمام شد، لوی با عمویش به یک شرکت تجارت لوازم یدکی خودرورفت و به‌عنوان انباردار مشغول به‌کار شد. در زمانی که شهر هنگ‌کنگ برای مسطح‌سازی و احیای اراضی هنوز به نیروی کار یدی متکی بود، او بلدوزرهایی خرید که به درآمدزایی‌اش کمک کرد.

یدی متکی بود، او بلدوزرهایی خرید که به درآمدزایی‌اش کمک کرد. چند سال بعد، در دهه ۵۰ میلادی و وقتی حدود ۲۰ سال داشت، اولین شرکت مجموعه کی. وا (k. Wah) را در هنگ‌کنگ تأسیس کرد. در دهه ۶۰، سرمایه‌گذاری در بخش املاک‌را شروع کرد. در دهه ۸۰ توجهش به توسعه هتلداری معطوف شد. در اوایل دهه ۹۰ کسب‌وکارش‌را به داخل چین گسترش داد. در سال ۲۰۰۲ وارد



لوی چه وو ، Lui Che Wooمیلیاردر، سرمایه‌گذار و خیر اهل هنگ‌کنگ است. او در اوت ۱۹۲۹ متولد شده و موسس و رئیس شرکت سرگرمی گلکسی و هلدینگ املاک وا اینترنشنال است. ثروت لوی چه وو در سال ۲۰۲۰ از سوی مجله فوربس ۱۱/۷ میلیارد دلار ارزیابی شده و در لیست ثروتمندهای امسال این مجله، اورتبه ۱۰۶ را به‌خود اختصاص داده است.

او در گفت‌وگویش با مجله فورچون گفته بود یکی از درس‌هایی که هنگام بزرگ شدن در هنگ‌کنگ تحت اشغال ژاپن یاد گرفته، اهمیت دادن به مدنیت، انرژي مثبت و آموزش اخلاقی است. لوی چه وو تاریک‌ترین روزهای هنگ‌کنگ‌را به یاد می‌آورد. برای میلیاردر خودساخته‌ای که میلیون‌ها دلار برای پیشرفت جامعه‌اش خرج کرده، آن روزها اوج اتفاق‌های غیرمتمدن بود. او در جنگ جهانی دوم، کودک بود و صحنه‌هایی‌را از تجمع اجساد کشته شده‌ها در خیابان‌ها به یاد می‌آورد. وقتی جوان بود، به چشم دیده بود که مردم عادی از شدت گرسنگی می‌میرند. «بیشتر سختی‌هایی که مردم در آن دوران می‌کشیدندرا به چشم دیدم و همه آنها‌را به یاد دارم.» از همان زمان، توانمندسازی اقتصادی برای او معنا پیدا کرد. «بدرفتاری ژاپنی‌ها با چینی‌ها» به‌طور خاص اورا به تعجب می‌انداخت. «آنها می‌گفتند، شما چینی‌ها فقیر و بی‌سوادید. این

کوکاکولا در چه کشورهایی فروخته نمی‌شود؟

کوکاکولا یکی از محبوب‌ترین نوشیدنی‌های سراسر دنیاست. این نوشیدنی سابقه‌ای طولانی دارد، اما به دلایلی در ۲ کشور جهان به فروش نمی‌رسد. کوکاکولا از سودآورترین شرکت‌های جهان است.

کوکاکولا همچنان یکی از شناخته‌شده‌ترین و پرفروش‌ترین نوشیدنی‌های جهان است و با وجود تغییر ذائقه مردم و افزایش گرایش به نوشیدنی‌های سالم‌تر، هنوز جایگاه قدرتمند خودرا در بازار جهانی حفظ کرده است.

این برند آمریکایی که فعالیت خودرا از سال ۱۸۸۶ آغاز کرد، امروز در بیش از ۲۰۰ کشور حضور دارد و میلیارد‌ها بطری و قوطی نوشیدنی در سال به فروش می‌رساند. با این حال، هنوز هم چند کشور در جهان وجود دارند که کوکاکولا به‌صورت رسمی در آنها عرضه نمی‌شود یا حضور بسیار محدودی دارد؛ از جمله کره‌شمالی و تا حد زیادی کوبا.

کوکاکولا نخستین بار توسط داروسازی به نام جان اس. پمبرتون در آتلانتا تولید شد. این نوشیدنی در ابتدا به‌عنوان یک داروی تقویتی و درمانی فروخته می‌شد و بعدها با خرید امتیاز آن توسط آسا کندلر، شرکت کوکاکولا شکل گرفت. این برند در طول دهه‌ها با توسعه نوشیدنی‌هایی مانند اسپرایت، فانتا، فیوزتی و کوک زبرو به یکی از غول‌های صنعت نوشیدنی جهان تبدیل شد.

در دهه‌های اخیر، کوکاکولا علاوه بر رقابت سنتی با پپسی، با چالش‌های جدیدی نیز روبه‌رو شده است؛ از جمله افزایش نگرانی‌ها درباره مصرف قند، چاقی و بیماری‌های مرتبط با نوشابه‌های گازدار.

به همین دلیل این شرکت سرمایه‌گذاری گسترده‌ای روی نوشیدنی‌های بدون شکر، آب‌های طعم‌دار، نوشیدنی‌های انرژی‌زا و محصولات سلامت‌محور انجام داده است با وجود کاهش مصرف نوشابه در برخی کشورها، کوکاکولا همچنان یکی از باارزش‌ترین برندهای جهان محسوب می‌شود. این شرکت سالانه ده‌ها میلیارد دلار درآمد دارد و تبلیغات گسترده، حمایت مالی از رویدادهای بزرگ ورزشی مانند المپیک و جام جهانی فوتبال و حضور قدرتمند در فضای دیجیتال، نقش مهمی در حفظ محبوبیت آن داشته‌اند.

کره‌شمالی هنوز یکی از معدود کشورهای است که کوکاکولا به‌طور رسمی در آن فروخته نمی‌شود.

تحریم‌های اقتصادی آمریکا و محدودیت‌های شدید تجاری میان دو کشور، مانع ورود رسمی محصولات آمریکایی به این کشور شده‌اند.

با این حال، گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد برخی محصولات کوکاکولا به‌صورت غیررسمی و وارداتی در بازارهای محدود این کشور دیده می‌شوند.

در مورد کوبا نیز شرایط نسبت به گذشته تا حدودی تغییر کرده است. اگرچه تحریم‌های آمریکا همچنان برقرارند، اما در سال‌های اخیر برخی گردشگران و فروشگاه‌های خاص توانسته‌اند محصولات کوکاکولا را به‌صورت محدود وارد کنند. با

این حال، این نوشابه هنوز حضور گسترده و رسمی مانند بسیاری از کشورهای دیگر در بازار کوبا ندارد. کوکاکولا طی دهه‌های گذشته در کشورهای مختلفی با محدودیت یا ممنوعیت روبه‌رو بوده است.

برای مثال، این برند پس از سال‌ها غیبت دوباره به بازار چین، ویتنام و میانمار بازگشت و اکنون آسیا یکی از مهم‌ترین بازارهای این شرکت به شمار می‌رود. چین امروز یکی از بزرگ‌ترین بازارهای مصرف کوکاکولا در

جهان است و این شرکت سرمایه‌گذاری سنگینی در منطقه آسیا انجام داده است.

کارشناسان معتقدند آینده صنعت نوشابه بیش از هر زمان دیگری به نوآوری، محصولات سالم‌تر و استراتژی‌های دیجیتال وابسته خواهد بود. به همین دلیل کوکاکولا تلاش می‌کند خود را از یک شرکت تولید نوشابه‌گازدار، به مجموعه‌ای بزرگ در حوزه نوشیدنی و سبک زندگی تبدیل کند.

با وجود تمام انتقاده‌ها درباره نوشابه‌های گازدار و تغییر سلیقه نسل جدید، کوکاکولا همچنان نمادی جهانی از فرهنگ مصرف، تبلیغات مدرن و قدرت برندینگ به شمار می‌رود. این شرکت توانسته طی بیش از یک قرن، خودرا با تغییرات اقتصادی، سیاسی و حتی بحران‌های جهانی هماهنگ کند و همچنان در صدر بازار باقی بماند.

امروز کوکاکولا تنها یک نوشیدنی نیست؛ بلکه بخشی از فرهنگ عامه جهان محسوب می‌شود. از فیلم‌ها و مسابقات ورزشی گرفته تا شبکه‌های اجتماعی و کمپین‌های تبلیغاتی، این برند همچنان حضوری پررنگ در زندگی روزمره مردم دارد و به نظر می‌رسد داستان موفقیت آن هنوز به پایان نرسیده است.



استراتژی‌هایی برای کمک به همکارانی که استرس دارند



استرس زمانی رخ می‌دهد که تقاضاهای فرار داده شده بر دوش فرد از توان او فراتر باشد. در حالی که مقدار معینی از فشار، بخشی از زندگی روزانه است و می‌تواند در واقع به افراد در عملکرد بهتر کمک کند، اما فشار بیش از حد می‌تواند باعث ایجاد استرس شود. حتی اگر سازمان شما از یک خط‌مشی راجع به سلامت روان و یک مدیر یا تیم منابع انسانی فعال برخوردار باشد، احتمال زیادی وجود دارد که تغییر در رفتار یک دوست یا همکار مشاهده شود که می‌تواند نشان‌دهنده استرس باشد. حتی زمانی که می‌دانید یک نفر از استرس رنج می‌برد، باز کردن موضوع می‌تواند دشوار باشد. ممکن است از اینکه شاید او را اذیت کرده باشید، یا باعث شده باشید که طرف دیگر عصبانی یا احساسی شود، واهمه داشته باشید و فکر کنید اوضاع بدتر شود. اما پیشنهاد کمک شما می‌تواند اولین گام ضروری باشد. ما در این قسمت، پنج راه را بررسی می‌کنیم که شما می‌توانید از آن طریق حمایت عملی و عاطفی را به همکارانی که از استرس رنج می‌برد، پیشنهاد دهید.

۱- یک رابطه ایجاد کنید. اگر حدس می‌زنید یک نفر در حال تجربه استرس است، در یک فضای آرام حال او را بررسی کنید. اگر او اغلب عصبانی یا ناراحت است، نزدیک شدن به او برای اولین بار کمی جرأت می‌خواهد، بنابراین احتیاط کنید. با او به صورت خصوصی گفت‌وگو کنید، و بازآکت و حساس باشید. مکالمه را با یک پرسش خنثی آغاز کنید که او را تشویق به صحبت کند. برای مثال، «من متوجه شده‌ام که اخیراً خودت نیستی، حالت خوبه؟ می‌تونم کمک کنم؟» ممکن است او نخواهد صحبت کند که در آن صورت شما باید به حریم خصوصی او احترام بگذارید. با این حال، می‌توانید همچنان به او پیگیری که هر وقت بخواهد، می‌تواند در این مورد صحبت کند، اگر او استقبال کرد، از هوش هیجانی خود استفاده کنید و با همدلی و بدون قضاوت به پاسخ او گوش فراد دهید.

۲- ریشه مسأله را شناسایی کنید. استرس می‌تواند از چیزهای مختلفی بوجود آید و ممکن است در وقتهای زمانی منظم (مثلاً هنگام آماده کردن گزارش‌های ماهانه، یا پرداخت وام رهن)، یا مداوم (مثل یک رابطه دشوار در سر کار یا در خانه) پدیدار شود و تا یک موردی باشد (مواجهه با یک ضایعه یا یک فقدان شخصی). حمایتی که شما می‌توانید از دوست یا همکار خود داشته باشید، به نوع مسأله بستگی خواهد داشت. بنابراین تلاش کنید با طرح پرسش‌های بازی که او را تشویق به گفت‌وگو در مورد احساسات و علل آنها می‌کند، ریشه مسأله را شناسایی کنید. در یک محیط کاری، مسأله معمولاً از یکی از سه منبع زیر نشأت می‌گیرد: بار کاری؛ او به سادگی باید

کاری بیشتر از توان خود انجام دهد. شایستگی: او احساس می‌کند که از مهارت‌های لازم برای انجام موفق وظیفه خود برخوردار نیست. روابط: او احساس می‌کند که یک همکار دیگر رفتار پر خاشاکانه، غیرسودمند یا خصمانه دارد.

۳- راه‌های موثرتر پیشنهاد دهید. اگر ریشه استرس همکار شما در یکی از سه منبع بالا نهفته است، از این راه‌ها برای ارائه برخی راه‌حل‌های موثر استفاده کنید:

بار کاری. افراد دارای حجم‌های کاری چالش‌آفرین اغلب در تقلا هستند، زیرا نمی‌توانند پایان کاری را که باید انجام دهند، ببینند. همچنین، استرس می‌تواند باعث شود افراد نامنظم‌تر و سردرگم شوند و کل این چرخه بار دیگر آغاز شود. کار را با کمک به همکار خود جهت سازماندهی امور آغاز کنید. ابتدا، با او بشینید و فهرستی از کارهایی که باید انجام شوند را آماده کنید. سپس یک عدد را به هر وظیفه بر اساس اولویت آن اختصاص دهید. اگر او هر گونه وظیفه بزرگ و زمانبری دارد که آن را طاقت‌فرسا می‌داند، تلاش کنید که آن وظیفه را به قطعات قابل مدیریت تفکیک کنید. این امر دستیابی به «پروژه‌های سریع» را برای او آسان‌تر می‌سازد. اگر هر گونه وظیفه کم‌اولویتی در این فهرست وجود دارد، می‌توانید - اگر ظرفیت دارید - پیشنهاد کمک دهید یا واگذاری کار به یک نفر دیگر در تیم را پیشنهاد کنید. شایستگی. زمانی که یک فرد احساس می‌کند کار از توان او خارج است، احساس ضعف و دلسردی خواهد داشت، حتی اگر واقعیت نداشته باشد. به

درک شما و مشتری چقدر با یکدیگر همخوانی دارد؟



نمی‌کنند. به همین خاطر، برای اینکه شرکت‌ها نتیجه‌گیری مناسبی داشته باشند، باید برای جمع‌آوری اطلاعات از منابع هوشمندانه‌تری استفاده کنند. آنها باید به سوابق‌ها و مراکز جمع‌آوری داده‌ها مراجعه کنند که در آنها اطلاعات مربوط به هزاران و حتی میلیون‌ها مشتری گردآوری می‌شود، از جمله شبکه‌های اجتماعی نظیر Trip Advisor که افراد در آنها بدون اینکه تحت فشار نظرسنجی قرار گرفته باشند، در مورد کالاها یا خدمات قضاوت می‌کنند. یکی دیگر از گزینه‌ها، کمک گرفتن از شبکه پخش محصول و نظرسنجی از این افراد است،

پس از اینکه شرکت بستنی‌سازی اطلاعات مورد نیاز را برای ترسیم نقشه ادراکی مورد نظر جمع‌آوری کرد، خانم گراتن بار دیگر به دیدن مدیران شرکت رفت، او برای این جلسه یک مثال دیگر را برای مخاطبان خود تهیه کرده بود. خانم گراتن می‌دانست چند نفر از مدیران حاضر در جلسه جوان هستند، به همین دلیل او از آنها دربارهٔ «ماء‌الشعیر هاینکن (Heineken)» پرسید: «ماء‌الشعیر هاینکن، خود را به عنوان یک برند جوان‌پسند معرفی می‌کند. به نظر شما به عنوان یک مصرف‌کننده، چقدر این مسأله صحیح است؟» مدیر فروش داخلی شرکت که حدوداً ۳۰ ساله بود پاسخ داد: «خیلی منطقی به نظر نمی‌رسد. چون برند هاینکن را به سختی می‌توان در رستوران‌ها یا کافه‌ها و خلاصه جاهایی که جوان‌ترها بیشتر دور هم جمع می‌شوند، پیدا

کرد. هاینکن را اغلب می‌توانید در سوپرمارکت‌ها پیدا کنید و برای مصرف در خانه بخرید. اما اکثر جوان‌ها برای دور هم جمع شدن، بیرون‌ها به خانه ترجیح می‌دهند.» خانم گراتن با تأیید نکته مورد نظر مدیر جوان پاسخ داد: «دقیقاً همین‌طور است، در همین مثال متوجه شدیم، لزوماً «درک» مدیران شرکت و طراحان محصول ممکن است با «درک» مشتریان همخوانی نداشته باشد.

اما آنچه در فروش اهمیت دارد، «درک» مشتری است.» وی ادامه داد: «اما اگر یک شرکت بتواند مخاطبان برند خود را به درستی بشناسد، می‌تواند برنامه‌های فروش خود را بر اساس نیاز آنها طراحی کند. به عنوان مثال، هاینکن چون می‌خواهد یک برند جوان‌پسند باشد، باید به جای توزیع بس‌بیار قوی در سوپرمارکت‌ها، به تأمین نوشیدنی در مراکزی که جوانان اغلب در آنها جمع می‌شوند، بپردازد.»

یکی از ابزارهای بازاریابی برای عمیق‌تر کردن شناخت از مشتری و نیازهایش ترسیم نقشه ادراکی برند هاست که در مطلب قبلی، خانم گراتن آن را برای یکی از مشتریانیش در صنعت بستنی‌سازی معرفی کرد. این نقشه همان‌طور که دیدیم، عموماً یک نمودار دوبعدی است که مشخص می‌کند «درک» مشتریان از شاخص‌های مختلف برندهای مختلف چگونه است. نقشه‌های ادراکی می‌توانند چند بعدی نیز ترسیم شوند، که البته پیچیدگی را برای درک سریع موضوع افزایش می‌دهند. خانم گراتن در جلسه قبلی از مدیران شرکت بستنی‌سازی خواست تا به جمع‌آوری اطلاعات برای ترسیم این نقشه بپردازند.

در طول هفته و در تماس‌هایی که او با مدیر ارتباطات شرکت داشت، توصیه‌هایی در خصوص جمع‌آوری اطلاعات به وی کرد. او توضیح می‌دهد: «تجربه من نشان می‌دهد، در بسیاری از مواقع مشتریان نمی‌توانند برای کالای مورد نظر سنجی ارزش گذاری کنند. به عبارتی وقتی از آنها پرسید، شما برای این بستنی‌بندی حاضرید تا چه مقدار پول دهید، ممکن است پاسخ‌هایی غیرمنطقی دریافت کنید. در بسیاری از موارد، تجربه نشان می‌دهد، مصرف‌کنندگان یک چیز می‌گویند، اما در واقعیت به آن عمل

او وظایف مشابهی را یادآوری کنید که در گذشته آنها را به خوبی انجام داده است، یا از حوزه‌های دیگری صحبت کنید که در آنها برتر بوده یا به اعضای دیگر نیم کمک کرده است. اگر یک شکاف مهارتی واقعی وجود دارد، به او پیشنهاد دهید که با مدیر خود در مورد مهارت‌آموزی یا مربی‌گری صحبت کند.

روابط. روابط دشوار اغلب باعث بروز استرس می‌شوند. اکثر ما در مورد فردی فکر می‌کنیم که خون ما را به جوش می‌آورد؛ خواه آن فرد یک مدیر قلدر، یک لری‌باز جوع بد، یا یک همکار متلک‌گو باشد. به دقت به چیزی که همکاران در حال تجربه آن است گفت‌وگو کنید. جالب‌گویی را نگیرید، زیرا این کار می‌تواند به آتش‌نشی بیفزاید. اما ببینید که آیا می‌توانید رفتار طرف دیگر را، به خصوص اگر فکر می‌کنید که او دچار سوءتفاهم شده است، مجدداً تنظیم کنید.

در برخی موارد، همکار شما ممکن است اعتماد به نفس کافی برای گفت‌وگو در مورد مسأله خود با مدیر یا امور منابع انسانی را نداشته باشد. اگر اینطور است، می‌توانید پیشنهاد دهید که با او همراه شوید، یا از جانب او صحبت کنید. اما اگر این کار را انجام می‌دهید، همیشه از قبل رضایت او را دریافت کنید، در غیر این صورت ممکن است او کار شما را سوءاستفاده از اعتماد تلقی کند و با عصبانیت واکنش نشان دهد.

۴- پیشنهاد دوستی بدهید. همیشه نمی‌توانید مسأله دیگران را بر دوش بکشید و تلاش برای انجام این کار ممکن است حتی با ایجاد استرس در خود شما به اتمام برسد. اما همچنان می‌توانید مهربان و حامی باشید. گاهی‌گاه همکار خود را به قهوه دعوت کنید و اطمینان بپایید که او می‌داند شما همیشه به عنوان یک مشاور خوب در دسترس هستید. اگر مسأله شدید و مداوم است، او را در جریان شبکه‌های حمایتی خارجی، خبری‌ها یا خط‌های مشاوره قرار دهید. نکته‌ای که در اینجا وجود دارد، این است که اقدامات ساده‌ای همچون بیرون رفتن برای پیاده‌روی و صحبت در مورد موضوعات مختلف می‌تواند به استحکام یک دوستی کمک کند، و احتمالاً بحث‌راجع به مسأله را برای او آسان‌تر خواهد ساخت.

۵- بیش از حد درگیر نشوید. حمایت شما احتمالاً بار استرسی که دوست شما احساس می‌کند کاهش می‌دهد، اما به خاطر داشته باشید که ذخایر زمانی، ظرفیت و حتی بردباری شما نیز تمام‌شدنی است. تنها چیزی که زیاد است توانایی شما برای شنیدن، تفکر، و مشاوره بدون احساس بار اضافه ناشی از این کارها است. ممکن است دریابید که این کار نهایتاً شما را تضعیف می‌کند. اگر مراقب نباشید، این کار ممکن است حتی بین شما و همکاران شکاف ایجاد کند. شما خواهان بهترین نتیجه ممکن برای همکار خود هستید، اما این نباید با از دست رفتن رفاه شما حاصل شود. تحقیقات نشان می‌دهند که استرس می‌تواند از یک «اثر موجی شکل» بر افرادی که نزدیک هر درخت پرنده هستند، برخوردار باشد.

کرد. هاینکن را اغلب می‌توانید در سوپرمارکت‌ها پیدا کنید و برای مصرف در خانه بخرید. اما اکثر جوان‌ها برای دور هم جمع شدن، بیرون‌ها به خانه ترجیح می‌دهند.» خانم گراتن با تأیید نکته مورد نظر مدیر جوان پاسخ داد: «دقیقاً همین‌طور است، در همین مثال متوجه شدیم، لزوماً «درک» مدیران شرکت و طراحان محصول ممکن است با «درک» مشتریان همخوانی نداشته باشد.

اما آنچه در فروش اهمیت دارد، «درک» مشتری است.» وی ادامه داد: «اما اگر یک شرکت بتواند مخاطبان برند خود را به درستی بشناسد، می‌تواند برنامه‌های فروش خود را بر اساس نیاز آنها طراحی کند. به عنوان مثال، هاینکن چون می‌خواهد یک برند جوان‌پسند باشد، باید به جای توزیع بس‌بیار قوی در سوپرمارکت‌ها، به تأمین نوشیدنی در مراکزی که جوانان اغلب در آنها جمع می‌شوند، بپردازد.»

یکی از ابزارهایی که به شرکت‌ها برای دریافت نیاز و شناخت مشتریان کمک می‌کند، شبکه‌های اجتماعی هستند. در مطلب قبلی اشاره کردیم که برای بازاریابی بهتر در شبکه‌های اجتماعی باید مخاطبان خود را به دسته‌های مختلفی تقسیم کنید و از طریق کانال‌هایی که هر کدام از این دسته‌ها بیشتر از همه استفاده می‌کنند، آنها را مخاطب قرار دهید. به اعتقاد خانم گراتن، نااهم‌انگاری در نوع بازاریابی یا بی‌دقتی به نیاز مخاطبی که هاینکن قصد دارد آن را بازار هدف خود قرار دهد، باعث شده این دسته از مشتریان اصلاً برداشتی که برند قصد آن را دارد، نداشته باشند.

وی سپس با اشاره به «دستور تهیه بستنی جدید» به مدیرعامل شرکت اضافه کرد: «درست است که از نظر شما بستنی جدید طعمی نوآورانه دارد و دستور تهیه آن کاملاً منحصر به فرد است، اما اگر نتوانید این پیام را به درستی به مخاطبانانتان مخابره کنید، نمی‌توانید قیمتی را که آنها برای محصول باید بپردازند توجیه کنید. در این صورت با استقبال مناسب از سوی بازار روبه‌رو نخواهید شد.» وی در انتهای جلسه نکات مربوط به نقشه درک مشتریان را اینگونه خلاصه می‌کند: «مشتریان بالقوه خود را دست‌بندی کنید.

دو شاخص مهم را در محصول شناسایی کنید و آنها را روی دو محور نمایش دهید. برای مثال اگر یک ویژگی «سن خریداران» است، ویژگی دیگر می‌تواند «طبیعی بودن» آن باشد. به عنوان مثال بیسکویت‌هایی مانند هفت غله هر چند طبیعی‌تر و سالم‌تر هستند، اما بعید است با ذائقه پسرچیده‌های کوچک و شیطان خیلی جور در بیایند. وی در عوض برای افراد بالغ که به سلامتی اهمیت می‌دهند خیلی مناسب هستند.

بخش هایی از زندگی احمد شاملو، شاعر بزرگ معاصر، آه ای یقین یافته، بازت نمی نهم به راه

احمد شاملو (زاده ۲۱ آذر، ۱۳۰۴ در تهران؛ در خانهٔ شمارهٔ ۱۳۴ خیابان صفی علیشــــــــــــــــاه - درگذشته ۲ مرداد ۱۳۷۹ فردیس کرج) شاعر، فیلم‌ساز، روزنامه نگار، پژوهشگر، مترجم، فرهنگ نویس و از دبیران کانون نویسندگان ایران بود. آرامگاه او در امامزاده طاهر کرج واقع است. تخلص شعری احمد شاملو الف. بامداد و الف. صبح بود.

پدر وی حیدر نام داشت که تبار او به گفته شاملو در شعری از مجموعه ی مدایح بی صله، به اهل کابل برمی گشت؛ مادرش کوکب عراقی است. دوره ی کودکی را به خاطر شغل پدر که افسر ارتش بود و هر چند وقت را در جایی به مأموریت می رفت، در شهرهایی چون رشت و سمیرم و اصفهان و آباده و شیراز گذراند. (به همین دلیل شناسنامهٔ او در شهر رشت گرفته شده است و محل تولد در شناسنامه رشت نوشته شده است.)

دوران دبستان را در شهرهای خاش و زاهدان و مشهد گذراند و از همان دوران اقدام به گردآوری مواد فرهنگ عامه کرد. شاملو دوره دبیرستان را در بیرجند و مشهد و تهران گذراند و سال سوم دبیرستان را در دبیرستان ایرانشهر تهران خواند و به شوق آموختن دستور زبان آلمانی در سال اول دبیرستان صنعتی ثبت نام کرد.

در اوایل دهه ۲۰ خورشیدی پدرش برای سر و سامان دادن به تشکیلات از هم پاشیده ژاندرمری به گرگان و ترکمن صحرا فرستاده شد. او همراه با خانواده به گرگان رفت و به ناچار در کلاس سوم دبیرستان ادامه تحصیل داد. در آن هنگام در فعالیت های سیاسی شمال کشــــــــور شرکت کرد و بعدها در تهران دستگیر شد و به زندان شوروی در رشت منتقل گردید. پس از آزادی از زندان با خانواده به رضائیه (ارومیه) رفت و تحصــــــــیل در کلاس چهارم دبیرستان را آغاز کرد. شاملو با به قدرت رسیدن پیشه وری و جبهه دموکرات آذربایجان به همراه پدرش دستگیر می شود و دو ساعت جلوی جوخه آتش قرار می گیرد تا از مقامات بالا کسب تکلیف کنند. سرانجام آزاد می شود و به تهران باز می گردد و برای همیشه ترک تحصیل می کند.

شهرت اصلی احمدشاملو به خاطر شعرهای اوست که شامل اشعار نو و برخی قالب های کهن نظیر قصیده و نیز ترانه های عامیانه است. شاملو تحت تأثیر نیما یوشیج، به شعر نو روی آورد، اما برای اولین بار در شعر «تا شکوفهٔ سرخ یک پیراهن» که در سال ۱۳۲۹ با نام «شعر سفید غفران» منتشر شد وزن را رها کرد و به صورت پیشرو سبک جدیدی را در شعر معاصر فارسی گسترش داد. از این سبک به شعر سپید یا شعر منثور یا شعر شاملویی یاد کرده اند. بعضی از منتقدان ادبی او را تنها شاعر موفق در زمینه شعر منثور می دانند.

شاملو علاوه بر شعر، کارهای تحقیق و ترجمه شناخته شده ای دارد. مجموعه کتاب کوچه او بزرگترین اثر پژوهشی در باب فرهنگ عامیانه مردم ایران می‌باشد. آثار وی به زبان های: سوئدی، انگلیسی، ژاپنی، فرانســــــــوی، اسپانیایی، آلمانی، روسی، ارمنی، هلندی، رومانیایی، فنلاندی و ترکی ترجمه شده است.

ازدواج اول و چاپ نخستین مجموعهٔ شعر (اشعار احمد شاملو)

احمد شاملو در بیست و دو سالگی (۱۳۲۶) با اشرف الملوک اسلامیه ازدواج کرد. هر چهار کودک او، سیاوش، سامان، سیروس و ساقی حاصل این ازدواج هستند. در همین سال اولین مجموعه اشعار او با نام «آهنگ های فراموش شده» به چاپ می رسد و همزمان کار در نشریاتی مثل «هفته نو» را آغاز می کند. احمدشاملو در سال ۱۳۳۰ شعر بلند «۲۳» و مجموعه اشعار «قطع نامه» را به چاپ می رساند. در سال ۱۳۳۱ به مدت حدود دو سال مشــــــــاورت فرهنگی سفارت مجارستان را به عهده دارد.

دستگیری وزندان

در سال ۱۳۳۲ پس از کودتای ۲۸ مرداد علیه دکتر مصدق و با بسته شدن فضای سیاسی ایران مجموعه شعر آهــــــــن ها و احساس توسط پلیس در چاپخانه سوزانده می‌شود و با یورش مأموران به خانهٔ او ترجمهٔ طلا در لجن اثر زیگموند موریس و بخش عمدهٔ کتاب پسران مردی که قلبش از سنگ بود اثر مور یوکایی «مردی که قلبش از سنگ

نقش آیدا در زندگی شاملو

شاملو در ۱۴ فروردین ۱۳۴۱ با آیدا سرکیسیان (ریتا آتانت سرکیسیان) آشنا می‌شود. این آشنایی تأثیر بســــــــیاری بر زندگی او دارد و نقطهٔ عطفی در زندگی او محسوب می‌شود. در این سال ها شاملو در توقف کامل آفرینش هنری به سر می‌برد و تحت تأثیر این آشنایی شعرهای مجموعهٔ آیدا: درخت و خنجر و خاطره! و آیدا در آینه را می‌سراید. او دربارهٔ اثر آیدا در زندگی خود به مجله فردوســــــــی گفت: «هر چه می‌نویسم برای اوست و به خاطر او... من با آیدا آن انسانی را که هرگز در زندگی خود پیدا نکرده‌بودم پیدا کردم».

آیدا و شاملو در فروردین ۱۳۴۳ ازدواج می‌کنند و شش ماه در ده شیرگاه (مازندران) اقامت می‌گزینند و از آن پس شاملو تا آخر عمر در کنار او زندگی می‌کند. شاملو در همین سال دو مجموعه شعر به نام‌های آیدا در آینه و لحظه‌ها و همیشه را منتشر می‌کند و سال بعد نیز مجموعه‌ای به نام آیدا: درخت و خنجر و خاطره! منتشر می‌شود و در سال ۱۳۴۵ برای سومین بار تحقیق و گردآوری کتاب کوچه را آغاز می‌کند و برنامهٔ قصه‌های مادر بزرگ را برای بخش برنامه‌های کودک تلویزیون ملی ایران تهیه می‌کند.

زمینه های فعالیت

سال ۱۳۲۶ کار شاعری شاملو با انتشار دفتری به نام «آهنگ‌های

بود» بعد از ۵۰ سال منتشر شد، خبرگزاری مهر با تعدادی داستان کوتاه نوشتهٔ خودش و کتاب‌ها و یادداشت های کتاب کوچه از میان می‌رود و با دســــــــتگیری مرتضی کیوان نسخه های یگانه ای از نوشته هایش از جمله مرگ زنجره و سه مرد از بندر بی آفتاب توسط پلیس ضبط می شود که دیگر هرگز به دست نمی آید.

او موفق به فرار می‌شود اما پس از چند روز فرار از دست مأموران در چاپخانه روزنامهٔ اطلاعات دستگیر شده، به عنوان زندانی سیاسی به زندان موقت شهربانی وزندان قصــــــــر برده می‌شود. در زندان علاوه بر شعر، به بررسی شاهنامه می پردازد و دســــــــت به نگارش پیش‌نویس دستور زبان فارسی می‌زند و قصهٔ بلندی به سیاق امیر ارســــــــلان و ملک بهمن می‌نویسد که در انتقال از زندان شهربانی به زندان قصــــــــر از بین می‌رود. مرتضی کیوان به همراه ۹ افسر سازمان نظامی حزب توده اعدام می‌شود و او در زمستان ۱۳۳۳ پس از تحمل یک

سال حبس، از زندان آزاد می‌شود. با این‌حال «مردی که قلبش از سنگ بود» پس از سال ها توسط نشر ثالث به چاپ رسید.

ازدواج دوم و انتشار هوای تازه

احمد شاملو در سال ۱۳۳۶ با توسی حائری ازدواج می کند (دومین ازدواج او نیز مانند ازدواج اول مدت کوتاهی دوام می آورد و چهار سال بعد در ۱۳۴۰ از همســــــــر دوم خود نیز جدا می شود.) در این سال با انتشار مجموعه اشعار هوای تازه خود را به عنوان شاعری برجسته تثبیت می کند. این مجموعه حاوی سبک نویی است و بعضــــــــی از معروف ترین اشعار شاملو همچون پریا و دخترای ننه دریا در این مجموعه منتشر شده است. در همین سال به کار روی اشعار حافظ، خیام و بابا طاهر نیز روی می آورد. پدرش نیز در همین سال فوت می کند. احمد شاملو در سال ۱۳۴۰ هنگام جدایی از همسر دومش همه چیز از جمله برگه های تحقیقاتی کتاب کوچه را رها می کند.



فراموش شده» که تنها دفتر شعر او در قالب سنتی و موزون است، آغاز می شود. شاملو در مقدمه همان دفتر می نویسد: «قطعاتی که در این کتاب جمع شده‌اند، نوشته هایی است که در حقیقت می‌بایستی سوزانده شده باشد. آهنگ‌هایی‌ست که خیلی زود از یاد می رود... این قدم های اولین کودکی است که می خواسته راه بیفتد. ناچار دستش را به دیوار می گیرد، دستش می لرزد. سست و مردد است و ناموزون راه می رود.» سال ها بعد، شاملو با انتشار قطع نامه شعر جدیدی را پایه گذاری می کند.

در سال ۱۳۳۶ با انتشار مجموعه اشعار هوای تازه، به عنوان شاعری برجسته تثبیت می‌شود. این دفتر شامل فرم‌ها و تجربه‌هایی متفاوت در قالب شعر نو است. در همین سال مجموعه‌ای از رباعیات ابوسعید ابوالخیر، خیام و باباطاهر را منتشر می‌کند. در سال ۱۳۳۹ مجموعه شعر باغ آینه منتشر می‌شود. معروف ترین ترانه‌های عامیانه معاصر فارسی همچون پریا و دخترای ننه دریا در این دو مجموعه منتشر شده است. شاملو مجموعه ای از شعرهای سیاسی خود را به نام کاشفان فروتن شوکران - که در آن شعر «مرگ نازلی» در بزرگداشت وارطان سالاخانیان، مبارز مسیحی ایرانی است و مجموعه‌های پریا، ترانه شرقی (لورکا)، مسافر کوچولو و یل و ازدهارا دکلمه کرده‌است و به صورت نوار صوتی منتشر شده اند.

سال های آخر عمر شاملو کم و بیش در انزوایی گذشت که به او تحمیل شده بود. از سویی تمایل به خروج از کشور نداشت و خود در این باره می گویند: «راستش بار غربت سنگین تر از توان و تحمل من است... چراغم در این خانه می سوزد، آبم در این کوزه ایاز می خورد و نانم در این سفره است.»

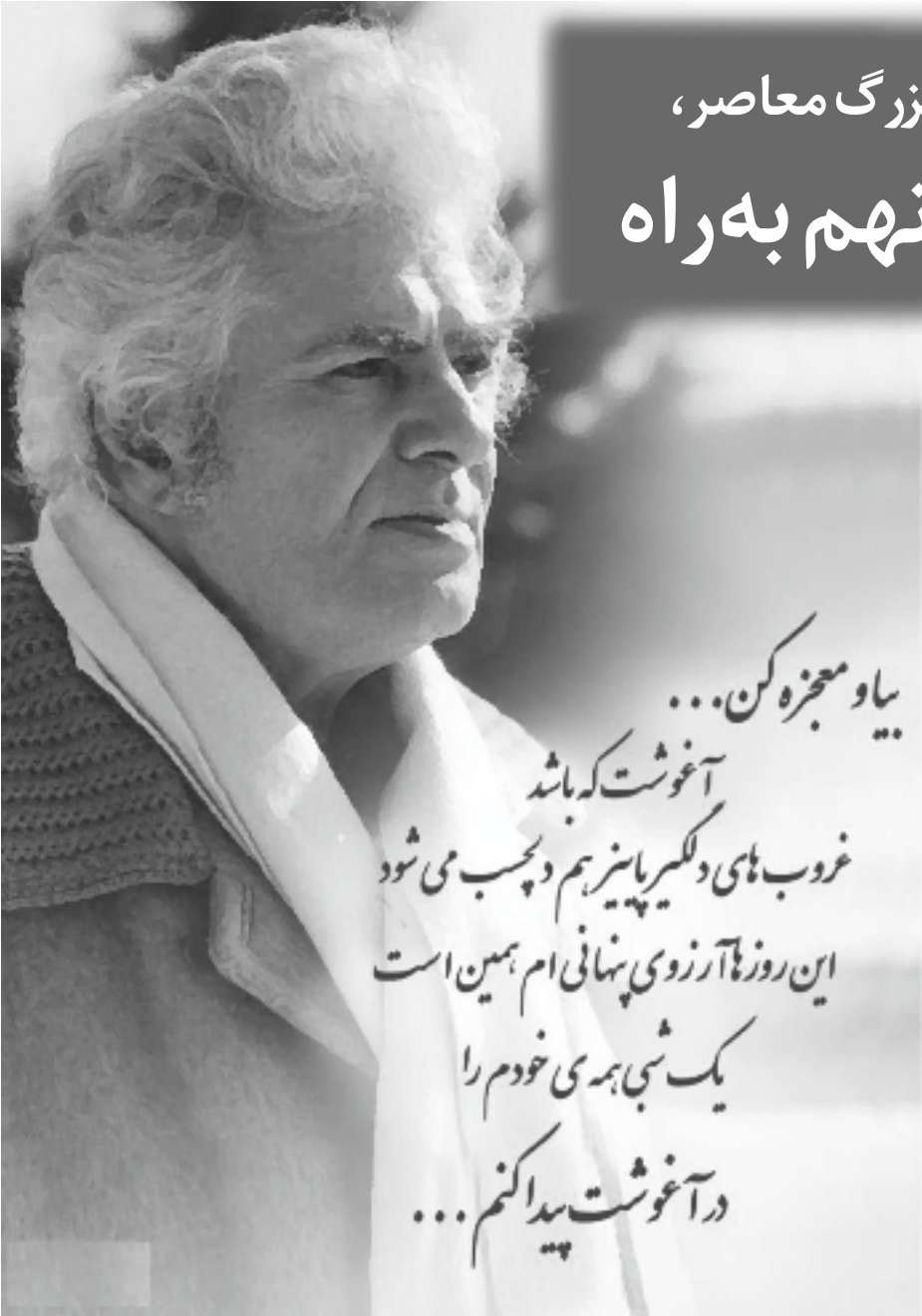
از سوی دیگر اجازه هیچ گونه فعالیت ادبی و هنری به شاملو داده نمی شد و اکثر آثار او از جمله کتاب کوچه سال ها در توقیف مانده بودند.

بیماری او نیز به شدت آزارش می داد و با شدت گرفتن بیماری مرض قندش، و پس از آن که در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۶، در بیمارستان ایران مهر پای راست او را از زانو قطع کردند روزها و شب های دردناکی را پشت سر گذاشت. البته در تمام این سال ها کار ترجمه و به خصوص تدوین کتاب کوچه را ادامه داد و گه گاه از او شعر یا مقاله ای در یکی از مجلات ادبی منتشر می شد.

او در دهه هفتاد با شرکت در شورای بازنگری در شیوهٔ نگارش و خط فارسی در جهت اصلاح شیوهٔ نگارش خط فارسی فعالیت کرد و تمام آثار جدید یا تجدید چاپ شده اش را با این شیوه منتشر کرد.

سرانجام احمد شاملو پس از تحمل سال هارنج و بیماری، در ساعت ۹ شب دوم مرداد ۱۳۷۹ (چند ساعت بعد از آن که دکتر معالجش او و آیدارا در خانهٔ شان در شهرک دهکدهٔ فردیس کرج تنها گذاشت، درگذشت و پیکرش در امامزاده طاهر کرج، به خاک ســــــــپرده شده‌است.

عشق، آزادی و انسان گرایی، از ویژگی‌های آشکار سروده های شاملو هستند. سنگ مزار شاملورا چندین بار افراد ناشناسی شکسته اند.





سال‌هاست که اقتصاد بولیوی در آمریکای لاتین برجسته بوده و در حالی که بسیاری از همسایگان این کشور از تورم مزمن رنج می‌برند، بولیوی از رشد سریع اقتصادی، ثبات و تورم پایین برخوردار بوده است. با این حال بولیوی یکی از بالاترین نرخ‌های فقر را در آمریکای لاتین دارد

کشور اورا مجبور کردند که از مقام ریاست جمهوری استعفا کند و از بولیوی فرار کند. مورالس اتهام تقلب در انتخابات ریاست جمهوری را رد می‌کند. بعد از برکناری مورالس، جینین آنی‌یز که از سیاستمداران راست میانه محسوب می‌شود، تا سال ۲۰۲۰ به شکل موقت اداره کشور را در دست گرفت. اما او بعدتر متهم شد که با هدف برکناری مورالس دست به کودتا زده است. او با همین اتهام محاکمه و به ۱۰ سال زندان محکوم شد. بعد از تکرار انتخابات ریاست‌جمهوری در بولیوی، این‌بار آقای آرسه به پیروزی رسید.

مورالس تهدید کرد که اگر همچنان صلاحیتش برای شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری رد شود، بولیوی با یک «آشوب اجتماعی» روبه‌رو خواهد شد و جانشین خود را متهم کرد که در تلاش است تا جلوی نامزدی اورا بگیرد. او اولین رئیس‌جمهور بومی بولیوی بود و از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۹ قدرت را در این کشور در دست داشت. او در بولیوی همچنان یک شخصیت بسیار محبوب، اما جنجالی باقی مانده است. مورالس هشدار داد که یک «طرح تاریک» علیه او وجود دارد که لوئیس آرسه و ژنرال زونینگا در آن دست دارند. با این حال، در جریان بسیج نظامی اخیر، مورالس از بولیویایی‌ها خواست تا از دموکراسی دفاع کنند - به این معنا که دولت آرسه باید در کوتاه‌مدت در قدرت بماند و اجازه ندهد که ارتش قدرت را به دست بگیرد. لوئیس آرسه در سال ۲۰۲۲ ژنرال زونینگارا به عنوان فرمانده ارتش منصوب کرد و هر دو به منتقدان سرسخت مورالس بدل شدند. زونینگا در یک مصاحبه تلویزیونی در روز دوشنبه، گفت که او اجازه نخواهد داد که رئیس‌جمهور سابق قانون اساسی بولیوی را «لگدمال» کند. اما هنگامی که این ژنرال ارتش بولیوی دستگیر شد، او لوئیس آرسه را به ترتیب دادن کودتا برای «افزایش محبوبیت خود» متهم کرد. زونینگا هیچ مدرکی برای اثبات ادعای خود ارائه نکرده و پیامدهای این رویدادهای آشفته هنوز مشخص نیست.

۳. «معجزه اقتصادی» بولیوی با تهدید روبه‌روست

این ناآرامی‌ها در شرایط پیچیده اقتصادی و اجتماعی در بولیوی رخ می‌دهند. سال‌هاست که اقتصاد بولیوی در آمریکای لاتین برجسته بوده و در حالی که بسیاری از همسایگان این کشور از تورم مزمن رنج می‌برند، بولیوی از رشد سریع اقتصادی، ثبات و تورم پایین برخوردار بوده است. با این حال بولیوی یکی از بالاترین نرخ‌های فقر را در آمریکای لاتین دارد. بولیویانو بولیوی، واحد پول این کشور، با مشکل از دست دادن ارزش روبه‌روست و عملاً دلار آمریکا به واحد پول غیررسمی برای مبادلات روزمره مردم تبدیل شده است. اما اسکناس‌های دلار آمریکا به سختی پیدا می‌شوند و این مساله، آن‌چه را اقتصاددانان «معجزه اقتصادی بولیوی» نام نهاده‌اند، تهدید می‌کند

کمیابی دلار آمریکا، واردات و صادرات را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بولیویایی‌ها برای خرید محصولات اساسی مانند برنج و گوجه‌فرنگی با مشکلات بیشتری روبرو هستند. جیمی دان، اقتصاددان بولیویایی می‌گوید که دلیل کمبود دلار آمریکا، کاهش تولید گاز طبیعی کشور پس از ملی‌سازی صنعت هیدروکربن توسط مورالس در سال ۲۰۰۶ است. بولیویایی‌ها که به ملت آند (طولانی‌ترین رشته کوه جهان که در آمریکای لاتین قرار دارد) معروف هستند، از دلارهای آمریکا برای تأمین مالی برنامه‌های اجتماعی بزرگ در دوران مورالس و آرسه – مانند برنامه خرید سوخت یارانه‌ای – بهره می‌برند.

دان در شرح اوضاع می‌گوید: «این وضعیت، به یک بحران در کشور بدل شده است. با وجود کاهش درآمد، هزینه‌ها همچنان بسیار بالا باقی مانده‌اند. از سال ۲۰۱۴، درآمدهای گاز طبیعی با پدیه‌های خارجی و داخلی جایگزین شده‌اند.» اکنون کارشناسان هشدار می‌دهند که بولیوی دلار کافی برای واردات سوخت مورد نیاز خود ندارد و این موضوع باعث افزایش تظاهرات عمومی در سراسر کشور شده است. کشورهای گوشه و کنار جهان، آنچه را که اکثرش به عنوان تلاش برای کودتا در روز چهارشنبه نامیدند، محکوم کردند. تحلیلگران اکنون می‌گویند که به نظر می‌رسد اقدام روز چهارشنبه بیشتر یک شورش نظامی کوتاه‌مدت و ناشی از قضاوت اشتباه بوده است تا هرگونه از هم گسیختن گسترده‌تر قدرت سیاسی در این کشور. در حالی که دولت بولیوی به سوی انتخابات سال ۲۰۲۵ می‌رود، هنوز مشخص نیست که آیا توانایی دولت برای بازپس‌گیری سریع کنترل به محبوبیت آسیب‌دیده‌اش کمکی خواهد کرد یا این‌که به چالش کشیده شدن قدرت دولت، به تضعیف دولت کنونی در چارچوب سیاست بولیوی منجر خواهد شد.

کودتاها، بولیوی با اکوادور و آرژانتین در یک سطح است.» به گفته لِهوک، به طور کلی نیمی از این کودتاها موفق بوده‌اند. و در بولیوی بیش از نیمی از کودتاهای نظامی در قرن بیستم موفق به برکناری رئیس‌جمهور شده‌اند.

چه چیزی منجر به آخرین تلاش برای کودتا شد؟

سربازانی که در این حمله دست داشتند تحت رهبری ژنرال خوان خوزه زونینگا بودند که تا روز سه‌شنبه فرمانده ارتش بولیوی بود. زونینگا تهدید کرده بود که اگر او مورالس، رئیس‌جمهور سابق بولیوی، به رغم محدودیت تعیین شده برای او در دادگاه قانون اساسی تصمیم بگیرد که برای انتخابات سال ۲۰۲۵ نامزد شود، او را دستگیر خواهد کرد.

در پی این تهدید، لوئیس آرسه، رئیس‌جمهور بولیوی، ژنرال زونینگارا از فرماندهی ارتش برکنار کرد. اما ژنرال زونینگا گفت که اقداماتش تلاشی برای «بازسازی دموکراسی» بوده است.

زونینگا بعد از این حمله به خبرنگاران گفت که ارتش به درخواست رئیس‌جمهور دست به مداخله زده است. در فاصله کوتاهی بعد از این اظهارات او دستگیر شد. لوئیس آرسه آنچه را که «تلاش برای کودتا» نامید، محکوم کرد و از مردم خواست تا «برای دموکراسی سازماندهی کنند و بسیج شوند.»

حامیان لوئیس آرسه رئیس‌جمهور بولیوی، در مقابل مقر نیروهای ویژه مبارزه با جرم و جنایت، جایی که ژنرال سابق خوان خوزه زونینگا در روز پنجشنبه در آنجا نگهداری می‌شد، تجمع کردند. این ناآرامی‌ها در پی تنش روبه‌افزایش این کشور رخ داد. وضعیت اقتصادی شکننده ورقابت سیاسی شدیدی که بین آرسه و مورالس شکل گرفته موجب شده تا در چند ماه گذشته، چندین تظاهرات برگزار شود و شکاف بین احزاب عمیق‌تر شود.

لوئیس آرسه رئیس‌جمهور (چپ) و اوو مورالس متحدان سابقی که رقیب یکدیگر شدند اما هر دو پس از کودتای ارتش در روز چهارشنبه اظهاراتی را بیان کردند که به نظر می‌رسد مخالف مداخله نظامیان در روند سیاسی هستند



دادگاه قانون اساسی بولیوی در ماه دسامبر اوو مورالس را از شرکت برای چهارمین بار در انتخابات منع کرد. بعد از این که آقای مورالس اعلام کرد به رغم این ممنوعیت در انتخابات سال ۲۰۲۵ نامزد خواهد شد، اختلافات بین او و لوئیس آرسه آغاز شد.

۲. آرسه علیه مورالس

به نظر می‌رسد لوئیس آرسه، رئیس‌جمهور بولیوی و سلف او، اوو مورالس که قبلاً هم‌پیمان سیاسی بودند، پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۵ درگیر یک نبرد قدرت شده‌اند. هر دوی این سیاستمداران به یک حزب سیاسی به نام «جنبش حرکت به سوی سوسیالیسم» تعلق دارند. دادگاه قانون اساسی بولیوی در ماه دسامبر اوو مورالس را از شرکت برای چهارمین بار در انتخابات منع کرد. بعد از این که آقای مورالس اعلام کرد به رغم این ممنوعیت در انتخابات سال ۲۰۲۵ نامزد خواهد شد، اختلافات بین او و لوئیس آرسه آغاز شد.

دادگاه قانون اساسی بولیوی در وب‌سایت خود اعلام کرد که محدودیت‌های دوره ریاست‌جمهوری «یک معیار ایده‌آل برای اطمینان از این موضوع است که کسی خود را در قدرت ماندگار نکند». تصمیم آقای مورالس برای نامزد شدن در انتخابات، یک چالش آشکار برای آقای آرسه توصیف شده که انتظار می‌رود دوباره نامزد شود. در سال ۲۰۱۹ بعد از این که مورالس متهم شد که تلاش کرده در نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری تقلب کند، سران نظامی



بولیوی

کشوری با

بیشترین تعداد

کودتا

بولیوی با کودتاها و شورش‌های مختلف ناآشنا نیست. در ۲۶ ژوئن ۲۰۲۴ در لاپاز، رئیس‌جمهور بولیوی لوئیس آرس در مورد تحولات نامنظم نیروهای نظامی هشدار داد و هشدار کودتای احتمالی را اعلام کرد. صدها سرباز و خودروهای زرهی در میدان موریلو، جایی که ساختمان‌های کلیدی دولت بولیوی در آنجا قرار دارند، مستقر شدند. یک خودروی زرهی تلاش کرد تا ورودی کاخ ریاست‌جمهوری را تخریب کند. چند ساعت پس از آنکه سربازان به کاخ ریاست‌جمهوری در شهر لاپاز حمله کردند، پلیس بولیوی رهبر آنچه را که ظاهراً یک کودتا بوده، دستگیر کرد. مدتی بعد سربازان از این شهر آمریکای لاتین عقب‌نشینی کردند. در این مطلب سه عاملی که موجب شدند تا این حمله رخ بدهد، بررسی شده‌اند.

۱. تاریخچه کودتاها

در کشوری که از سال ۱۹۵۰ بیشترین تعداد کودتاها را داشته است، برای چند ساعت پر از هرج و مرج، خاطرات دوران تاریک‌تری که در آن ارتش‌ها دولت‌های منتخب را از قدرت کنار می‌زدند، زنده شد. براساس تحلیل داده‌هایی که توسط دو مورخ آمریکایی به نام‌های جان‌اتان پاول و کلیتون تاین انجام شده، در ۷۴ سال گذشته در بولیوی ده‌ها کودتا رخ داده که حدود نیمی از آنها ناکام مانده‌اند.

پاول به بی‌بی‌سی موندو می‌گوید بولیوی «احتمالاً» کشوری است که در مجموع بیشترین تعداد کودتا را در مقایسه با دیگر کشورهای جهان داشته است، «اما به دست آوردن اطلاعات قابل اعتماد درباره همه آنها قبل از سال ۱۹۵۰ دشوار است.»

تحلیل‌گران به بی‌بی‌سی موندو گفته‌اند که بخشی از مشکل شمارش کودتاها، مرز مبهم در تمایز بین یک کودتای نظامی و یک شورش اجتماعی یا تصرف غیرقانونی قدرت است.

به گفته فابریس لِهوک، استاد علوم سیاسی از دانشگاه کارولینای شمالی در ایالات متحده، از سال ۱۹۰۰ تاکنون حدود ۳۲۰ کودتای نظامی در آمریکای لاتین رخ داده است. لِهوک به بی‌بی‌سی موندو می‌گوید: «از نظر تعداد



نشده بود و گر نه کی میخواست جواب صاحب ماشین رو بده .
از صدای افتادن تنه درخت روی فنس همسایه بغلی اومد بیرون و نگران که چه اتفاقی افتاده .
عیال اومد بیرون و فکر کرد من از اون بالا افتادم. دیدم داره با تلفنش از من فیلم میگیره، به روی خودم نیاوردم بکارم ادامه دادم. نمیدونم چه اتفاقی افتاد که یکی از طنابها رفته بود لای زنجیر اره برقی و حرکت نمیکرد با دســــت چپ اومدم زنجیر رو بحرکت در بیارم شصــــست دست چپم رو برید و خون فواره کرد بیرون!

حالا بیا درستش کن، اره برقی غرق شده بود در خونی که از دستم میومد با کمک طناب اره برقی رو فرســــتادم پایین یادم افتاد تو جیبم یک حلقه نوار برق دارم از اونها که برق کارها پس از وصل دو سر سیم می پیچند روی سیم که او نو عایق کنند.

این نوار برق از سالی که راننده کامیون شدم مثل کیف پول و گواهینامه همیشـــه با یک چاقوی جیبی چهار سانتی همراهه حتی اگر برم میهمانی بعلاوه یک فندک گازی!

دست کردم تو جیبم و نوار پلاستیکی سیاه رنگ برق کارها رو پیچیدم روی انگشتم و با این کار جلوی خون ریزی رو گرفتم. لباسهام خونی شده بود ، کفشم خونی شده بود آروم آروم از درخت اومدم پایین بیاد پدر بزرگم افتادم که میگفت هیچ وقتشـــعری نگو که تو بیت دومش گیر بیافتی!

نگاهی به دور و برم انداختم، یک شاخه ده متری با قطر بیســــت سانتیمتر روی فنس مثل اله کلنگ شده بود بالا و پایین میرفت برای خودش ، اول اره برقی رو تمیز ش کردم که خیلی وحشتناک به نظر میرسید.

نمیدونم اینقدر خون کجای من بود که همه جا رو پوشونده بوده ؟ اره رو روبراه کردم و افتادم به کوتاه کردن شــــاخه ده متری به قطعات سی سانتی، قول این شاخه ها رو به ژوسپه دوست و نزدیک ایتالیایی داده بودم که باهاشــــون آشــــپزی میکنه تو باریکیوی چوبی که پارسال خریده ، دو سه تا تیکه که بردیم دیدم خون از انگشتم جاری شده باز یک تیکه نوار روش بستم و خورد کردن هیزم ها رو گذاشتم ژوسپه که هم قوی هیكله و هم تو این کارها خیلی وارده .

داشتیم بخودم لعنت میفرستادم که چرا عقلم رو دادم دست عیال و این کار رو قبول کردم .

تلفنم زنگ زد ، دخترم مرال ازسان خوزه کالیفرنیا زنگ زده و میگه بابا از جونت سیر شدی با لای درخت چیکار میکنی، چرا با اعصاب ما بازی میکنی؟ گفت مامان ویدیوی تورو گذاشته تو اینستا گرام !!

گفتم نگران نباش اومدم پائین .

گفت وصل کن دوربین تلفنتو می خوام ببینم سالمی یا نه ؟

گفتم دختر من سالم هستم فقط دستمو بردیم.

گفت باید ببینم الان زنگ میزنم خواهرم بیاد وبیرت اورژانس

گفتم عزیزم میگم سالم هستم نه شکستگی دارم نه ضربه مغزی خوردم فقط کمی خون از دستم رفته.

در حالی که عصــــبانی به نظر میرسید گفت این مامان آخرش تو روبکشتن میده!!

خط دوم زنگ زد. جواب می دهم.

دختر بزرگم از مونت ترامبلانت زنگ زد.

جواب می دهم، داد میزنه یک روز تورو به امید خودت گذاشتیم

ببین با این کارا ت دنیا رو ریختی به هم.

الان زنگ میزنم رایان و شایان بیان ببرنت اشتباه اورژانس.

که گوشه خونمون بود تو کوچه وقار تو خیابون ژاله بالا رفتم.

با اینکه کار سختی بود با تلاش این کار رو کردم اما وقتی تصمیم گرفتم برگردم پایین گیر افتادم و با اینکه ارتفاع من بیشــــتر از دو متر نبود به نظرم میومد که هزار متر فاصله داره ، یواش یواش ترس بر من چیره شد و صدا کردم یکی بیاد کمکم!

صدای پدر بزرگم رو شنیدم که میگفت هیچ کس حق نداره کمکش کنه خودش رفته بالای درخت خودش هم باید بیاد پایین و فریاد زد این اولین درس زندگیتـــه تاراه برگشت رو نمیشناسی حق نداری واردراهی یا جانی بشــــی و همه رو فرستاد دنبال کار خود شون!

اول کمی گریه کردم، ولی گرسنگی و بخصوص فشار احرار باعث شد که شاخه به شاخه بیام پائین و با آویزان شدن به پائین ترین شاخه دستمو ول کردم و افتادم زمین.

زیر چشـــمی نگاه کردم آیا کسی افتادنمو دید یا نه ؟

پدر بزرگمو دیدم که از پشت شیشه ناظر صحنه بود به روی خودم نیاوردم و دویدم سمت توالـــت یا همون مستراح!!

سنگینی اره برقی منو از خاطرات بچگی بیرون آورد و بخودم گفتم پیرمرد این بالا چیکار می کنی؟

داستان بر می گرده به سالهای گذشته که ما شروع کردیم به کشت و کار بهاره تو باغچه کوچک خونه.

عیال معتقد بود که سایه این درختها باعث میشـــه که نهال گوجه فرنگی و بوته خیار رشد کافی نمی کنند بخاطر کمبود آفتاب البته حرفش درست بود ولی من می گفتم از ساعـــت ۱۲ ظهر به بعد خورشید به اندازه کافی کار شو انجام میدـــه ،خلاصه کلام نه اون قانع شد و نه من، راستش من زیبائی و ابهت این درخت کهنسال رو به چهار تا دونه گوجه فرنگی و دو تا دونه خیار ترجیح می دادم و می دم ولی امســــال زور عیال به زور من چر بید و تهدیدم کرد اگر شاخه های درخت رو نزنم از من جدا میشـــــــه و میره تو آپارتمان زندگی میکنه.

راه عاقلانه این بود که زدن شاخ و برگ و کوتاه کردن درخت رو به متخصص واگذار کنیم و همین کار رو هم کردیم اما چنان قیمتی گفتند که پرداخت اون از عهده ما خارج بود ضمن اینکه شهرداری محل هم اجازه نمی داد درخت رو از اون حالت زیبا خارجش کنیم .

بنا چار تصمیم گرفتم خودم این کار رو انجام بدم .

اول همه راه افتادم تو فروشگاه های مختلف تا کمربند ایمنی بخرم که اگر احیانا سقوط کردم کمربند منو نجات بده، اینکار رو کردم و از فروشگاه رونا یک کمربند مردونه خریدم که تا سیصد پوند رو نگه می داشت اما نصف روز طول کشید تا تونستم او نوبه تنم وصل کنم.

چندین قطعه طناب آماده کردم تا مرحله به مرحله اونها رو بدور شاخه های قوی گره بزنم و از اونها بجای گیره استفاده کنم و کمر بند رو به اونها وصل کنم.

آرام آرام از درخت بالا رفتم تا به محل مناسب رسیدم ، همه جوانب رو در نظر گرفتم و تیغه اره برقی رو با شــــاخه قطوری که بیســــت سانتیمتر قطر داشت آشنا کردم ، پیش خودم فکر کردم اگر موفق بشــــم این شاخه قطور رو بزــــنم طوری سقوط میکنه که خطری متوجه من نمیشه و بمن اصابت نمیکنه .

خیلی با احتیاط کامل صدای اره برقی رو در آوردم و کمتر از یک دقیقه شاخه یا چه عرض کنم بخشــــی از درخت سقوط کرد و با صدای وحشتناکی افتاد روی فنس چوبی نصفش تو خونه ما و نصفش توی خیابون بغلی ، شانس آوردم که ماشینی اونجا پارک



بالای درخت

بالای درخت کهنســــالی تو حیاط خونمون بودم که تلفن زنگ زد، یک دستم اره برقی، یک دستم به شاخه درخت برای حفظ تعادل و جلوگیری از سقوط از ارتفاع ده شهری!!

از بلند گری تلفن شنیدم که میگه بهرام ناصری توفال بودم که جواب بدم یا نه؟

معمولا دومین آخر هفته هر ماه منتظر تلفن هستم، اره برقی رو که نمی تونستم ول کنم رو هوا بناچار شاخه درخت رو ول کردم و جواب دادم، سلام جناب ناصری حالتون چطوره؟

گفت هر وقت صد اتو میشنوم حالم خوب میشـــه کجا هستی حالا؟ گفتم بالای درختم دوست دارین تشریف بیارین.از اون جائیکه که تو چهار دهه گذشته نشــــده که بدون شوخی جواب داده باشم حرفم را باور نکرد و مثل معمول رفت سر اصل مطلب و بشــــوخی گفت سلام روستایی بی طمع نیست!!

جواب دادم تا فردا شب براتون میفرستم و گفت دستت درد نکنه و کمی حال و احوال کردیم و منو تنها بالای درخت رها کرد و رفت.

بهرام ناصری رو کسی نیست که تو مونترال شناسه، مدیر و سرپرست ماهنامه بازاره که اول هر ماهی طبق معمول ماهنامه رو تو مکانهای مختلف سر موقع پخش می شود می کنه تا اونهایی که دوست دارند یک نسخه از اونو بردارند و ببرند خونه هاشون بدون اینکه فکر کنند چطوری این ماهنامه آماده شده ؟

منم مثل شما زیاد کنجکاو نبودم که دنبالشــــو بگیرم و قدم بقدم باهاشون راه برم و بیرسم چقدر کار سختیه.

اما دوست دارم اینجا از پشت کار و جدیت این مرد تعریف کنم که تو گرما و ســــرما، تو روزهای آفتابی، روزهای بارانی و حتی روزهای برقی و یخبندان صبح زود از خواب پا می شود لباس رسمی کار رو تنش میکنه و تا غروب شب این بار رو بدوش میکشه .

اگرچه همیشــــه دو سه تا جوک داغ تو چنته داره و ضمن کارش لبخندی هم به لب همه میاره اما تو کارش صد در صد جدیه و تا کار شو اونطور که دلش میخواد انجام نده دست از سر کســــی بر نمیداره!

حالا حتما میگیـــن چرا اینقد از ش تعریف میکنم مگه براش دنبال همسر مناسب میگردم؟

نه اینطور نیست خدا رو شکر قیلاً از دواج موفقـــی کرده و ثمره اون از دواج بچه ها و نوه های موفقیه که هر کدومشــــون تو کارشون موفقند.

اگر عمری بدنیا بود روزی وظیفه ژورنالیستی خودمو انجام میدم و یک مصاحبه داغ با ایشان انجام می دم و براتون پخش می کنم . حالا بنده بهتر برگردم سراغ همون شــــاخه درخت که قرار ه منو از سقوط نجات بده.

تو یک دست اره برقی و تو دست دیگه شاخه درخت هنوز نه شاخه ای بریدم و نه حتی تصمیم گرفتم این کار رو بکنم یا نه؟

ذهنم میره تو اولین باری که تو پنج یا شش سالکی از درخت نارون

~~~~~

**آرام آرام از درخت بالا رفتم تا به محل مناسب رسیدم ، همه جوانب رو در نظر گرفتم و تیغه اره برقی رو با شاخه قطوری که بیست سانتیمتر قطر داشت آشنا کردم ، پیش خودم فکر کردم اگر موفق بشم این شاخه قطور رو بزــــنم طوری سقوط میکنه که خطری متوجه من نمیشه و بمن اصابت نمیکنه . خیلی با احتیاط کامل صدای اره برقی رو در آوردم و کمتر از یک دقیقه شاخه یا چه عرض کنم بخشی از درخت سقوط کرد و با صدای وحشتناکی افتاد روی فنس چوبی نصفش تو خونه ما و نصفش توی خیابون بغلی**

~~~~~





وقتی آب ، طعم پلاستیک می گیرد

نگاهی به حقیقت آب های بطری شده و آنچه کمتر درباره شان می دانیم

هموطن عزیز ساکن مونترال چندی پیش با ما تماس گرفتند؛ صدایشان پر از نگرانی بود. در گفت و گویی که با هم داشتیم، می گفتند هر روز آدم هایی را می بینند که ده ها بطری آب را از فروشگاه ها می خردند و با خود حمل می کنند؛ بطری هایی که برای بسیاری از ما به بخشی عادی از زندگی روزمره تبدیل شده اند، بدون آن که حتی لحظه ای درباره محتویات داخل آن یا جنس

پلاستیکی اطرافش فکر کنیم.

این شهروند از ما خواستند مطلبی درباره آب های بطری شده تهیه کنیم؛

مطلبی برای آگاهی رسانی، نه ایجاد ترس.

برای این که شاید قبل از خرید بطری بعدی، کمی بیشتر بدانیم چه می نوشیم.

• دمای نگهداری

• جنس بطری پلاستیکی

• تبلیغات و ذهنیت روانی

بعضی شرکت ها برای ایجاد

طعم خاص، مقدار مشخصی

مواد معدنی به آب اضافه

می کنند. از طرف دیگر،

پلاستیک بطری نیز می تواند

روی مزه آب اثر بگذارد؛

مخصوصاً زمانی که بطری مدت

زیادی در گرما مانده باشد.

همه ما تجربه نوشیدن آبی را

برخی پژوهش های جدید حتی

می گویند آب بطری ممکن است

چندین برابر بیش تر از آب

لوله کشی، ذرات پلاستیکی

داشته باشد.

دانشمندان هنوز درباره تمام

اثرات این ذرات بر بدن به نتیجه

قطعی نرسیده اند، اما

نگرانی هایی درباره ارتباط

احتمالی آن ها با:

• التهاب سلولی

• اختلالات هورمونی

خودداری شود.

هرچه بطری بیشتر در معرض:

• نور خورشید،

• گرمای بالا،

• یا استفاده مکرر قرار بگیرد،

ساختار پلاستیک ضعیف تر

می شود.

به همین دلیل بسیاری از

کارشناسان پیشنهاد می کنند

برای مصرف روزانه، از

بطری های فلزی یا شیشه ای

قابل استفاده مجدد استفاده

آب باکیفیت تر بخشی از سبک

زندگی سالم تر محسوب

می شود؛ نه فقط یک هزینه،

بلکه نوعی سرمایه گذاری

بلندمدت روی کیفیت زندگی

چون آب Kangen با محتوای

هیدروژن فعال و ویژگی

آنتی اکسیدانی

* قلیایی و غنی از هیدروژن فعال

است و در نتیجه به

هیدراتاسیون بهتر و افزایش

انرژی بدن کمک میکند

* به شادابی پوست و کاهش

التهابات بدن کمک میکند

* به بهبود مشکلات گوارشی

مانند رفلاکس معده کمک می

کند

* از سبک زندگی سالم و

پیشگیری از برخی مشکلات

مرتبط با سبک زندگی پشتیبانی

میکند

یک سیستم به ظاهر ساده اما با

* فیلتراسیون پیشرفته و کاهنده

برخی آلاینده ها با حفظ مواد

معدنی مفید

* با طراحی کاربردی برای

استفاده آسان در خانه

* همراه با یستم شست و شوی

خودکار

* با عمر طولانی و صرفه جویی در

هزینه های بلندمدت

* و در نهایت کمک به کاهش

مصرف بطری های پلاستیکی

من سارا سلیقه دار هستم،

نماینده رسمی کمپانی ژاپنی

ENAGIC از سال ۲۰۱۹.

در این مسیر، به افراد کمک

می کنم تا متناسب با نیاز و

سبک زندگی شان، انتخاب

آگاهانه تری در زمینه کیفیت آب

داشته باشند.

اگر علاقه مند به مشاوره

تخصصی رایگان هستید و یا

تمایل دارید در وبسایت ها و

ورکشاپ های آموزشی (آنلاین و

حضوری در مونترال) شرکت

کنید با ما در تماس باشید

۵۱۴۶۹۰۷۷۱۸

سارا سلیقه دار

نماینده رسمی و لیدر ارشد

کمپانی ژاپنی ENAGIC

از سال ۲۰۱۹

تولید کننده دستگاه های

تصفیه و قلیایی کننده آب

Kangen Water

www.sara-salighedar.com

منابع

WHO - https://www.who.int

CDC - https://www.cdc.gov

FDA - https://www.fda.gov

EPA - https://www.epa.gov

Health Canada -

https://www.canada.ca

International Journal of

Environmental Research and Public

Health - https://www.mdpi.com

شود.

هزینه ای که فقط مالی نیست

بطری آب شاید کوچک به نظر

برسد، اما اثر آن بر محیط

زیست بسیار بزرگ است.

تولید میلیون ها بطری

پلاستیکی، مصرف عظیم نفت،

انرژی و آلودگی محیط زیست را

به همراه دارد.

بخش بزرگی از این بطری ها نیز

بازیافت نمی شوند و سال ها در

طبیعت باقی می مانند.

در واقع، ما فقط برای آب پول

نمی دهیم؛

برای پلاستیک، حمل و نقل،

تبلیغات و آسایش

زیست محیطی هم هزینه

می کنیم.

در روزگاری که انتخاب هایمان

بیشتر از همیشه شده، شاید

مهم تر از خود «آب»، کیفیت و

منبع آن باشد.

مسئله فقط آب نیست؛

بلکه آگاهی نسبت به انتخابی

است که هر روز تکرار می کنیم.

در همین مسیر، فناوری های

نوینی برای بهبود کیفیت آب

آشامیدنی توسعه یافته اند.

Kangen Water یکی از این

فناوری هاست؛

سیستمی بر پایه تکنولوژی

ژاپنی یونیزاسیون و فیلتراسیون

پیشرفته که با هدف بهبود

کیفیت آب و ارائه تجربه ای

متفاوت از نوشیدن آب طراحی

شده است.

برای بسیاری از افراد، انتخاب

• مشکلات قلبی

• آسیب های عصبی

• و تجمع در اندام های بدن

مطرح شده است.

اما حتی با وجود این عدم

قطعیت، بسیاری از متخصصان

توصیه می کنند تا حد ممکن

تماس روزمره با پلاستیک

کاهش پیدا کند.

وقتی بطری زیر آفتاب می ماند

یکی از رایج ترین صحنه ها در

تابستان، بطری آبی است که

ساعت ها داخل ماشین داغ

مانده است.

گرما می تواند باعث فرسودگی

سریع تر پلاستیک شود و

احتمال ورود ذرات ریز

پلاستیکی به آب را افزایش

دهد.

پژوهشگران توصیه می کنند از

نوشیدن آب بطری هایی که

مدت طولانی در گرما بوده اند



می دهید که تفاوت چندانی با

آب لوله کشی ندارد؛ فقط داخل

یک بطری پلاستیکی قرار گرفته

است.

در بسیاری از موارد، چیزی که ما

به عنوان آب معدنی می خریم،

در واقع «آب بطری شده»

است؛ آبی که ممکن است از

منابع مختلف آمده باشد و بعد

با فرایندهای صنعتی مثل

فیلتراسیون و اسمز معکوس

تصفیه شده باشد.

اسمز معکوس یکی از رایج ترین

روش های تصفیه در صنعت آب

بطری است؛ فرایندی که آب را از

فیلترهای بسیار ریز عبور

می دهد تا ناخالصی ها، نمک ها

و برخی مواد اضافی حذف

شوند.

جالب اینجاست که گاهی بعد از

این حجم از تصفیه، با حذف

مواد معدنی مفید بخشی از

مواد معدنی دوباره توسط تولید

کننده به آب اضافه می شود تا

طعم «بهتر» یا «طبیعی تر»

ایجاد شود.

یعنی آن مزه خاصی که

بعضی ها آن را نشانه طبیعی

بودن آب می دانند، لزوماً از دل

کوه و چشمه نیامده؛ گاهی

نتیجه فرمول سازی کارخانه ای

است.

شاید به همین دلیل باشد که

امروز بسیاری از متخصصان

ترجیح می دهند به جای

اصطلاح «آب معدنی»، از واژه

دقیق تر «آب بطری شده»

استفاده کنند.



چرا طعم آب بطری فرق می کند؟

چند عامل مهم وجود دارد:

• مواد معدنی متفاوت در هر آب



رسانه‌های دیجیتال؛ قلب تپنده عصر جدید

رسانه‌های دیجیتال؛ قلب تپنده عصر جدید

علوم و فناوری با سرعتی خیره‌کننده در حال گسترش است و در این میان، رسانه‌های دیجیتال بیش از هر حوزه دیگری رشد کرده‌اند؛ تاجایی که می‌توان گفت عصر امروز، عصر رسانه‌های هوشمند و ارتباطات آنلاین است. رسانه‌هایی که نه‌تنها شیوه اطلاع‌رسانی‌را تغییر داده‌اند، بلکه سبک زندگی، روابط اجتماعی، اقتصاد، آموزش و حتی فرهنگ جوامع‌را نیز دگرگون کرده‌اند.

در دنیای امروز، تلفن‌های هوشمند، شبکه‌های اجتماعی، موتورهای جست‌وجو، پلتفرم‌های ویدیویی و ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی روزمره انسان تبدیل شده‌اند. مردم در هر ساعت از شبانه‌روز برای دریافت اخبار، خرید آنلاین، انجام امور بانکی، آموزش، سرگرمی، ارتباط با دوستان و حتی مدیریت کسب‌وکارهای خود از رسانه‌های دیجیتال استفاده می‌کنند.

رسانه‌های دیجیتال ودگرگونی جهان

واقعیت این است که جهان وارد مرحله تازه‌ای از تحول شده است؛ دوره‌ای که در آن رسانه‌های الکترونیک و فناوری‌های دیجیتال، نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی بشر دارند. این رسانه‌ها با سرعتی بی‌سابقه در حال تغییر ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند. امروزه موتور جست‌وجوی گوگل روزانه میلیاردها جست‌وجورا پردازش می‌کند و شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام، فیس‌بوک، تیک‌تاک و ایکس (توییتر سابق) میلیون‌ها کاربر فعال دارند. همچنین ابزارهای هوش مصنوعی، چت‌بات‌ها و موتورهای تولید محتوا، شکل تازه‌ای از ارتباطات و تولید اطلاعات‌را ایجاد کرده‌اند؛ تحول بزرگی که هر روز ابعاد جدیدی از آن آشکار می‌شود.

رشد فضای مجازی و تغییر سبک زندگی

با توسعه اینترنت پرسرعت و فراگیر شدن تلفن‌های همراه هوشمند، رسانه‌های دیجیتال رشد چشمگیری پیدا کردند. دسترسی آسان، هزینه پایین، سرعت بالا و حجم نامحدود اطلاعات باعث شد این رسانه‌ها در مدت کوتاهی جایگاه ویژه‌ای در میان مردم پیدا کنند.

امروزه افراد بخش قابل توجهی از زمان روزانه خودرا در فضایی مجازی سپری می‌کنند. رسانه‌های دیجیتال دیگر تنها ابزار اطلاع‌رسانی نیستند، بلکه به بستری برای آموزش آنلاین، تجارت الکترونیک، تولید محتوا، سرگرمی و ارتباطات اجتماعی تبدیل شده‌اند.

۲۷۱ سال پیش ادوارد جنر پزشک

ودانشمند سرشناس انگلیسی

متولد شد، او درست در چنین

روزی یعنی سیزدهم می، توانست

نخستین مایه آبله‌را به بازوی

بیماری هشت ساله تزریق کند و

واکسیناسیون‌را بنیاد بگذارد.

ادوارد در کودکی به بیماری آبله

مبتلا شد و با اینکه شانس زنده

ماندن‌را پیدا کرده بود اما تا پایان

عمر از پیامدهای آن رنج می‌برد.

داستان کشف واکسن آبله ادوارد جنر زاده ۱۷ مه ۱۷۴۹ - درگذشته ۲۶ ژانویه ۱۸۲۳؛ پزشک انگلیسی بود که کاربرد واقعی واکسیناسیون‌را کشف کرد. اورا پدر ایمنی‌شناسی نیز می‌دانند. زمانی که ۱۴ سال داشت به‌عنوان کارآموز و دستیار در مرکز جراحی چیپینگ سادبری مشغول به کار شد و در طول هفت سالی که آنجا بود با هوش سرشار خود دانش و تجربه مناسبی از رشته پزشکی کسب کرد همچنین بعد از آن با به‌تحصیل در رشته پزشکی مدرک پزشکی خودرا نیز دریافت کرد.

ادوارد جنر به مرور در رشته پزشکی مهارت پیدا کرد و تا سال



ادوارد جنر زاده ۱۷ مه ۱۷۴۹ درگذشته ۲۶ ژانویه ۱۸۲۳؛ پزشک انگلیسی بود که کاربرد واقعی واکسیناسیون‌را کشف کرد. اورا پدر ایمنی‌شناسی نیز می‌دانند

سبقت رسانه‌های دیجیتال از رسانه‌های سنتی

در حالی که رسانه‌های چاپی سال‌ها مهم‌ترین ابزار انتقال اطلاعات بودند، اکنون رسانه‌های دیجیتال توانسته‌اند بخش بزرگی از مخاطبان‌را به خود جذب کنند. یکی از مهم‌ترین دلایل این تغییر، سرعت بالای انتشار اخبار و دسترسی آسان به اطلاعات است.

در کنار این موضوع، مسئله حفاظت از محیط زیست نیز اهمیت زیادی پیدا کرده است. صنعت تولید کاغذ همچنان یکی از عوامل قطع درختان و مصرف گسترده منابع طبیعی به‌شمار می‌رود. اگرچه بازیافت کاغذ تا حدی از این آسیب‌ها جلوگیری می‌کند، اما فرآیند بازیافت نیز هزینه‌های زیست‌محیطی خاص خودرا دارد.

بر اساس آمارهای جهانی، سالانه میلیون‌ها درخت برای تولید کاغذ قطع می‌شوند و همین موضوع موجب شده بسیاری از رسانه‌ها به سمت نسخه‌های دیجیتال حرکت کنند. امروز حتی بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات معتبر جهان، نسخه چاپی خودرا محدود کرده و تمرکز اصلی‌شان‌را روی وبسایت‌ها و اپلیکیشن‌های دیجیتال گذاشته‌اند.

رسانه‌های دیجیتال؛ دوستدار محیط زیست

روزنامه‌نگاری دیجیتال از دهه ۱۹۹۰ آغاز شد، اما در سال‌های اخیر به یکی



رسانه‌های دیجیتال در کمتر از چند دهه، شیوه زندگی و ارتباطات انسان‌را به‌طور کامل دگرگون کرده‌اند. از شبکه‌های اجتماعی و موتورهای جست‌وجو گرفته تا هوش مصنوعی و تولید محتوای آنلاین، امروز جهان بیش از هر زمان دیگری به فناوری و رسانه‌های نوین وابسته است؛ رسانه‌هایی که نه‌تنها سرعت و گستره اطلاع‌رسانی‌را متحول کرده‌اند، بلکه آینده فرهنگ، اقتصاد و سبک زندگی بشررا نیز شکل می‌دهند.

نخستین تزریق واکسن آبله به یک کودک ۸ساله:

داستان کشف واکسن آبله

او تحقیق کـــرد و دریافت

شیردوشان تقریباً هرگز، حتی

وقتی از مبتلایان به آبله پرستاری

می‌کنند دچار آبله نمی‌شوند. به

همین خاطر تصمیم گرفت بیماری

آبله گاوی‌را به افراد تلقیح کند و

آنها را از ابتلا به بیماری مرگبار‌تر

آبله مصون سازد که البته در آن

دوران این ایده با مخالفت‌های

شدیدی مواجه شد. هرچند در

سال‌های قبل نیز کارهای

پراکنده‌ای درخصوص واکسن

انجام شده بود، ولی اولین بار وی

در سیزدهم می ۱۷۹۶ پســـری

هشت ساله به‌نام جیمز فلپ‌پا که

پسر باغبان خانه‌شان بود در برابر

بیماری آبله گاوی واکسینه کرد.

این بیماری مانند بیماری آبله ولی

کم‌خطرتر از آن برای انسان است.

پس از آنکه جنر میکروب بیماری

آبله‌را به آن پسر تزریق کرد، چون

واکسن آبله گاوی در وی مصونیت

ایجاد کرده بود، جیمز فلپ‌پ به

بیماری آبله مبتلا نشـــد و در برابر

این بیماری مصـــون شد. به این

ترتیب دکتر ادوارد جنر توانست

روش واکسیناسیون‌را در مقابل

بیماری آبله کشف کند. امروزه این

روش به شکل گســـترده‌ای برای

مبارزه با طیف گســـترده‌ای از

بیماری‌ها استفاده می‌شود.

۱. ل. کامپیر در مقاله‌ای که سال

۱۹۵۷ با عنوان «پســـژوهش،

بخت‌یاری و جراحی ارتوپدی»

منتشـــر شده نوشت که شهرت

«ادوارد جنر» به دلیل آشنا کردن

جهانیان با واکسنی است که جان

میلیون‌ها نفررا از مرگ شوم ناشی

از آبله رهاخته و چند میلیون نفر

دیگررا از ظاهر زشت و وحشتناکی

که بر اثر ابتلا به این بیماری ایجاد

می‌شود، نجات داده است. دکتر

کامپیر در بخشـــی از مقاله‌اش

می‌نویسد: انسان تعجب می‌کند

که چگونه جنر توانست پسرک و

والدینش را برای انجام چنین کار

خطرناکی متقاعد کند.

شاید در آن موقع همه‌گیری آبله در

منطقه به وجود آمده بود. در این

مورد یک توجیه احتمالی در مبحث

ایمنی دایره‌المعارف بریتانیکا

(ویرایش سال ۱۹۶۲، جلد ۱۲،

صفحه۱۱۶) آمده است: «تا قبل از

کشف واکسن آبله در سال ۱۷۹۶،

مردم‌را با تزریق مایع به دست

آمده از ترشحات پوستی مبتلایان

ایمن می‌کردند.

برخی از افرادی که به این ترتیب

مایه‌کوبی می‌شـــدند آبله

می‌گرفتند، اما وحشت از این

از مهم‌ترین ابزارهای اطلاع‌رسانی جهان تبدیل شده است. عدم نیاز به چاپ، حذف هزینه‌های توزیع، دسترسی جهانی و سرعت بالای انتشار محتوا از مهم‌ترین مزایای رسانه‌های دیجیتال هستند.

امروز یک خبر می‌تواند تنها در چند ثانیه به میلیون‌ها نفر در سراسر جهان برسد؛ اتفاقی که در رسانه‌های سنتی تقریباً غیرممکن بود. همچنین رسانه‌های دیجیتال امکان تعامل مســـتقیم مخاطب با رسانه‌را فراهم کرده‌اند و کاربران می‌توانند به‌سرعت دیدگاه‌ها، تصاویر و اطلاعات خودرا منتشر کنند.

هوش مصنوعی و آینده رسانه‌ها

یکی از مهم‌ترین تحولات سال‌های اخیر، ورود هوش مصنوعی به دنیای رسانه است. ابزارهای هوشمند اکنون در تولید محتوا، ترجمه، تحلیل داده‌ها، ساخت تصویر و ویدیو و حتی مدیریت خبر نقش مهمی دارند.

کارشناسان معتقدند رسانه‌هایی که نتوانند خودرا با فناوری‌های جدید هماهنگ کنند، به‌تدریج از چرخه رقابت خارج خواهند شد. به همین دلیل بسیاری از رسانه‌های سنتی در کنار نسخه چاپی، وبسایت، شبکه اجتماعی، پادکست و نسخه دیجیتال خودرا نیز توسعه داده‌اند.

کرونا و جهش رسانه‌های دیجیتال

همه‌گیری کرونا نقش رسانه‌های دیجیتال‌را بیش از گذشته آشکار کرد. در دوران قرنطینه، آموزش آنلاین، جلســـات مجازی، خرید اینترنتی و ارتباطات دیجیتال به بخش اصلی زندگی مردم تبدیل شد.

در آن دوران رسانه‌های آنلاین نه‌تنها وظیفه اطلاع‌رسانی‌را برعهده داشتند، بلکه نقش مهمی در آموزش، سلامت روان و حفظ ارتباطات اجتماعی ایفا کردند. همین مســـئله موجب شد بسیاری از مردم و کسب‌وکارها بیش از گذشته به فضای دیجیتال وابسته شوند.

آینده رسانه‌ها

به نظر می‌رسد آینده رسانه‌ها بیش از هر زمان دیگری به فناوری‌های دیجیتال وابسته باشد. سرعت، دسترسی آسان، تعامل مســـتقیم با مخاطب و کاهش هزینه‌ها باعث شده رسانه‌های دیجیتال نقش اول‌را در اطلاع‌رسانی جهانی ایفا کنند.

با وجود این، رسانه‌های سنتی هنوز جایگاه فرهنگی و تاریخی خودرا حفظ کرده‌اند؛ اما ادامه حیات آنها بدون حضور فعال در فضای دیجیتال بسیار دشوار خواهد بود. امروز دیگر داشتن یک وبسایت، شبکه اجتماعی و حضور مؤثر در فضای آنلاین، برای هر رسانه‌ای یک انتخاب نیست؛ بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

نکـــرد که جـــرات تن دادن به مایه‌کوبی‌را داشته باشد. اما همین که به خانه‌اش بازگشت، «هنری کلاین» که از پزشـــکان برجســـته بیمارستان «سن توماس» در لندن بود چـــند مایه‌کوبی‌را با موفقیت انجام داد و جامعه پزشکی‌را از کلرایبی آبله گاوی در پیشـــگیری از آبله آگاه ساخت.

بروز دو مشکل متفاوت باعث شد که پذیرش روش ایمن‌سازی جنر باز هم به تاخیر بیفتد. از یک طرف جراحی معتبـــری به نام «ج. اینگنهاوز» آن‌را به شدت مورد انتقاد قرار داد و برای مدتی دیگران را نســـبت به آن بدبین ساخت. از سوی دیگر پزشک تندرویی به نام «جورج پیرسون» سعی کرد اعتبار کشف ایمن‌سازی‌را بی‌آنکه دانش یا تجربه کافی در این زمینه داشته باشد از آن خود سازد و ماده مایه‌کوبی آلوده‌ای تهیه کرد که باعث بروز تاول‌هایی شبیه آبله می‌شد. جنر ثابت کرد که واکسن پیرسون آلوده بوده و خبر موفقیت استفاده از مایع خالص آبله گاوی به‌زودی در سراسر جهان منتشـــر شد.



بیماری آن قدر زیاد بود که بسیاری ترجیح می‌دادند به جای ابتلا به شکل طبیعی آبله که اغلب اوقات کشنده بود به بیماری تلقیح شده که احتمال مرگ و میر بر اثر آن کمتر بود، مبتلا شوند. نتیجه مطلوبی که در فیپس به دست آمد برای جنر بســـیاری دلگرم‌کننده بود، اما قبل از آنکه موفقیت خودرا اعلام کند، صبر کرد تا آزمایش دومی انجام دهد. این آزمایش دو سال بعد انجام شد و پس از دومین مایه‌کوبیـــی موفقیت‌آمیز آبله گاوی و ایمن‌سازی علیه آبله، جنر برای اعلام کشفش رساله‌ای آماده کرد. اما تصمیم گرفت نخست به لندن برود و شـــیوه‌اش‌را در آنجا تکرار کند. ولی در مدت سه ماهی که در لندن اقامت داشت کسی‌را پیدا



می‌شناسد. همین نیز منطق داستانی دارد. راوی داستان خود شخصیتی است که از سر کنجکاو۱ به تعقیب طفل و جوان و پیر می‌پردازد. پس طبیعی است که نام آن‌ها را ندادند و چیزی هم در این باره ننویسد.

داستان در سه روز پیاپی می‌گذرد. روز نخست، روز طفل است که با فرا رسیدن بهار و تعطیلات نوروزی از قید درس و مشق‌رها شده است. راوی قدم‌به‌قدم او را تعقیب می‌کند و دلیل می‌آورد که «خواستم بفهمم که هوای خوش و آفتاب دلکش و خوبی و طراوت امروز چه اثر در این طفل دارد...»

طفل در هر قدم خرابی به بار می‌آورد و هیچ‌کس از شیطنت‌های او در امان نیست، نه بزرگ و نه کوچک. خدا چنین بچه‌ای را نصیب کسی نکند. در یک روز تمام شهر تهران را به هم می‌ریزد و این درک طفل از فصل بهار است؛ تعطیل شدن مکتبخانه‌ها و آزادی مطلق. شرح شیطنت‌های طفل خواندنی است و یک نمونه‌ی آن از این قرار است: طفل به زمینی پر از کاهو و پیاز و سبزی می‌رسد. چون «پسر میدان را خالی دید، خر صاحب زمین را که در کناری بسته بود باز کرده سوار شد در میان سبزیها و کاهوها و غیره میدانید و آواز میخواند و اغلب حاصل را در زیر دست و پای خر ضایع کرده کاه نیز پایین آمده حاصل را میخورد و میکشت و با لگد پایمال می‌کرد...»

دومین روز داستان، روز جوان است. نویسنده فصل بهار را فصل بی‌قراری‌های جوان می‌داند؛ فصلی که عاشق‌تر از همیشه است. در جست‌وجوی معشوقی کوجه‌ها را پایین و بالا می‌کند و چون کسی نظری به التفات به او نمی‌کند، دل شکسته می‌شود. جوان پرشور است و هیجانات درونی او در فصل بهار اوج می‌گیرد. پس از ناکامی در عرصه‌ی عشق، قدم به عرصه‌ی قمار می‌گذارد و همه‌چیز خود را به باخت می‌دهد، حای لباس‌هایش را: «بالاخره آنچه در سر و تن داشت بالتمام بقمار رفت و لخت و عور شد و چون در بازی رسمست همینکه کسی در قمارخانه کسی لخت شد چیزی میدهند بپوشد و عوض کلاه ماهوتی کلاه نمد سیاه چرک آجیل فروش را بده شاهی خریده بر سرش گذاشتند...»

روز آخر داستان نوبت به پیر می‌رسد. این‌جا دیگر راوی از خفا بیرون می‌آید و به‌بهانه‌ی این‌که الاغ خود را در اختیار پیرمرد قرار دهد، وارد گفت‌وگویی طولانی با او می‌شود. فصل بهار برای پیرمرد یادآور روزهای خوش گذشته و جوانی است.

قصه پیرمرد، قصه ناتوانی است و غم؛ غم از دست دادن عزیزان و یاران. شکوه بهار تنها بر درد و غصه‌ی پیرمرد می‌افزاید. هر گلی را که می‌بوید، بویی از جوانی می‌دهد؛ گل زرد، گل سرخ و... «این کل سرخ است و پادشاه همه کلهاست در رنگ و بوی بینظیر هر کاه در جوانی باین درخت میرسیدم و کلی از و میچیدم و صدای بلبلی در حوالی آن میشنیدم بطوری از خود میرفتم و مدهوش میشدم که تا ساعتی چند بحالت اصلی نمی‌آمدم اما افسوس از حالت آنوقت که حالا بوی کل در مشامم چون افیون و صدای بلبل در گوشم مانند صوت بوقلمونست...»

داستان ناصرالدین شاه داستانی تمثیلی نیز هست. در لحظاتی از داستان، نویسنده چهار فصل سال را با چهار دوره‌ی زندگی انسان مطابقت می‌دهد که عبارت است از کودکی، جوانی، میان‌سالی یا شیخوخت و کهنسالی. فصل بهار را نماد و نشانه طفولیت می‌گیرد، چون «هنوز درختان ابتدای آوردن برک و شکوفه دارند و زمین تنابی کله‌ا و سب‌زها و علفهای ریزه و کوچ‌ک را بالا می‌آورد و مرغان وحشی بجات صدا نمیکند و رودخانه‌ها و چشمه‌ها کمکم جریان میکند و برفها بوحشست و تردید از زمین آب شده بالای کوههای بلند باقی میماند و...از همه این حالا معلوم می‌شود که هنوز فصل در حالت نمو و طفولیت است.»

آیا نخستین رمان فارسی را ناصرالدین شاه نوشت؟

است بر تلاش ناصرالدین شاه در خلق یک رمان. برای نمونه در داستان چنین آمده است: «نظرم بر طفلی افتاد که کلاه ماهوت سرخ کردی در سر داشت و در کلاه‌راه‌های باریک از ماهوت سیاه داشت و تکمه کردی در بالای کلاه بود قیای زرد نخودی بسیار کوتاهی داشت تکمهای یکدستش باز و دست دیگر انداخته بود پیراهن سفید کرباسی زیر جامه کشاد بنفشی جورابه‌ای پشمنی کفش‌های چرم قرمز تنگ پاشنه کش‌شیده و یک کمر بند چرمین چنان تنگ بر شکم شکسته بود که نفس بعسرت بیرون می‌آمد و دو جیب بسیار بزرگی داشت و معلوم بود که اشیا مختلف زیاد در او جمع کرده...»

هر شخصیتی در این داستان لحن مخصوص خود را دارد و آن را از نحوه‌ی سخن گفتن‌شان می‌توان شناخت.

آن‌جا که خواننده با جمعی از جاهلان مواجه می‌شود، لحن جاهلان تهرانی را می‌توان در کلام‌شان تشخیص داد: «داداش جان بمرگ خودت همین است که گفتی انشالله بخدمت میرسم و خواهی دید که پدرش را آتش را میزنم سر تو سلامت باشد...» یا جوان به بقال می‌گوید: «استاد جان یک غلیان بده ببینم چه طور میشود...» هیچ شخصیتی مانند دیگری صحبت نمی‌کند. پیرمرد با حسرت از روزهای گذشته می‌گوید: «هر وقت در جوانی باین کل رسیدم بی‌اختیار خنده میکردم و اسمش را فضول کله‌ا گذاشته بودم چرا که از ابتدای بهار الی آخر پاییز کل می‌دهد و خسته نمی‌شود...»

زمان و مکان داستان هم مشخص است، نه فرضی. داستان در شهر تهران و زمان حکومت قاجارها می‌گذرد و می‌توانیم در خلال آن به یک تصویری از تهران آن زمان و ویژگی‌های اجتماعی‌اش برسیم، و مگر همه‌ی این‌ها از مشخصه‌های یک رمان نیست؟

حکایت پیر و جوان

«تفصیلی است در درک بهار نوشته میشود با اینکه طبایع ناس مختلف است و هر یک بوضع و طور و قسمی درک بهار میکنند گذشته از طبایع مختلف بحسب سن و سال و پیری و جوانی و طفولیت درک بهار باختلاف دست میدهد...»

این جملات آغازین کتاب ناصرالدین شاه است که تا حدود زیادی ما‌جرار او روشن می‌کند. داستان ناصرالدین شاه گویای حال و وضعیت انسان‌ها در فصل بهار است. بر این اساس، نویسنده کتاب را به سه فصل تقسیم کرده است که فصل اول حکایت طفل است و دو فصل دیگر حکایت‌های جوان و پیر. طفل و جوان و پیر هر کدام واکنش‌ی خاص سن و سال خود نسبت به فصل بهار دارند؛ هر یک نماینده‌ی طیف سنی خاص خود هستند و از این نظر نویسنده یک جزء را به مثابه‌ی کل در نظر گرفته است. هیچ کدام آن‌ها نام منحصر‌به‌فردی هم ندارد و خواننده آنان را تنها به نام‌های طفل، جوان و پیر

در کتاب ناصرالدین شاه، شخصیت‌ها هیچ کار عجیبی که به‌معنای خرق عادت باشد، انجام نمی‌دهند. نه انسان با حیوان صحبت می‌کند و نه غولی از بطری بیرون می‌آید. برخلاف آن، انسان‌ها هستند که از ابتدا تا انتهای داستان با یکدیگر صحبت می‌کنند. حادثه‌ی محیرالعقولی هم که شبکه‌ی استدلالی داستان را سست کند، رخ نمی‌دهد. برعکس، منطق داستانی رعایت شده است. بین همه‌ی رویدادها رابطه‌ی علت و معلولی موجهی وجود دارد که تمام داستان را باورپذیر می‌کند.

شخصیت‌های داستان ناصرالدین شاه نه خوب‌اند و نه بد؛ آدم‌هایی معمولی‌اند که با قهرمانان قصه‌ها هیچ نسبت و شباهتی ندارند. حرکات و رفتار همه‌ی آن‌ها شرح داده می‌شود. نویسنده حتی رنگ و جنس لباس آنان را هم توصیف می‌کند که همه‌ی این‌ها دلیلی است بر تلاش ناصرالدین شاه در خلق یک رمان.



ناصرالدین شاه فقط یک شاه نبود؛ عکاس بود و نقاش، شعر می‌سرود و داستان می‌نوشت. هر چند علاقه‌ی او به ادبیات و هنر بیشتر از روی تفنن بود تا دغدغه، اما مگر شاهی را سراغ دارید که به‌شکل حرفه‌ای به ادبیات یا هنر بپردازد؟ شاید اگر او شاه نبود و زندگی خود را وقف همین آثار ادبی – هنری می‌کرد، امروز ارج و قرب بیشتری میان مردم ایران داشت. سال‌های طولانی حکومت او چیزی به این سرزمین اضافه نکرد و اگر هم در کشور اصلاحاتی به وجود آمد، همه مدیون اصلاح‌طلبانی بود که یا به‌دستور او کشته شدند و یا در میانه‌ی راه متوقف.

اولین رمان فارسی را چه کسی و در چه سالی نوشته است؟

به این سؤال نمی‌توان پاسخ دقیقی داد. هر چند در برخی آثار که به‌نحوی به تاریخ ادبیات ایران پرداخته‌اند، «سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم‌بیگ» اولین رمان فارسی معرفی شده، با همان قاطعیت نیز می‌توان این ادعا را نفی کرد.

حداقل یک نمونه‌ی رمان فارسی داریم که پیش از کتاب زین‌العابدین مراغه‌ای نوشته شده و آن رمان ناصرالدین شاه قاجار است. «حکایت پیر و جوان» تاریخ ۱۲۸۹ هجری قمری را به همراه دارد که در تقویم شمسی برای با ۱۲۵۱ است. حال آن‌که «سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم‌بیگ» در سال ۱۲۸۵ منتشر شده است. البته بر سیر تاریخ نگارش کتاب مراغه‌ای اتفاق نظر وجود ندارد. وراکویچ‌کوا در کتاب «تاریخ ادبیات ایران» می‌نویسد که این کتاب در سال ۱۸۸۸ نوشته شده و سال‌ها بعد در ۱۹۰۴ امکان انتشار یافته است. اما کریستف بالایی این نظر را نفی می‌کند و سال نگارش آن را ۱۸۸۰ می‌داند.

حتی اگر قول کریستف بالایی را هم صحیح بدانیم، رمان «حکایت پیر و جوان» پیش از کتاب مراغه‌ای نوشته شده است. با این حساب، آیا ناصرالدین شاه اولین رمان‌نویس در ایران است؟ اگر هم نباشد، بدون شک جزو اولین‌هاست و البته که جای تعجب چندانی ندارد.

این به‌هیچ‌وجه تصادفی نیست که شاه ایران به تقلید از نویسندگان غرب قلم به دست می‌گیرد و اصول رمان را در اثر خود رعایت می‌کند. می‌توان رمان در ایران را محصول نهضت ترجمه‌ای دانست که در دهه‌ی ۱۸۲۰ به فرمان عباس میرزا، ولیعهد ایران، آغاز شد. این نهضت نهضتی درباری بود به‌گونه‌ای که مترجمان مقرّین دربار بودند و مخاطبان آن‌ها هم شاه و درباریان. نخستین این ترجمه‌ها آثار تاریخی بودند، مثل آثار ولتر، یعنی «پتر کبیر» و «شارل دوازدهم» که توسط میرزا رضا مهندس، از اولین دانش‌جویان اعزامی به انگلستان، انجام شد. اما در زمان ناصرالدین شاه توجه شاه و دربار به رمان و داستان غرب نیز معطوف می‌شود و از آن پس در کنار کتاب‌های تاریخی، آثاری از رمان‌نویسان فرانسوی ترجمه می‌شود.

شاه رمان نوشته است

دلایل بسیاری وجود دارد که «حکایت پیر و جوان» را یک رمان بدانیم، نه قصه‌ای که به‌شیوه‌ی سنتی ایرانی نگاشته شده است. هر چند، نمی‌توان آن را حتا با رمان‌های عصر خود نیز مقایسه کرد. در همان زمان، آثاری خلق شده بود که پس از گذشت چند صد سال هم چنان در شمار بهترین رمان‌های جهان قرار دارند.

نباید فراموش کرد که کتاب ناصرالدین شاه اهمیتش را از نظر تاریخی به دست می‌آورد، چه از این نظر که یک شاه آن را نوشته و چه از نظر این‌که نتیجه‌ی اولین تلاش‌های ایرانیان در جهت خلق یک گونه‌ی جدید ادبی در ایران است.

کتاب ناصرالدین شاه یک قصه و حکایت نیست، حتا اگر نام آن «حکایت پیر و جوان» باشد. ویژگی‌هایی که برای حکایات و قصه‌ها متصور هستیم، در این کتاب وجود ندارد. جمال میرصادقی در کتاب ادبیات داستانی چندین ویژگی را برای قصه‌ها برشمرده که عبارت‌اند از خرق عادت، پیرنگ ضعیف، مطلق‌گرایی، کلی‌گرایی، ایستایی، همسانی قهرمان‌ها در سخن گفتن، نقش سر‌نوشت، شگفت‌آوری، استقلال حوادث و کهنگی.

در کتاب ناصرالدین شاه، شخصیت‌ها هیچ کار عجیبی که به‌معنای خرق عادت باشد، انجام نمی‌دهند. نه انسان با حیوان صحبت می‌کند و نه غولی از بطری بیرون می‌آید. برخلاف آن، انسان‌ها هستند که از ابتدا تا انتهای داستان با یکدیگر صحبت می‌کنند. حادثه‌ی محیرالعقولی هم که شبکه‌ی استدلالی داستان را سست کند، رخ نمی‌دهد. برعکس، منطق داستانی رعایت شده است. بین همه‌ی رویدادها رابطه‌ی علت و معلولی موجهی وجود دارد که تمام داستان را باورپذیر می‌کند.

شخصیت‌های داستان ناصرالدین شاه نه خوب‌اند و نه بد؛ آدم‌هایی معمولی‌اند که با قهرمانان قصه‌ها هیچ نسبت و شباهتی ندارند.

حرکات و رفتار همه‌ی آن‌ها شرح داده می‌شود. نویسنده حتی رنگ و جنس لباس آنان را هم توصیف می‌کند که همه‌ی این‌ها دلیلی

از لابه لای ورق های دفتر تاریخ

خانواده های قدرتمند در طول تاریخ

می باشد، اولین سلسله پادشاهی آنها در اتریش ایجاد شد. آنها برای شش قرن حکومت می کردند، اما مجموعه ای از ازدواج های سلطنتی بورگاند، اسپانیا، بوهاما، مجارستان و دیگر قلمروها را برای آنها به ارمغان آورد. شعار این سلسله، "جزیره دهید دیگران جنگ کنند، اما شما، اتریش خوشحال، ازدواج خواهد کرد" بود، استعداد هاسبورگ ها را برای ازدواج با دیگر خاندان سلطنتی نشان می دهد، که اتحاد و قلمرو میراثی را برای آنها به ارمغان می آورد. ملکه ماریا ترزا (تصویر پایین)، معروف است که در انجام این کار بسیار حرقه ای عمل می کرده و گاهی اوقات از او با عنوان "جده بزرگ اروپا" یاد می شود.

خانواده بظلمیوس

سلسله بظلمیوس، یک خانواده سلطنتی مقدونیه ای جغرافیدان و منجم بودند، که امپراطوری وابسته به بظلمیوس را برای نزدیک به ۳۰۰ سال در مصر بر عهده داشتند، از ۳۰۵ قبل از میلاد تا ۳۰ قبل از میلاد. بظلمیوس، یکی از هفت محافظی بود که به عنوان ژنرال و معاون های اسکندر بزرگ خدمت می کرد، پس از مرگ اسکندر در سال ۳۲۳ پیش از میلاد، او به عنوان فرماندار مصر تعیین شد. در ۳۰۵ پیش از میلاد، او خود را شاه بظلمیوس اول نامید، که بعدها به عنوان "ناجی" معروف گشت. مصریان به زودی او را به عنوان جانشین فرانعه مصر مستقل پذیرفتند خانواده بظلمیوس تا زمان فتح آن توسط رومیان در ۳۰ پیش از میلاد، بر مصر حکومت کردند. مشهورترین عضو این سلسله، آخرین ملکه آن است؛ کلوپاترا هفتم (تصویر پایین)، او به خاطر نقش خود در مبارزات سیاسی روم ها میان ژولیوس سزار و پومپه معروف می باشد، و بعدها میان اوکتاویان و مارک آنتونی. هنگامی که روم مصر را فتح نمود، او خودکشی کرد و سلسله بظلمیوس به پایان رسید.

خانواده مدیچی

خانواده مدیچی، خانواده قدرتمند و تاثیرگذار فلورانسسی از قرن سیزدهم تا هفدهم می باشد. این خانواده سه پاپ (لئو دهم (تصویر بالا)، کلمنت ششم - و لئو یازدهم)، حاکمان برتر فلورانس (لورنزی برتر، حامی کارهای مشهور هنر رنسانس) و بعدها شماری از خانواده سلطنتی فرانسوی و انگلیسی را تقدیم جامعه نمود. شبیه به دیگر خانواده های برتر، آنها دولت حکمفرما بر شهر بودند.

آنها فلورانس را به زیر قدرت خود کشاندند، و آن را به محیطی تبدیل کردند که در آن هنر و علوم انسانی شکوفا شد. شهر فلورانس، محل تولد رنسانس ایتالیا می باشد که همراه با دیگر خانواده های حاکم بر ایتالیا حکومت می کردند؛ مانند خانواده های وِسْکانِشی و فورزی شهر میلان، ایست از فیروا، و گائوگا از مانتوئا. بانک مدیچی، یکی از مرفه ترین و معتبرترین خانواده ها در اروپا می باشد.

تخمین زده شده است که خانواده مدیچی برای دیره ای، یکی از ثروتمندترین خانواده ها در اروپا محسوب می شد. قدرت سیاسی آنها ابتدا از فلورانس شکوفا شد و بعدها در ایتالیا و اروپا گسترش یافت.

خانواده کاپیشان

سلسله کاپیشان، بزرگ ترین خانه سلطنتی اروپا را دارند. این خانواده شامل نوادگان مستقیم هوگ کاپیت فرانسه، پادشاه خوان کارلوس از اسپانیا، و دوک هنری بزرگ از لوکزامبورگ می باشد، در طول قرن های پیشین، کاپیشان ها در سراسر اروپا گسترش یافتند؛ از حکومت شهری گرفته تا پادشاهی.

علاوه بر این، آنها بزرگ ترین خانواده سلطنتی در تمام اروپا به شمار می آمدند، و همچنین یکی از بزرگ ترین خانواده های سلطنتی بودند که زنا با محارم در آنها رایج بود، بخصوص در پادشاهی اسپانیا. سال های زیادی از دوران قدرت آنها در اروپا گذشته است، اما آنها هنوز هم پادشاه هستند و عناوین دیگری را نیز با خود یک می کشند. در حال حاضر دو پادشاهی کاپیشان ها در اسپانیا و لوکزامبورگ حکمرانی می کنند. علاوه بر این، هفت مدعی سلطنت از این خانواده در برزیل، فرانسه، اسپانیا، پرتغال، یارما، و دو جزیره سیسیل وجود دارد.

در حال حاضر، یکی از اعضای ارشد این خانواده، لوئیس آلفونسو (تصویر پایین)، دوک آنجوا می باشد، که ادعاهای پادشاهی فرانسه را دارد. در مجموع، ده ها تن از شاخه های سلسله کاپیشان، هنوز هم در سراسر اروپا وجود دارند.



(امپراطور)، بود؛ بزرگ ترین امپراطوری پیوسته در طول تاریخ. او با متحد کردن چندین قبیله کوچ نشین در شمال شرقی آسیا، قدرت را در دست گرفت. پس از تاسیس امپراطوری مغولستان و پذیرفتن لقب "چنگیز خان"، او شروع به حمله قفقاز، امپراطوری خوارزم، و سلسله های چیا و چین غربی نمود.

امپراطوری مغولستان، در طول دوران حکومت چنگیزخان، بخش قابل توجهی از آسیای مرکزی را در اختیار گرفت. چنگیزخان پیش از مرگش، اوکتای خان را به عنوان جانشین خود تعیین نمود و امپراطوری اش را میان پسران و نوه هایش تقسیم کرد. او در سال ۱۲۲۷ و پس از شکست دادن تانگات ها از دنیا رفت، او در مغولستان و در مکانی ناشناخته به خاک سپرده شد. فرزندان او مسیر چنگیزخان را ادامه دادند و توانستند بخش قابل توجهی از اوراسیا را تصرف نمایند؛ از چین، کره جنوبی، قفقاز و کشورهای آسیای میانه گرفته تا خاورمیانه و بخش قابل توجهی از اروپای شرقی مدرن.

خانواده های کلودیا و ژولیوس

این دو خانواده در یک موضوع با هم مشترک بودند، و آن این بود که هر دو از خانواده های مهم و ثروتمند روم باستان محسوب می شدند، و سرانجام به یکدیگر پیوستند و سلسله ژولیو-کلودیان را شکل دادند که مشهورترین امپراطوران از آن سر بر آوردند: کالیگولا، آگوستوس (تصویر پایین)، کلودیوس، تیربوس، و نیرو. این پنج امپراطور، امپراطوری روم را از ۲۷ قبل از میلاد تا ۶۸ پس از میلاد اداره نمودند، هنگامی که این خط با خودکشی نیرو به پایان رسید.

این پنج نفر از طریق ازدواج و فرزندخواندگی باژن های این خانواده ارتباط داشتند. گاهی اوقات و به اشتباه، ژولیوس سزار را بنیانگذار این خانواده می نامند؛ در حالیکه او امپراطور نبود و ارتباطی با کلودیان ها نداشت. آگوستوس بنیانگذار پذیرفته شده تری به نظر می آید.

سلطنت امپراطورهای سلسله ژولیو-کلودیان، دارای ویژگی های مشترک و مشابهی می باشد: تمامی آنها از طریق روابط غیر مستقیم یا پذیرفته شده به قدرت رسیده بودند، تمامی آنها قلمرو امپراطوری روم را گسترش دادند و پروژه های ساخت و ساز گسترده ای را آغاز نمودند. نوده مردم آنها را دوست داشتند، اما طبقه سنا از آنها ناراضی بودند. این چیزی است که مورخان باستان نگاشته اند. آنها خانواده ژولیو-کلودیان را خودبزرگ بین، دیوانه، منحرف جنسی، و مستبد تعریف کرده اند.

خانواده ژو

"ژو"، نام خانوادگی امپراطوران سلسله مینگ بود. اولین امپراطور سلسله مینگ، هووانگو (ژو یواهنه هانگ- تصویر پایین)، پذیرفت تا نام مینگ را برای سلسله خود انتخاب نماید. مینگ به معنای "درخشان" است، سلسله مینگ از سال ۱۳۶۸ میلادی تا ۱۶۴۴ میلادی، حاکم کشور چین بود. آنها پس از سقوط سلسله مغول ها به رهبری یوان قدرت را در دست گرفتند، مینگ "یکی از بزرگ ترین دوران در تاریخ، که از حکومت داری منظم و ثبات اجتماعی برخوردار بود"، آخرین سلسله در چین بود که توسط قوم هان اداره شد. اگرچه پایتخت مینگ، یعنی شهر پکن در سال ۱۶۴۴ و در شورشی که به رهبری لی زچینگ بود نابود شد که به زودی توسط سلسله مانچو جایگزین شد (آخرین خانواده سلطنتی چین؛ اما وفاداری رژیم ها به پادشاهی مینگ تا سال ۱۶۶۲ باقی ماند. حکومت مینگ نیروی دریایی بسیار بزرگی را ساخت و در ارتش او بیش از یک میلیون سرباز وجود داشت. پروژه های ساخت و ساز بزرگ و عظیمی در این دوران انجام شد، از جمله بازسازی کانال بزرگ، و دیوار بزرگ، و ساخت شهر ممنوعه در پکن در ۲۵ سال اول قرن پانزدهم میلادی. بر اساس تخمین های صورت گرفته، جمعیت چین در دوران مینگ، بین ۱۶۰ تا ۲۰۰ میلیون بوده است. سلسله مینگ در تمدن چین جایگاهی ویژه دارد و اولین نشانه های کاپیتالیسم را می توان در این دوران مشاهده کرد.

هاسبورگ

خانه هاسبورگ، خانه سلطنتی مهمی در اروپا محسوب می شود و پیشتر به خاطر امپراطورهای منتخب روم مقدس در بین سال های ۱۴۵۲ تا ۱۷۲۰ میلادی و همچنین حاکمان اسپانیا و امپراطوری اتریش معروف و شناخته شده می باشد. منشاء این خانواده کشور سوئیس

در این لیست به معرفی ده خانواده قدرتمند در طول تاریخ می پردازیم که با نقش خود مسیر تاریخ را در بسیار از نقاط جهان تغییر دادند.

خانواده روسچایلد

خانواده روسچایلد، یک خاندان مالی و بانکداری بین المللی است که ریشه یهودی-آلمانی دارد و در سراسر اروپا فعال بود که توسط دولت های اتریش و بریتانیا، مور تجلیل قرار گرفت. رشید این خانواده و رسیدن آن به شهرت بین المللی، با عایر آمیشیل روسچایلد (۱۸۱۲-۱۷۴۴ تصویر پایین) آغاز گشت، که استراتژی اش برای موفقیت آینده، حفظ کنترل تجارت های آنها در دست های خانواده بود و به آنها اجازه می داد تا با تمایل خود میزان ثروت شان را مشخص سازند و به موفقیت های شغلی و تجاری دست یابند.

عایر روسچایلد با تنظیم کردن ازدواج های دقیق در نزدیکان خود، سبب حفظ ثروت در خانواده و افزایش آن شد. او کسب و کار خود را در شهر لندن در سال ۱۸۱۱ و با عنوان روسچایلد و پسران آغاز کرد که هنوز نیز وجود داشته و به تجارت مشغولند. در سال ۱۸۱۸، او به دولت پروسان وام ۵ میلیون پوندی داد. و صدور اوراق قرضه برای وام های دولتی، کسب و کار دائمی را برای بانک او ایجاد نمود. قدرت او در شهر لندن در سال های ۱۸۲۵ و ۱۸۲۶ میلادی به حدی رسید که می توانست پول کافی در اختیار بانک انگلستان قرار دهد تا با بحران نقدینگی مواجه نشود.

پلاتانگینیت

در بازی شطرنج و خط، این خانواده پلاتانگینیت یا تودور ها بودند که پیروز شدند؛ بیشتر توسعه فرهنگ کشور انگلستان و سیستم سیاسی (که تا به امروز نیز باقی است)، تحت حکومت آنها رشد یافت. هنگامی که آنها حکومت را به دست گرفتند، کلیسای انگلستان شکل گرفت و برخی می گویند دوران عصر طلایی در این دوره رخ داد، اما اهمیت خط سیر پلاتانگینیت ها بسیار بیشتر از این بود (و علاوه بر این، تبار هنری هشتم از تودور ها بود). خانه آنها، خانه سلطنتی بود که توسط هنری دوم انگلستان، پسر جفری پنجم از آنجو، ساخته شده بود.

پادشاهان پلاتانگینیت، ابتدا در قرن دوازدهم میلادی بر انگلستان حکمفرمایی کردند. در مجموع، پانزده پادشاهی سلطنتی پلاتانگینیت از سال ۱۱۵۴ میلادی تا سال ۱۴۸۵ میلادی بر انگلستان حکومت کردند، از جمله آنهایی که متعلق به شاخه کادیت ها بودند. در طول دوران حکومت پلاتانگینیت ها، فرهنگ و هنر انگلیسی متفاوتی پدیدار گشت، که توسط برخی از پادشاهان تشویق می شد که خود از حامیان و طرفداران "پدر شعر انگلیسی"، جیوفری کاسیر، بودند.

سیک معماری گوتیک در این دوران بسیار محبوب بود؛ از جمله ساختمان های بازسازی شده کلیسای وست مینستر و کلیسای بزرگ یورک. همچنین، توسعه هایی در بخش اجتماعی صورت گرفت، مانند جان اول انگلستان که معاهده مگنا کارتا (تصویر پایین) را امضا نمود، این معاهده در توسعه قانون عمومی و قانون اساسی، نقش بسزایی ایفا کرد. نهادهای سیاسی مانند پارلمان انگلستان در این دوران به وجود آمد؛ همچنین نهادهای آموزشی چون دانشگاه کمبریج و دانشگاه آکسفورد.

خانواده نهرو-گاندی

خانواده نهرو-قیروز گاندی، یک خانواده سیاسی هندی به شمار می آید که در تاریخ اولیه استقلال هند، پیشتر کرسی های مجلس را در اختیار خود داشتند. سه تن از اعضای این خانواده (پاندیت جواهر نهرو، دختر او ایندیرا گاندی، و پسر این دختر راجیو گاندی) از نخست وزیران هند بودند، که دو نفر از آنها (ایندیرا و راجیو گاندی) ترور شدند.

چهارمین عضو این خانواده، سونیا گاندی، در حال حاضر رئیس کنگره هندوستان است، در حالیکه پسر او و راجیو، یعنی راهول گاندی، جوان ترین عضو این خانواده است که وارد دنیای سیاست گشته است؛ او وارد رقابت های انتخاباتی برای مجلس ولسی شد و توانست در سال ۲۰۰۴، یک کرسی در این مجلس به دست آورد. خانواده نهرو-قیروز گاندی هیچ ارتباطی با رهبر استقلال هندوستان، یعنی ماهاتما گاندی ندارد. این خانواده، برجسته ترین نمونه سنت رهبری دودمانی در کشورهای دموکراتیک قاره آسیا به شمار می آید.

خانواده خان

چنگیز خان، بنیانگذار امپراطوری مغول ها، خان (حاکم) و خاگان





زیادی داشتند و به جای این که جنگجویان در بار، دیوان سالار و افراد ثروتمند در نظر گرفته شوند، شمشیر خود را غلاف کردند. اگر چه آنها همچنان شمشیر خود را به همراه داشتند، اما دلیل این موضوع در آن زمان بیشتر نشان دهنده قدرت آنها بود تا این که بخواهند برای دفاع شمشیر خود را بکشند.

مهارت فوق العاده سامورایی هادر تیراندازی

تاکنون متوجه شدید که فرهنگ سامورایی تاریخچه بسیار قدیمی یا شمشیر و شمشیرزنی دارد. با این حال، اکنون باید به شما بگویم که علاوه بر شمشیر بازی، سامورایی هادر استفاده از تیر و کمان نیز مهارت بسیار زیادی داشتند. زمانی که هنوز از کمان بلند به عنوان یک سلاح استفاده نمی شد، هنر کن جونسو در این راه اندازی شد و این فعالیت ورزشی بیشتر مورد توجه قرار گرفت.

یکی از تمرین های تیراندازی با کمان در آن زمان که توسط سامورایی ها انجام می شد، تمرین پابوسامه بود. در این تمرین، افراد سامورایی باید همزمان با اسب دوایی، با تیر و کمان تیراندازی هم می کردند. در حال حاضر هم این تمرین در مراسم ها و جشنواره های خاص ژاپن برگزار می شوند و اگر به این کشور سفر کردید و در مراسم های این چنینی رفتید، می توانید تماشا کنید این تمرین نهایت لذت را ببرید.

شخصیت زان در فرهنگ سامورایی؛

ژاننی شجاع و دلیر در کشور

ژان در فرهنگ سامورایی در آن زمان که با نام «اونا-یوگیشا» شهرت داشتند، مانند فرهنگ های دیگر در آن زمان فقط در پس زمینه نبودند و نقش خیلی بیشتری داشتند.

نکته جالب توجه این است که وجود ژان برای ادامه دوام میراث سامورایی اهمیت خیلی زیادی داشت و آنها برای ژان احترام قائل بودند. ژان سامورایی در هنر های جنگی مختلف و به خصوص برای استفاده از ناگینا (نوعی سلاح سرد دسته دار) آموزش کاملی دیده بودند و می توانستند با استفاده از این سلاح، از خانواده و فرزندان خود در برابر دشمنان در مواقع ضروری و درگیری محافظت کنند.

علاوه بر هنر ها و مهارت های رزمی، این ژان در موارد دیگری مانند آموزش اصول پوشید و نحوه مدیریت و کنترل خانه، تأمین اتحاد سیاسی از طریق از دواج های استراتژیک، نقش بسیار مهمی در فرهنگ سامورایی داشتند. حتی تعداد خیلی زیادی از داستان های مختلف درباره ژان سامورایی منتشر شده اند که همه این داستان ها نشان دهنده مهارت فوق العاده آنها در جنگیدن و شجاعت بی نظیر آنها هستند.

در نهایت، باید درباره ژان سامورایی بدانید که مشارکت آنها اهمیت بسیار زیادی در تضمین دوام فرهنگ سامورایی و رفتار مردم این فرهنگ داشته است. این مسئله نشان می دهد که ژان نقش فوق العاده پر رنگی در فرهنگ سامورایی داشتند و آنها علاوه بر جنگیدن مهارت های برجسته دیگری نیز داشتند که منجر به تدوین و رخس سامورایی ها شده بود.

افول فرهنگ سامورایی؛ خداحافظی با جنگجویان دلیر ژاپن

در نهایت در اواخر قرن نوزدهم، سامورایی هایه مرور زمان زوال یافتند و قدرت خود را از دست دادند. زیرا در آن زمان، کشور ژاپن مرزهای دریایی خود را به روی نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا باز کرده بود و با انجام این کار، خانواده امپراتوری در سال ۱۸۶۸ توانستند قدرت خود را مجدداً پس بگیرند. در نتیجه، دیگر مردم سامورایی نمی توانستند مانند گذشته در ملاعام ظاهر شوند و خود را به دیگران نشان دهند.

سپس در اواخر قرن نوزدهم، به طور کامل طبقه سامورایی در ژاپن منسوخ شد. در آن زمان افسران بالار تیه ارتش که در میان سامورایی ها بودند و هنوز انگیزه و هیجان زیادی برای خدمت کردن به ژاپن داشتند، با استفاده از سطح سواد بالای خود به نویسندگی، خبرنگاری و امور اداری چینی تبدیل شدند و به دولت ژاپن خدمت کردند.

میراث سامورایی ها؛

جذاب ترین مکان های تاریخی و دیدنی ژاپن

کشور ژاپن و مردم آن به جنگجویان شجاع و دلیر گذشته خود افتخار می کنند.

به همین دلیل هم می توان آثار و نشانه هایی از راه این جنگجویان را در سراسر این کشور زیبا به راحتی مشاهده کرد.

فرقی ندارد که بخواهید برای تماشای میراث سامورایی هایه باز دید از قلعه های بزرگ بر ویجا جشنواره های ژاپن را انتخاب کنید.

در قلعه های بزرگ ژاپن می توانید اطلاعات زیادی درباره نیروهای خونین گذشته این کشور به دست بیاورید و در جشنواره ها هم تاحد خیلی زیادی فرهنگ سامورایی را بشناسید.

همچنین باز دید از میدان نبرد های بزرگ سامورایی ها با غار کوچکی که موساشی در آنجا کتاب پنج حلقه انوشتم خالی از لطف نیست.

سامورایی ها؛ جنگجویانی که روح ژاپن را ساختند

فرهنگ سامورایی فقط به شمشیر و میدان نبرد محدود نمی شد؛
این جنگجویان با سواد و منضبط با تلفیق هنر، فلسفه، مدیتیشن و آیین پوشید و، تأثیری ماندگار
بر سیاست، فرهنگ و هویت ژاپن گذاشتند.
میراث آنان هنوز هم در قلعه ها، آیین ها، هنر ها و روحیه مردم ژاپن دیده می شود.

انجام این کار، آنها ذهن خود را آرام می کردند و بر انگیزگی های ذهنی را تاحد خیلی زیادی از خود دور می کردند. مدیتیشن باعث شد تا جنگجویان علاوه بر افزایش مهارت های خود، به قدرت فلسفی دست پیدا کنند و خیلی راحت تر بتوانند با مرگ اجتناب ناپذیر خود مقابله کنند.

با توجه به این موارد، می توان گفت که این آیین بودایی و مدیتیشن باعث شد که روش جنگجویان سامورایی تاحد خیلی زیادی تحت تأثیر قرار بگیرد و کامل تر شود.

از قرن سیزدهم تا ۴۰۰ سال بعد یعنی در قرن هفدهم، شیوه های جدیدی از آیین آیین بودایی به وجود آمدند.

برخی از این شیوه ها و مراسمات شامل مواردی مانند مراسم جای، مراسم نقاشی با جوهر تک رنگ، باغ های صخره ای و سایر موارد این چنینی بودند که سامورایی نقش زیادی در آنها داشتند.

آموزه های آیین بودایی چنان تأثیر زیادی روی فرهنگ سامورایی داشت که روز به روز بیشتر در زندگی جنگجویان سامورایی ریشه دوانید.

این تأثیر شگرف به اندازهای بود که حتی برخی از جنگجویان سامورایی شمشیر خود را کنار گذاشته بودند و دیگر نمی جنگیدند.

ترکیب جدانشدنی جنگجویان سامورایی و شمشیر هایشان

همان طور که تاکنون متوجه شدید، فرهنگ سامورایی ترکیب جدانشدنی با شمشیر دارد و این فرهنگ در واقع نشان دهنده روح ظریف و دوست داشتنی جنگجویان ماهر است. شما حتی می توانید با کمی تحقیق، تعداد زیادی از تصاویر جنگجویان سامورایی به همراه سلاح های جنگی و شمشیر هایشان را مشاهده کنید که به شکل استادانه ای به تصویر کشیده شده اند.

بسیاری از افراد اعتقاد دارند که این تصاویر که مردم سامورایی و شمشیر هایشان را به نمایش می گذارند، در واقع نشان دهنده موقعیت اجتماعی و افتخار غرور آفرین جنگجویان سامورایی است.

در اواسط دهه ۱۶۰۰، میاموتو موساشی که یکی از مشهورترین شمشیربازان سامورایی شناخته می شد و همه افراد به او احترام



می گذاشتند و یکی از افراد شکست ناپذیر به شمار می آمد، کتاب پنج حلقه را نوشت. او در این کتاب درباره انواع استراتژی و تاکتیک های نظامی صحبت کرده است و حتی در حال حاضر هم آموزه های او به شکل گسترده ای منتشر شده اند. این آموزه ها تا حد خیلی زیادی تحت تأثیر آیین بودایی و مدیتیشن هستند.

در مدت زمان دوره ادو در ژاپن، شوگونات توکوگاوا به دنبال این بود تا بتواند ژاپن را سراسر متحد کند و شرایط صلح آمیزی در این کشور به وجود بیاورد. برای رسیدن به این هدف، سامورایی ها اهمیت خیلی

فرهنگ سامورایی نقش بسیار مهمی در وضعیت و سطح نظامی کشور ژاپن داشته است و موجب شده که این کشور در حالتی که هم اکنون دارد، در بیاید. اگر چه سامورایی هادر حال حاضر وجود ندارند، اما تأثیر فوق العاده زیادی روی فرهنگ ژاپن گذاشته اند.

پس اگر علاقمند به افزودن اطلاعات خود در این زمینه دارید، حتماً تا پایان این مقاله مطالعه فرمایید تا بیشتر با فرهنگ این مردمان در گذشته آشنا شوید.

ظهور فرهنگ سامورایی و تأثیر فوق العاده آن هابر مردم ژاپن

زمان ظهور و برپایی جنگجویان سامورایی مربوط به اواخر دوره هیان

است که در آن زمان این

جنگجویان استانی بعد از

جنگیدن فوق العاده حرقه ای و

بدون واهمه، به جنگجویان

نظامی قدرتمند تبدیل شدند.

یکی دیگر از مهم ترین دلایلی که

آنها خود را نمایان کردند، این

است که در آن زمان امپراتوری

ژاپن نیاز بسیار زیادی به نیروی

ماهر و مسلح برای جنگیدن و

محافظت از منافع کشور خود در

برابر بیگانگان داشت. در این

دوره به پایه یا خاستن سامورایی ها،

به مرور زمان روی جامعه و

سیاست ژاپن تسلط پیدا کردند و

توانستند تأثیر زیادی روی این

موارد بگذارند.

مردم سامورایی؛ افرادی جنگجو

و رهبرانی با سواد

همان طور که پیش از این نیز به اختصار گفتیم، در فرهنگ سامورایی مردم علاوه بر جنگیدن، رفتار و منش فوق العاده خوبی هم داشتند. علاوه بر این موارد، خوب است بدانید که سامورایی ها نه تنها جنگجویان فوق العاده حرقه ای و ماهر بودند، بلکه سواد خیلی زیادی هم داشتند و به عنوان مردمانی با فرهنگ شناخته می شدند. سواد، هوش و کاوت آنها باعث شد که مهارت های جنگیدن و دفاع از خود را خیلی راحت تر و بهتر یاد بگیرند.

مردم سامورایی از شنیدن شعر و موسیقی و انجام کارهایی مانند خوشنویسی لذت خیلی زیادی می بردند. این افراد مطالعه زیادی می کردند و دانش بسیاری در باره حوزه های مختلف داشتند. تمام این موارد موجب شدند که این جنگجویان تحصیل کرده و با سواد، بتوانند تسلط دولت ژاپن را به دست بگیرند و تأثیر مثبتی روی این کشور بگذارند.

تأسیس اولین دولت سامورایی هادر ژاپن و تنزیل پادشاه پیشین

در سال ۱۱۶۰، شخصی به نام تایرانو کوموری قبیله میناموتو را شکست داد و اولین دولت تحت رهبری سامورایی هادر کشور ژاپن تأسیس کرد. بعد از تأسیس این دولت، امپراتور ژاپن کنترل و تسلط خود را از دست داد و از مقام خود تنزیل یافت.

تا آن زمان در دوره هیان، سامورایی ها برای خدمت کردن به اشراف و محافظت از سرزمین ثروتمندان به کار گرفته می شدند. سپس با وجود کمک ها حمایت های سیاسی و منابع مختلف، توانستند به قدرت برسند. با این حال، میزان سلطنت تایر چندان دوامی نداشت و در سال ۱۱۹۲ و در آغاز دوره کاماکورا (Kamakura)، میاموتو توانست عنوان شوگون (shogun) دریافت کند که به معنای لقب سپهسالاری است. این اتفاق موجب شد که او بتواند حکومت از دست رفتم ژاپن را از تایر گرفته و مجدداً به دست بیاورد.

بسیار زیادی در عنوان دولت و نظامی بالایی در طول زمان حکومت کردند که هر کدام به شیوه خود، رهبری کشور را به گونه ای تغییر می دادند. با این حال، به نظر می رسد که فرهنگ سامورایی به خاطر داشتن مهارت های فوق العاده زیاد در جنگیدن و سواد بالا، تأثیر خیلی بیشتری روی فرهنگ ژاپن داشته است. تأثیر این جنگجویان نخبه روی کشور ژاپن به گونه ای بود که در دوره ادو (Edo)، سطح سواد ژاپن از اروپای مرکزی هم فراتر رفت.

شروع مدیتیشن با فرهنگ سامورایی برای آرام کردن ذهن

شاید برای شما جالب باشد که بدانید مدیتیشن هم از فرهنگ سامورایی نشأت گرفت. از قرن سیزدهم رفتار مردم سامورایی تاحد خیلی زیادی تحت تأثیر آیین بودایی ذن بود.

این آیین بودایی افراد را به آرام کردن ذهن تشویق می کرد. در آن زمان سامورایی ها یاد گرفته بودند تا با شمشیر خود ترکیب شوند. برای

چرا یادگیری موسیقی در بزرگسالی یک انتخاب سرنوشت ساز است؟

در دنیایی که سرعت زندگی، فشارهای کاری، اضطراب‌های روزمره و وابستگی مداوم به تلفن‌های همراه و شبکه‌های اجتماعی ذهن انسان را خسته کرده، موسیقی می‌تواند به یکی از معدود پناهگاه‌های واقعی برای آرامش و بازسازی ذهن تبدیل شود. برخلاف تصویری که سال‌ها وجود داشت، یادگیری ساز فقط مخصوص کودکان یا هنرمندان حرفه‌ای نیست؛ بلکه بسیاری از بزرگسالان امروز در سنین مختلف به سراغ موسیقی می‌روند تا دوباره با بخش خلاق، آرام و فراموش‌شده وجود خود ارتباط برقرار کنند. پژوهش‌های علمی نیز نشان می‌دهد یادگیری موسیقی در بزرگسالی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر حافظه، تمرکز، کاهش استرس، سلامت روان و حتی کیفیت روابط اجتماعی انسان داشته باشد. شاید به همین دلیل است که برای بسیاری از افراد، نواختن یک ساز فقط یادگیری چند نت موسیقی نیست؛ بلکه راهی تازه برای نفس کشیدن در میان هیاهوی زندگی مدرن است.



کسی سازی می‌نویسد، دیگر فقط مصروف کننده نیست؛ او در حال آفریدن چیزی تازه است، حتی اگر آن فقط چند نت ساده باشد.

شاید به همین دلیل است که بسیاری از کسانی که در بزرگسالی موسیقی را آغاز می‌کنند، بعد از مدتی احساس می‌کنند بخشی فراموش‌شده از وجودشان دوباره زنده شده است. بخشی که سال‌ها زیر فشار کار، اضطراب و روزمرگی پنهان مانده بود.

در نهایت، یادگیری موسیقی فقط درباره نواختن یک ساز نیست؛ بلکه درباره یاد گرفتن دوباره زندگی کردن است. درباره این است که انسان بتواند میان هیاهوی جهان مدرن، لحظه‌ای مکث کند، نفس بکشد و صدای درون خودش را بشنود.

شاید هیچ‌کس نتواند دقیقاً پیش‌بینی کند که یادگیری یک ساز چه تغییری در زندگی یک انسان ایجاد خواهد کرد، اما یک چیز تقریباً قطعی است: موسیقی اغلب چیزی را درون آدم بیدار می‌کند که مدت‌ها خاموش بوده است.



یادگیری موسیقی در بزرگسالی فقط یک سرگرمی ساده نیست؛ بلکه نوعی تمرین ذهنی و احساسی عمیق است که می‌تواند بر حافظه، تمرکز، اعتماد به نفس و سلامت روان تأثیر قابل توجهی بگذارد. نواختن یک ساز، انسان را وادار می‌کند برای دقایقی از هیاهوی جهان فاصله بگیرد، آهسته‌تر نفس بکشد و با احساسات درونی خود ارتباط برقرار کند.

موسیقی بسیار در دسترس‌تر شده است. کلاس‌های آنلاین، ویدیوهای آموزشی، اپلیکیشن‌ها و منابع دیجیتال باعث شده‌اند افراد در هر سنی بتوانند بدون محدودیت جدی وارد دنیای موسیقی شوند. حتی روزی پانزده یا بیست دقیقه تمرین مداوم می‌تواند در طول زمان تغییر بزرگی ایجاد کند.

یکی از زیباترین جنبه‌های موسیقی این است که هیچ‌وقت برای شروع آن دیر نیست. در سراسر جهان افراد بسیاری هستند که در چهل، پنجاه یا هفتادسالگی برای نخستین بار ساز به دست گرفته‌اند و بعدها موسیقی به یکی از مهم‌ترین بخش‌های زندگی‌شان تبدیل شده است.

آنها شاید هرگز نوازنده حرفه‌ای نشده باشند، اما چیزی ارزشمندتر به دست آورده‌اند: آرامش، اعتماد به نفس و احساس معنا.

زندگی مدرن انسان را بیش از حد به سمت مصرف‌کردن سوق داده است؛ مصرف خیر، تصویر، شبکه اجتماعی و اطلاعات بی‌پایان. موسیقی اما انسان را دوباره به خلق کردن نزدیک می‌کند. وقتی

است، نه تبدیل شدن به یک ستاره مشهور.

موسیقی همچنین می‌تواند روابط اجتماعی را تقویت کند. بسیاری از افراد از طریق کلاس‌های موسیقی، گروه‌های هنری یا اجراهای کوچک دوستان تازه پیدا می‌کنند و احساس انزوا و تنهایی کمتری دارند. این موضوع به‌ویژه برای افرادی که در مهاجرت، بازنشستگی یا تغییرات بزرگ زندگی دچار تنهایی شده‌اند، اهمیت زیادی دارد.

از سوی دیگر، یادگیری موسیقی نوعی بازگشت به خلاقیت است. بسیاری از بزرگسالان پس از سال‌ها کار و مسئولیت، به تدریج بخش خلاق وجود خود را فراموش می‌کنند. موسیقی دوباره این بخش خاموش را بیدار می‌کند. انسان هنگام نواختن ساز، فقط صدا تولید نمی‌کند؛ بلکه احساسات، خاطرات و جهان درونی خود را بیان می‌کند.

در سال‌های اخیر حتی پزشکان و روان‌درمانگران نیز بیش از گذشته به تأثیر موسیقی توجه کرده‌اند. موسیقی درمانی امروز در بسیاری از کشورها برای کاهش اضطراب، افسردگی، استرس پس از سانحه و حتی دردهای مزمن استفاده می‌شود. اگر شنیدن موسیقی چنین اثری دارد، طبیعی است که نواختن آن تأثیری عمیق‌تر بر ذهن و روان انسان بگذارد.

انتخاب ساز نیز مسئله مهمی است. برخی افراد با صدای آرام پیانو ارتباط برقرار می‌کنند، بعضی‌ها به انرژی گیتار علاقه دارند و برخی دیگر در سازهای سنتی مانند تار، سه‌تار، سنتور یا دف احساس نزدیکی بیشتری پیدا می‌کنند. مهم‌ترین نکته این است که فرد ساز را انتخاب کند که واقعاً دوستش دارد، نه سازی که فقط «مناسب‌تر» به نظر می‌رسد.

امروز برخلاف گذشته، یادگیری

چیز یا سرعت اتفاق می‌افتد، یادگیری ساز فرایندی آهسته و تدریجی است. هیچ‌کس در چند هفته نوازنده حرفه‌ای نمی‌شود. همین مسئله باعث می‌شود فرد مفهوم تمرین، تکرار و پیشرفت تدریجی را دوباره تجربه کند؛ مفهومی که بسیاری از ما در زندگی مدرن فراموش کرده‌ایم.

برخلاف تصور رایج، بزرگسالان در برخی زمینه‌ها حتی می‌توانند از کودکان موفق‌تر باشند. آنها معمولاً انگیزه آگاهانه‌تری برای یادگیری دارند، بهتر تمرین می‌کنند و ارزش زمان را بیشتر می‌دانند. کودکان شاید سریع‌تر بعضی مهارت‌های حرکتی را یاد بگیرند، اما بزرگسالان اغلب با درک عمیق‌تر، احساسات قوی‌تر

تحقیقات نشان داده افرادی که در بزرگسالی موسیقی یاد می‌گیرند، در بسیاری از موارد تمرکز بهتر، حافظه قوی‌تر و انعطاف ذهنی بیشتری پیدا می‌کنند. حتی در برخی مطالعات مشخص شده که موسیقی می‌تواند روند فرسایش شناختی مغز در سنین بالا را کندتر کند. به بیان ساده‌تر، یادگیری موسیقی نوعی ورزش برای مغز محسوب می‌شود؛ ورزشی که نه تنها ذهن را فعال نگه می‌دارد، بلکه احساس زنده بودن را نیز تقویت می‌کند.

یکی دیگر از مهم‌ترین تأثیرات موسیقی بر سلامت روان است. بسیاری از بزرگسالان به دلیل



در دنیایی که فشارهای روانی، سرعت زندگی و فرسودگی ذهنی به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی بزرگسالان تبدیل شده، موسیقی می‌تواند راهی برای بازگشت به آرامش، تمرکز و ارتباط دوباره با خویشتن باشد. برخلاف باور قدیمی که یادگیری ساز را محدود به کودکی می‌دانست، امروز پژوهش‌های علمی نشان می‌دهد مغز انسان در هر سنی توانایی یادگیری، رشد و ایجاد مسیرهای عصبی تازه را دارد. به همین دلیل بسیاری از افراد در دهه‌های سی، چهل یا حتی شصت سالگی برای نخستین بار سراغ ساز می‌روند؛ نه فقط برای یادگیری موسیقی، بلکه برای تجربه نوعی آرامش، خلاقیت و معنا در زندگی روزمره

فشارهای زندگی، فرصت بیان احساسات خود را از دست می‌دهند. موسیقی اما فضایی امن برای تخلیه احساسات ایجاد می‌کند. گاهی نواختن چند دقیقه پیانو، گیتار، ویولن یا حتی دف، می‌تواند آرامشی ایجاد کند که ساعت‌ها استراحت یا سکوت قادر به فراهم کردنش نیست.

موسیقی همچنین به انسان کمک می‌کند دوباره صبر کردن را یاد بگیرد. در دوره‌ای که همه

سال‌ها تصور می‌شد یادگیری موسیقی و نواختن ساز، مهارتی است که باید از کودکی آغاز شود؛ انگار بزرگسالان برای ورود به دنیای موسیقی دیر کرده‌اند. بسیاری از افراد در دهه‌های سی، چهل یا حتی شصت سالگی هنوز با حسرت به سازی نگاه می‌کنند که روزی دوست داشتند یاد بگیرند اما هیچ‌وقت فرصت یا جرأت شروع را پیدا نکردند. با این حال، پژوهش‌های جدید علوم اعصاب و روان‌شناسی نشان می‌دهد که یادگیری موسیقی در بزرگسالی نه تنها دیر نیست، بلکه می‌تواند یکی از بهترین تصمیم‌ها برای سلامت ذهن، کیفیت زندگی و حتی رشد شخصیتی انسان باشد.

در دنیای پرتنش امروز، بزرگسالان بیش از هر زمان دیگری درگیر فشارهای روانی، اضطراب، فرسودگی شغلی و آشفتگی ذهنی هستند. بسیاری از آدم‌ها روزهایشان را میان کار، مسئولیت، اخبار، شبکه‌های اجتماعی و دغدغه‌های مالی سپری می‌کنند؛ بدون آنکه فرصتی واقعی برای ارتباط دوباره با خودشان داشته باشند. موسیقی می‌تواند دقیقاً همان نقطه اتصال گمشده باشد؛ زبانی که بدون نیاز به توضیح، انسان را به احساسات، آرامش و تمرکز بازمی‌گرداند.

یادگیری یک ساز فقط آموختن چند نت یا اجرای یک قطعه موسیقی نیست. این فرایند در واقع نوعی تمرین ذهنی و احساسی عمیق است که مغز را وادار می‌کند به شیوه‌ای متفاوت عمل کند. هنگام نواختن ساز، بخش‌های مختلف مغز به‌طور همزمان فعال می‌شوند؛ حافظه، تمرکز، هماهنگی حرکتی، شنوایی و احساسات، همگی درگیر می‌شوند تا یک قطعه موسیقی شکل بگیرد. به همین دلیل دانشمندان معتقدند موسیقی یکی از کامل‌ترین تمرین‌های مغزی برای انسان است.

تابستان، گرومینگ و سلامت حیوانات خانگی؛ چیزهایی که هر خانواده باید بداند

با شروع روزهای گرم تابستان، مراقبت از حیوانات خانگی اهمیت بیشتری پیدا می کند؛ مخصوصاً برای سگ ها و گربه هایی که پوشش مویی ضخیم تری دارند. یازمان زیادی را بیرون از خانه می گذرانند. بسیاری از خانواده ها تصور می کنند گرومینگ فقط برای زیبایی حیوان است، در حالی که در فصل گرما، رسیدگی حرفه ای به مو، پوست، گوش ها و پنجه ها می تواند نقش مهمی در سلامت، راحتی و حتی پیشگیری از گرمزدگی و مشکلات پوستی داشته باشد. از پرس کشیدن منظم گرفته تا اصلاح اصولی و مراقبت از پوست، همه این موارد بخشی از نگهداری مسئولانه از حیوانات خانگی در تابستان هستند.

هر سال یا شروع روزهای گرم تابستان، تعداد تماس ها و مراجعه های صاحبان حیوانات خانگی به سالن های پت گرومینگ بیشتر می شود. خیلی از خانواده ها در این فصل تازه متوجه می شوند که گرمای هوا فقط برای انسان ها خسته کننده نیست؛ بلکه می تواند برای سگ ها و گربه ها خطرناک و حتی گاهی مرگبار باشد. به عنوان کسی که سال ها در زمینه پت گرومینگ کار کرده ام، هر تابستان با حیواناتی روبه رو می شوم که به دلیل مراقبت نادرست در هوای گرم دچار مشکلات پوستی، گره های شدید



مو، کم آبی بدن، سوختگی پنجه یا حتی گرمزدگی شده اند. بسیاری از این مشکلات با کمی آگاهی و مراقبت قابل پیشگیری هستند. بعضی از خانواده ها تصور می کنند گرومینگ فقط به معنی کوتاه کردن مو یا زیباتر شدن حیوان است، در حالی که در واقع گرومینگ بخش مهمی از سلامت حیوانات خانگی محسوب می شود؛ مخصوصاً در تابستان. در روزهای گرم، وضعیت پوست، مو، گوش ها، ناخن ها و حتی تنفس حیوان اهمیت بیشتری پیدا می کند و یک گرومر حرفه ای معمولاً خیلی زود می تواند نشانه های اولیه مشکلات را تشخیص دهد. یکی از رایج ترین مشکلاتی که در تابستان می بینیم، گره های شدید و فشرده شدن موهاست. خیلی از صاحبان حیوانات فکر می کنند چون هوا گرم است، موی بلند حیوان به تنهایی او را خنک نگه می دارد و نیازی به پرس کشیدن مرتب نیست، اما حقیقت دقیقاً برعکس است. وقتی موها گره می خورند و به پوست می چسبند، هوا دیگر نمی تواند بین موها جریان پیدا کند. در نتیجه گرما در

بدن حیوان حبس می شود و احتمال التهاب پوستی، قارچ، عفونت و گرمزدگی بالا می رود. بعضی وقت ها حیوانی وارد سالن می شود که لایه ای ضخیم از موی فشرده روی بدنش شکل گرفته؛ تا حدی که پوست دیگر دیده نمی شود. در چنین شرایطی حیوان نه تنها احساس گرمای شدید دارد، بلکه حرکت برایش سخت می شود و پوستش هم به درستی تنفس نمی کند. متأسفانه بعضی از حیوانات در زیر این گره ها زخم، التهاب یا حتی انگل دارند و صاحبشان اصلاً متوجه نشده است. در تابستان پرس کشیدن منظم

اهمیت بسیاری زیادی دارد؛ مخصوصاً برای نژادهایی که موهای دولایه یا بلند دارند. سگ هایی مانند گلدن رتریور، پامرانین، هاسکی، شی تزو یا گربه های پرشین نیاز به مراقبت بیشتری دارند. خیلی از خانواده ها تصور می کنند باید تمام موهای حیوان را کامل تراشید تا خنک شود، اما این کار همیشه درست نیست. در بسیاری از نژادها، موها نقش عایق طبیعی دارند و علاوه بر حفظ دمای بدن، از پوست در برابر نور خورشید محافظت می کنند. تراشیدن بیش از حد بعضی سگ ها می تواند باعث آفتاب سوختگی یا آسیب پوستی شود، به همین دلیل همیشه توصیه می کنم خانواده ها قبل از تصمیم گرفتن برای کوتاه کردن مو، با یک گرومر حرفه ای مشورت کنند.

گرومینگ حرفه ای فقط کوتاه کردن مو نیست، در یک جلسه کامل گرومینگ، وضعیت پوست، گوش ها، ناخن ها، چشم ها و حتی رفتار حیوان بررسی می شود. خیلی از مشکلات سلامتی اولین بار هنگام گرومینگ دیده می شوند. بارها پیش آمده که

هنگام شستن یا خشک کردن موها، متوجه توده پوستی، التهاب گوش، زخم یا وجود کنه شده ایم و حیوان را سریع به دامپزشک ارجاع داده ایم. در تابستان، مشکلات گوش هم بیشتر می شود؛ مخصوصاً در سگ هایی که گوش های بلند یا پر مو دارند. رطوبت و گرما محیط مناسبی برای رشد باکتری و قارچ ایجاد می کند. اگر گوش حیوان به درستی تمیز نشود، عفونت می تواند خیلی سریع پیشرفت کند. بعضی سگ ها به دلیل خارش شدید، مدام گوش خود را می خراشند یا سرشان را تکان می دهند. اینها نشانه هایی هستند که نباید نادیده گرفته شوند. یکی دیگر از مشکلات رایج فصل گرما، ناخن های بلند است. شاید در نگاه اول ساده به نظر برسد، اما ناخن های بیش از حد بلند می توانند روی نحوه راه رفتن حیوان تأثیر بگذارند و به مفاصل فشار وارد کنند. در تابستان که فعالیت حیوان بیشتر می شود، مراقبت از پنجه ها اهمیت بیشتری پیدا می کند.

موضوع مهم دیگر، حمام کردن حیوانات در فصل گرماست. بعضی خانواده ها فکر می کنند چون هوا گرم است، می توانند هر چند روز یک بار حیوان را بشویند. اما شست و شوی بیش از حد می تواند چربی طبیعی پوست را از بین ببرد و باعث خشکی، خارش و حساسیت شود. استفاده از شامپوی نامناسب هم یکی از مشکلات رایجی است که در سالن زیاد می بینیم. پوست سگ و گربه با پوست انسان متفاوت است و استفاده از محصولات انسانی می تواند برای حیوان خطرناک باشد. انتخاب شامپوی مناسب باید بر اساس مشکلات رایجی است که در سالن زیاد می بینیم. پوست سگ و گربه با پوست انسان متفاوت است و استفاده از محصولات انسانی می تواند برای حیوان خطرناک باشد. انتخاب شامپوی مناسب باید بر اساس



من ماهان هستم، آرایشگر و گرومر حیوانات خانگی در مونترال. اینجا تجربیات و نکات کاربردی دریاری بهداشت، گرومینگ و مراقبت از دوستان چهارپای شما را به اشتراک می گذارم، تا نگهداری از حیوانات هم سالم و شاد باشد و هم لذت بخش. اگر سوالی داشتید، خوشحال می شوم پاسخ دهم و شما را در مسیر مراقبت مسئولانه همراهی کنم. 438-993-4462



همین موضوع باعث شده خدمات پت گرومینگ هم حرفه ای تر و تخصصی تر شود. خیلی از خانواده ها در تابستان سفر می روند و حیوانشان را هم همراه می برند. قبل از سفر بهتر است حیوان گرومینگ کامل شود؛ چون در سفر کنترل وضعیت مو و پوست سخت تر



است. همچنین حیواناتی که مرتب پرس کشیده و تمیز شده اند، در هوای گرم احساس راحتی بیشتری دارند. تابستان همچنین فصل فعالیت بیشتر کنه ها و کک ها است. هنگام گرومینگ معمولاً بدن حیوان کاملاً بررسی می شود و این موضوع کمک می کند وجود انگل خیلی زود تشخیص داده شود. متأسفانه بعضی صاحبان حیوانات زمانی متوجه مشکل می شوند که حیوان دچار خارش شدید یا زخم پوستی شده است. موضوع دیگری که کمتر درباره آن صحبت می شود، تأثیر گرما بر رفتار حیوانات است. بعضی سگ ها در هوای خیلی گرم بی حوصله، عصبی یا بی اشتها می شوند. بعضی گربه ها بیشتر پنهان می شوند یا کمتر بازی می کنند. این تغییرات رفتاری گاهی طبیعی است، اما اگر شدید باشد می تواند نشانه مشکل جسمی باشد. یکی از بدترین اتفاقاتی که هر تابستان می بینیم، حیواناتی هستند که داخل خودروها شده اند. حتی چند دقیقه ماندن در ماشین داغ می تواند جان حیوان را بگیرد. خیلی ها فکر

می کنند پایین دادن شیشه کافی است، اما دمای داخل خودرو خیلی سریع بالا می رود. متأسفانه هر سال حیوانات زیادی فقط به همین دلیل دچار گرمزدگی شدید می شوند. یادآوری در تابستان هم نیاز به دقت دارد. آسفالت داغ می تواند پنجه حیوان را بسوزاند. همیشه توصیه می کنم خانواده ها صبح زود یا بعد از غروب سگ خود را بیرون ببرند. اگر زمین برای دست شما داغ است، برای پنجه حیوان هم خطرناک خواهد بود. از نگاه من به عنوان یک پت گرومر، مهم ترین مسئله در نگهداری حیوانات خانگی، توجه و آگاهی است. حیوانات نمی توانند مثل انسان ها درد یا ناراحتی خود را توضیح دهند. این ما هستیم که باید تغییرات رفتار، پوست، مو یا انرژی آنها را جدی بگیریم.



گرومینگ فقط زیبایی نیست؛ بخشی از مراقبت و سلامت حیوان است. یک حیوان تمیز، برس خورده و سالم نه تنها راحت تر است، بلکه شادتر و آرام تر هم خواهد بود. مخصوصاً در تابستان که گرما فشار بیشتری به بدن حیوان وارد می کند، رسیدگی منظم می تواند تفاوت بزرگی ایجاد کند. شاید خیلی ها تصور کنند کوتاه کردن مو یا حمام حیوان کار ساده ای است، اما پشت هر گرومینگ حرفه ای، شناخت پوست، رفتار، نوع پوشش و نیازهای حیوان وجود دارد. هدف اصلی ما فقط زیباتر شدن حیوان نیست؛ بلکه کمک به سلامت، راحتی و کیفیت بهتر زندگی اوست. تابستان فصل زیبایی، سفر و آفتاب است، اما برای حیوانات خانگی فصل مراقبت بیشتر هم هست. با کمی توجه، آگاهی و رسیدگی منظم، می توان کاری کرد که این روزهای گرم برای همه اعضای خانواده، حتی آنهایی که چهار پا دارند، امن تر، سالم تر و لذت بخش تر بگذرد.

دریافت مشاوره رایگان برای پت شما ۴۳۸۹۳۴۴۶۲ - ماهان

امثال و حکم فارسی

بهرام نصیری



اصطلاح «دوستی خاله خرسه» از کجا آمده؟

پیرمرد باز به خواب عمیقی فرو رفته و خرسی نیز به مراقبت از او پرداخت. پس از مدتی چند مگس به صورت پیرمرد می‌نشستند و او را می‌آزارند، خرس برای خدمت و دوستی به مرد، چند بار آنها را از صورت وی دور می‌کند اما مگس‌های سمج دست بردار نبودند و دوباره بر صورت پیرمرد می‌نشستند!

خرسی که دیگر عصبانی شده بود سنگی بزرگ بر می‌دارد تا به مگس‌ها بکوبد و دوستی‌اش را از شر مگس‌ها نجات دهد! او سنگ را بالای سر خود برده و محکم به صورت او می‌کوبد و پیرمرد را هلاک می‌کند.

مقصود مولانا از این حکایت بیان دوستی احمقانه است که در واقع همان دشمنی است.

در ادبیات مابین حکایت ریشه ضرب المثلی شده که بیان می‌دارد دوستی با دشمن دانا بهتر از دوست نادان است.

دوستی با دشمن دانا نکوست

دشمن دانا به از نادان دوست

دشمن دانا بلندتر می‌کند

برزمیت می‌گوید نادان دوست

این داستان بر گرفته از مثنوی مولانا است که خلاصه آن بدین شرح است:

پیرمرد دهقانی که سال‌ها تنها و بی‌کس بود عمری را به همین منوال گذرانده بود تا اینکه روزی در جنگل خرسی را که اسیر و در دام افتاده بود را نجات داد و این سر آغاز دوستی آنان با یکدیگر شد.

خرسی پس از این جوانمردی به مرد آتشی و الفت خاصی پیدا کرد و مونس و همدم همیشگی وی گردید. روزی در روزهای گرم تابستان پیرمرد راهی طولانی را طی می‌کند و در آخر خسته و کوفته در جایی اتراق می‌کند و به خواب عمیقی می‌رود. خرس هم به مراقبت از او مشغول می‌شود. در این حین مردی دانا این وضع را می‌بیند وی را بیدار می‌کند و می‌گوید: این خرس کیست؟ مواظب او باش و بر لطف او اعتماد نکن که عاقبت خوشی ندارد! اما پیرمرد ساده لوح از این حرف او می‌رنجد و می‌گوید حتما حسادت می‌کنی و نمی‌توانی این دوستی را ببینی.

مرد خیرخواه دید سخنانش تأثیری ندارد پس راه خود پیش گرفت و رفت.

اصطلاح حاجی حاجی مکه

در گذشته‌های دور که امکانات امروزی سفر مانند هواپیما و سایر وسایل نقلیه دیگر وجود نداشت زائران خانه خدا تاگزیر بودند یا کاروان‌هایی شامل اسب و قاطر و شتر و کجاوه از صحرای سوزان و بیابان‌های بی‌آب و علف عبور کنند و سفرشان ۴ تا ۶ ماه به درازا می‌کشید و اگر از گردبادهای سخت و دست‌برد اهرزان و بیماری‌های جان سالم به در می‌بردند شاید می‌توانستند یک بار در عمرشان به زیارت کعبه نایل شوند. بیشتر حاجیان پس از بازگشت از سفر حج به دلیل سختی‌هایی که گفته شد، از مسافرت دوباره به عربستان و زیارت کعبه چشم پوشی می‌کردند و امکان دیدار دوباره با حاجیان همسفر قبلی خود را نداشتند.

از این رو حاجیان ایرانی که از گوشه و کنار کشور پهناور ایران در مکه با یکدیگر آشنا می‌شدند، چون امکان دیداری را در خود ایران نداشتند، پس از پایان مراسم حج و هنگامی که آهنگ بازگشت به ایران و زادگاه خود را می‌کردند، گاه به شوخی و گاه به جد به یکدیگر می‌گفتند: "حاجی حاجی مکه"، یعنی دیگر امکان دیداری میان ما به دست نمی‌آید مگر آنکه دست تقدیر و سرنوشت دوباره ما را عزم سفر حج کند و ما بتوانیم دوباره یکدیگر را در مکه ببینیم که امری بسیار نادر بود. به تدریج این عبارت اصطلاحی شد در ادبیات محاوره‌ای ما و هنگامی به کار می‌رود که دوست و آشنایی پس از زمانی دراز به دیدن دوستان و بستگانش بیاید و با کسی که پول یا امانتی را که قرض گرفته باشد برنگرداند.



برای آموزش نیست؛ بلکه راهی برای تقویت تخیل، آرامش، خلاقیت و ارتباط عاطفی میان کودک و خانواده است. شاید کودک همه داستان‌هایی را که در سال‌های اولیه زندگی شنیده به خاطر نیاید، اما احساسی را که هنگام شنیدن آنها تجربه کرده، سال‌ها در ذهنش نگه می‌دارد. لحنه‌هایی که پدر یا مادر کنار او نشسته‌اند و با آرامش قصه‌ای را خوانده‌اند، می‌تواند حس امنیت، محبت و آرامش را در وجود کودک عمیق‌تر کند. گاهی همین چند دقیقه ساده کتاب خواندن، ارزشمندتر از ساعت‌ها سرگرمی دیجیتال است.

در نهایت، هدف اصلی از کتاب خواندن فقط آموزش کلمات و مهارت‌های درسی نیست؛ بلکه ساختن رابطه‌ای مثبت میان کودک و دنیای مطالعه است. کودک می‌شود، معمولاً تخیل فعال‌تر، قدرت بیان بهتر و ارتباط عاطفی عمیق‌تری با جهان اطراف خود پیدا می‌کند.

شاید به همین دلیل باشد که بسیاری از متخصصان معتقدند عادت کوچک کتاب خواندن در کودکی، می‌تواند آینده‌ای متفاوت برای یک انسان بسازد.

بهترین زمان کتاب خواندن برای کودکان



لذت بخش از زندگی روزمره کودک است. بعضی خانواده‌ها صبح‌ها کتاب می‌خوانند، بعضی بعد از مدرسه و بعضی پیش از خواب. مهم این است که کودک کتاب را به عنوان یک اجبار درسی نبیند، بلکه آن را زمانی آرام و دوست‌داشتنی در کنار خانواده احساس کند.

والدین نیز نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری علاقه کودک به مطالعه دارند. کودکی که ببیند پدر و مادرش کتاب می‌خوانند، احتمال بیشتری دارد که خودش هم به کتاب علاقه‌مند شود. در نهایت، کتاب فقط وسیله‌ای

آرش شکور

کارشناس رسمی
املاک مسکونی و تجاری
در مونترال و حومه

۵۱۴-۷۳۰۳۹۰۹

Arash@londonogroup.com



خرید برای ۵ سال یا ۲۵ سال

تفاوت در چیست؟

مواردی مثل کمبود انباری، نبود حیات یا سر و صدای محیط شاید در کوتاه‌مدت قابل تحمل باشند، اما در بلندمدت کیفیت زندگی را کاهش می‌دهند و عامل فروش زودهنگام می‌شوند.

موقعیت دقیق

در برنامه ۲۵ ساله، جزئیاتی مانند خیابان، نورگیری، آلودگی صوتی و توسعه‌های آینده منطقه اهمیت اساسی دارند.

استراتژی مالی

۵ ساله: انعطاف‌پذیری و نقدشوندگی مهم است. ۲۵ ساله: برنامه‌ریزی برای هزینه‌های نگهداری، ارتقا و تطبیق با نیازهای آینده ضروری است.

نقش بروکر

بروکر کمک می‌کند بازه واقعی سکونت شما مشخص شود، تصمیم‌ها با برنامه زندگی‌تان هماهنگ باشد و از اشتباهات پرهزینه جلوگیری شود. نداشتن افق زمانی مشخص می‌تواند منجر به تصمیم‌های اشتباه ملکی شود.

خرید ملکی که قصد دارید ۵ سال دیگر بفروشید با ملکی که ۲۵ سال در آن زندگی خواهید کرد، دو رویکرد کاملاً متفاوت می‌طلبد. تعیین بازه زمانی، نوع تصمیم‌گیری شما را تغییر می‌دهد.

نوع بازسازی‌ها

۵ ساله: تمرکز بر افزایش ارزش فروش مجدد، استفاده از طراحی‌های خنثی و سلیقه‌پسند برای عموم، پرهیز از شخصی‌سازی‌های پرهزینه که ممکن است هنگام فروش بازگشت سرمایه نداشته باشند. ۲۵ ساله: اولویت با راحتی، کاربری روزمره و تطبیق قضا با سبک زندگی، حتی اگر انتخاب‌ها کاملاً شخصی باشند.

انتخاب ملک

کوتاه‌مدت: منطقه پرتقاضا، نگهداری حداقلی، ویژگی‌های محبوب بازار و فروش سریع حتی در شرایط ضعیف‌تر بازار. بلندمدت: قابلیت تغییر کاربری (خانواده، دورکاری، سالمندی)، کیفیت محله، فضای سبز و محیط زندگی.

سازش‌ها

در دنیایی که تلفن‌های همراه، بازی‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی بخش زیادی از وقت کودکان را گزافته‌اند، کتاب خواندن همچنان یکی از مهم‌ترین راه‌های رشد ذهنی، زبانی و عاطفی آنها به شمار می‌رود.

بسیاری از والدین به اهمیت کتاب توجه دارند، اما شاید کمتر به این موضوع فکر کرده باشند که زمان کتاب خواندن نیز می‌تواند نقش مهمی در علاقه کودک به مطالعه و کیفیت یادگیری او داشته باشد.

یکی از بهترین زمان‌ها برای کتاب خواندن، قبل از خواب شبانه است. قصه شب به کودک کمک می‌کند ذهنش آرام‌تر شود و راحت‌تر بخوابد. برخلاف تلفن همراه و تلویزیون که ذهن کودک را بیش از حد فعال می‌کنند، کتاب فضایی آرام و امن ایجاد می‌کند. علاوه بر این، زمانی که پدر یا مادر برای کودک کتاب می‌خوانند، احساس



- تخت خواب
- تشک
- مبلمان
- نهارخوری

انواع فرش ایرانی



7401 Bd Newman, LaSalle, QC H8N 3H2

514-365-2888



Meubles, Lit, Matelas, Tapis,
Table à manger

Furniture, Bed, Mattress, Carpet,
Dining Set



Roham Narenjiha

General Contractor

Master of Building Engineering

514 677 1201

RenoRoham

www.renoroham.ca

info@renoroham.ca

Renovation & Construction Company

بازسازی ساختمان

- قیمت مناسب
- کیفیت بالا
- ضمانت صد درصدی
- سرعت در اجرا



Reno Roham 88Q1 5828-8382-01



BAZAR

اولین نشریه فارسی زبانان
در کانادا
Juin 2026
36ème - Année No. 429
شماره ۴۲۹، خرداد و تیر ۱۳۰۵
Publications

ماهنامه بازار - ماهنامه اقتصادی، علمی اجتماعی و فرهنگی
ناشر: انتشارات بازار
مدیر مسئول: بهرام ناصری
طراح و گرافیک: سارا فرهادی
تلفن: ۵۱۴ ۵۴۸ - ۶۴۸
438.993.3823 سارا فرهادی
Publisher: Bazar publications
Managing Director: Bahram Nasser
Design and Layout: S. Farahad
Sara.farahad@yahoo.com
T: 514.538.0628
bazar-publications bazarpublications@gmail.com www.bazar-publications.ca



برای شرکت در
همایش رایگان
خرید، فروش و سرمایه گذاری
تعماس بگیرید

گروه املاک شیرخدایی

مشاوره تخصصی رایگان
514 647 4335
Les Immeubles Charisma Inc. - Agence immobilière



Roza Mohammadi
Real Estate Broker
رزا محمدی
مشاور املاک مسکونی و تجاری
www.rozammohammadi.com

• با بیش از ۲۰ سال سابقه تجربه موفق در امور سرمایه گذاری، خرید، فروش، اجاره ملک و ارزش گذاری ملک
• با داشتن ۱۵ سال سابقه همکاری با بانکهای مختلف کانادا و با در اختیار داشتن تیم کارازموده
• امکان مشاوره و کمک برای انجام کلیه خدمات مالی در زمینه تامین وام بانکی و دریافت تأییدیه وام بانکی
امکان انجام مشاوره رایگان برای خرید ملک
بویژه برای هموطنان ارجمندی که
دارای ورک پرمیت و یا استادی پرمیت می باشند

rmohammadi@sutton.com 9515, boul. Lasalle Lasalle QC H8R 2M9
514-867-3114



**طلا و جواهر
یادگاری**
514.245.9159

خرید، فروش، تعمیر و تعویض انواع طلا و جواهر
انواع گردنبند، دستبند و گوشواره
خرید و فروش بر اساس وزن و عیار

اولین طلافروشی ایرانی در مونتreal



**Unit C301, 1
Westmount Sq,
Westmount
H3Z2P9**
YADGARJEWELRY YADGARJEWELRY YADGARJEWELRY.COM



مهدی انصاری
مشاور رسمی املاک مسکونی در مونتreal
کارشناس ارشد مهندسی عمران (کنکوردیا)
(514) 588 - 0609
mahdi.ansari@remax-quebec.com



\$1,050,000
1558-1562 Rue Daniel, Longueuil (Le Vieux-Longueuil) (Montérégie) J4J3M9
\$58,200 Pot. Rev. - 3 bd - 1 ba - 15 no - 1965
For Sale



\$599,997
9 Tasse Detachée, Level (Rear) (Level) H7J1A7
2 ba - 1 ba - 12 no - 1660 sq. feet
For Sale



\$495,000
180 Rue Delaney, La Prairie (Montérégie) J6R2Y8
3 ba - 1+1 ba - 11 no - 1600 sq. feet
For Sale



\$680,000
2120 Rue Tupper # 702, Montréal (Ville-Marie) (Montréal) H3H0B8
2 bd - 1 ba - 6 no - 806 sqft - 2021 sq. feet
For Sale